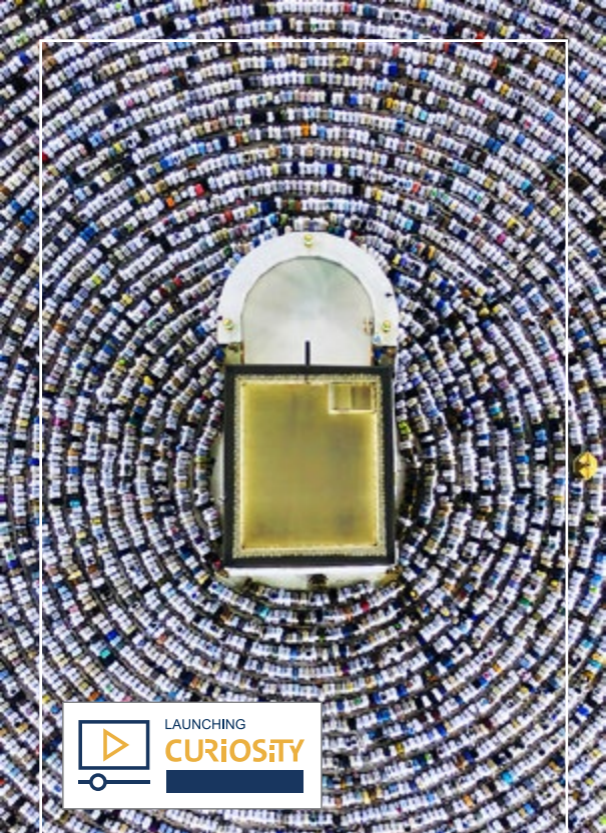




# این است اسلام



LAUNCHING  
**CURIOSITY**

تصویری هوایی از مسلمانان در حالی که روی  
به کعبه نموده اند؛ کعبه‌ای که خداوند ابراهیم  
را به ساخت آن فرمان داد و مسلمانان را  
دستور داد که هنگام نماز، هر کجا که بودند،  
بدان روی نمایند.

THIS IS  
**ISLAM**

# این است اسلام

نگاهی دقیق به دینی که بیشترین سرعت رشد را  
در میان سایر ادیان در جهان داشته است

فهد سالم باهمام



• آیا برای تو مهم نیست که تصویر حقیقی و روشن‌تری دربارهٔ ادیان مورد بحث در رسانه‌های اطرافت ببینی؟!

• آیا شایسته نیست لحظه‌ای برای شناخت عمیق‌تر دینی درنگ داشته باشی که بر اساس آمارهای جهانی بیشترین گسترش و پذیرش را دارد؟

• آیا غیر از این است که انسان با کشف فرهنگ و دیدگاه‌های دیگران دربارهٔ زندگی و دین و هستی پیرامون ما چیزی جز بهره بردن نصیبش نمی‌گردد؟

• آیا این فرصت را به خود می‌دهی تا به اطلاعات موثقی از دین اسلام و منابع آن دست یابی و با عقل و منطق خود آنها را ارزیابی کنی؟!

اگر به دنبال آن یا موردی مهم از آن و یا مشوق و انگیزه‌ای هستی، قطعاً این کتاب به تو کمک می‌کند که مطلوبت را بیابی.

# موضوعات کتاب

12

پرسش‌هایی که به ذهن همه ی  
ما خطور می‌کند



21

جهان شمولی اسلام



62

آفریدگاری یگانه ... معبودی  
یگانه



79

در حقیقت رسولان چه کسانی  
هستند؟



89

دیدگاه اسلام دربارهٔ عیسیٰ علیه السلام



100

پیامبر اسلام کیست؟



اینجا را کلیک کنید



168

خاستگاه قرآن  
کریم

اینجا را کلیک کنید



109

محمد رسول الله ﷺ  
از دیدگاه منصفان



121

بخشی از ویژگی‌ها و صفات  
اخلاقی پیامبر گرامی اسلام ﷺ



140

برخی از احادیث محمد ﷺ



155

قرآن کریم؛ معجزه جاوید اسلام



168

خاستگاه قرآن کریم



189

ماهیت عبادات در اسلام



223

خانواده در اسلام



اینجا را کلیک کنید







223

خانواده در اسلام

اینجا را کلیک کنید



234

جایگاه زن در اسلام



254

قانون اسلام در خوردن  
و آشامیدن



269

گناه و توبه



277

دین و عقل



290

اسلام دین صلح



302

اسلام و واقعیت برخی  
از مسلمانان



اینجا را کلیک کنید



A young man in profile, looking upwards and to the left. In the background, a glowing, semi-transparent brain is depicted with a network of white lines and nodes, suggesting neural connections or digital data. The overall color palette is blue and white, with a bright light source in the upper right.

دین و عقل


277

اینجا را کلیک کنید





پرسش‌هایی که به ذهن  
همه‌ی ما خطور می‌کند ..



کدام  
کدام یک از ما در طول عمرش، لحظه‌ای درنگ  
نکرده تا از خود بپرسد .. قضیه چیست؟ من کی  
هستم؟ از کجا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ سرانجام  
من چه خواهد بود؟ هدف از این هستی چیست؟  
و اگر پایان و فرجام ما، مرگ و خاک و نابودی  
است، این همه تلاش و سختی کشیدن در دنیا برای  
چیست؟

مسلمانان و پیروان ادیان آسمانی بر این باورند که زندگی انسان بدون ایمان به وجود آفریدگاری عادل و حیات دیگری که در آن، فرد نیکوکار پاداش می‌گیرد و بدکار مجازات می‌شود، کاملاً بیهوده و بی‌معناست؛ و بلکه عذاب و رنجی بدون جایگزین و ماجراجویی و ریسکی بی‌فایده است.

و دانستن و درک نمودن تناقضات زندگی و حکمت از مشقت و سختی آن و خطا و صواب و رنج آن ممکن نیست مگر در صورتی که به پروردگاری خالق، متصرف، حکیم و عادل ایمان داشته باشیم؛ پروردگاری که برای این زندگی پایانی قرار داده که پس از آن هرکس بر حسب عملی که انجام داده و ذخیره کرده، سهم خود را متناسب با آن دریافت می‌کند.

و تنها در این صورت است که ایمان عمیق به تمامی ارزش‌ها و مفاهیمی که به سوی آنها فرا می‌خوانیم- همچون عدالت، محبت، مهربانی، صداقت، صبر و رحمت- حقیقتی سازگار با نفس و جان آدمی می‌گردد.. و تحدی و مبارزه طلبی معنا می‌دهد و موقّیّت لذّت می‌یابد و صبر شیرین می‌گردد.

می‌بینیم که قرآن کریم، کتاب مقدّس مسلمانان به این موضوع اشاره دارد، چنانکه در آن الله متعال با ما دربارهٔ عاقلان و خردمندان سخن می‌گوید و می‌فرماید:

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ﴾ (آل عمران: 191).

«و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو».

تنها زمانی امکان فهم تناقضات زندگی و درک حکمتِ سختی‌های زندگی و خطا و صواب و رنج‌ها وجود دارد که به پروردگاری خالق و متصرّف و حکیم و عادل ایمان داشته باشیم.



## دین اسلام

بیشتر ادیان زمینی منسوب به یک شخص یا امت و یا سرزمینی هستند که در آنجا پدید آمده‌اند. مسیحیت نامش را از مسیح عليه السلام گرفته و یهودیت منسوب به قبیله یهودا و بودیسم منسوب به مؤسس آن بودا و هندوئیسم منسوب به هند است و ...

اما دین اسلام منسوب به فرد یا قبیله و نژاد و امت خاصی نشده است، زیرا مختصّ بخشی از بشر نیست که به آن نسبت داده شود و همچنین ساخته و پرداخته ی هیچ بشری نیست تا به او منسوب گردد، بلکه فقط اسلام نام گرفته است.

## مفهوم واژه «اسلام»

با بررسی اصل کلمه «اسلام» در زبان عربی، می‌بینیم که دارای مفاهیم متعددی است و معمولا در معانی تسلیم، خضوع، اطاعت، اخلاص، امنیت و اطمینان و آرامش به کار می‌رود.

اسلام: عبارت است از تسلیم شدن و اطاعت کامل در برابر پروردگار خالق و مالک و آزادی و رهاشدن از هر نوع بندگی برای غیر الله.

معنایی که در چندین آیه از قرآن کریم تاکید شده، همین است.

قرآن به ما خبر می‌دهد که: هرکس با دل و تمام وجود متوجه الله گردد و در برابر او فروتن گشته و تسلیم او شود و به دستورات و ممنوعات او تعالی پایبند باشد، قطعا به ریسمان نجاتی چنگ زده که هرگز پاره نمی‌شود و به هر خیری دست یافته است:

﴿وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (لقمان: 22).

واژه «اسلام» در زبان عربی چندین معنا دارد که معمولا در معانی تسلیم، خضوع، اطاعت، اخلاص، امنیت و آرامش به کار می‌رود.





«هرکس [خالصانه] به الله رو کند و نیکوکار باشد،  
به راستی که به دستاویز محکمی چنگ زده است؛ و  
سرانجام کارها به سوی الله است.»

بنابراین اسلام یعنی بندگی کامل برای الله و رهاشدن  
از فروتنی و بندگی برای غیر او؛ و مسلمان کسی است  
که در عبادتش اخلاص دارد و با اطمینان و آرامش  
خاطر زندگی می‌کند و ارمغان او برای اطرافیانش صلح  
و امنیت می‌باشد.

اما آیا این همان چیزی است که همه ی پیامبران  
آوردند؟

## اسلام دین همه ی پیامبران السلام علیهم

قرآن کریم بیان می کند که به سوی همه ی امت ها در زمان های مختلف، رسولی فرستاده شده تا دین الهی را به آنان آموزش دهد؛ و در قرآن کریم، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله اینگونه مورد خطاب قرار گرفته است:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ (فاطر: 24).

«به راستی، ما تو را به حق بشارت بخش و بیم دهنده فرستادیم و [در نسل های گذشته نیز] هیچ امتی نبود، مگر آنکه میان شان بیم دهنده ای گذشته است.»

بنابراین همه ی پیامبران حامل دین حق بودند و از لحاظ رسالت ایمان و اصول احکام و اخلاق با یکدیگر مشترک هستند.

و اسلامی که خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و آله بیش از 1400 سال قبل آن را آورد، ادامه دینی است که تمامی پیامبران آورده بودند؛ چنانکه قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد به آنچه پیامبران پیشین همچون ابراهیم و اسحاق و یعقوب و موسی و عیسی السلام علیهم ایمان آورده اند، معتقد باشند:

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (البقرة: 136).

«[ای مؤمنان، به اهل کتاب] بگوئید: ما به الله ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده است و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [یعقوب] نازل گردید و [همچنین] به آنچه به موسی و عیسی داده شده است و به آنچه به پیامبران [دیگر] از طرف پروردگارشان داده شده است؛ [آری به همه] آنان ایمان می‌آوریم] و میان هیچیک از ایشان تفاوت نمی‌گذاریم و ما [همگی] تسلیم الله هستیم».

قابل توجه است که قرآن کریم سفارش ابراهیم، پدر انبیاء را به پسرانش و نیز توصیه یعقوب به فرزندان در هنگام وفات را اینگونه حکایت می‌کند که: همانا الله تعالی دین حق را برای شما برگزید، پس بر اسلام پایدار باشید تا مرگ به سراغ تان بیاید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (البقرة: 132).

«و ابراهیم و یعقوب فرزندان‌شان را به این آیین سفارش کردند [و هریک به آنان می‌گفتند]: ای فرزندان من، الله این آیین را برای شما برگزیده است [پس به آن بگروید] و از دنیا نروید مگر اینکه تسلیم [فرمان حق] باشید».

پس اسلام ادامه دین تمامی پیامبران الهی است و اعتقاد یکی است و از لحاظ اصل حقیقی خود تغییر نمی‌کند، بلکه تغییر در شریعت و جزئیات احکام به تناسب شرایط زمان‌های مختلف به وجود می‌آمد تا

اینکه رسول خاتم؛ محمد مصطفی ﷺ مبعوث گشت تا شریعت خاتم را برای تمامی بشر بیان کند.

از این رو، قرآن کریم به روشنی بیان می‌کند که دین یکی است و آن اسلام است؛ و اختلافی که از لحاظ اعتقادی در میان پیروان ادیان آسمانی مشاهده می‌کنیم، چیزی جز تحریفاتی نیست که آنان را از پیام پیامبران‌شان دور ساخته است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾ (آل عمران: 19).

«درحقیقت، دین [پسندیده] نزد الله همان اسلام است؛ و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده است، با یکدیگر به اختلاف پرداختند مگر پس از آنکه علم برای‌شان [حاصل] آمد [و حجت بر آنان تمام شد]. آن [اختلاف و تفرقه] هم به خاطر سرکشی و حسدی [بود] که میان‌شان وجود داشت؛ و هرکس به آیات الله کفر بورزد، [بداند که] الله در حسابرسی سریع است».

اسلام منسوب به مرد یا قبیله و یا نژاد و امتی خاص نیست، زیرا مختص به امت و گروهی از آدمیان نیست که به آن نسبت داده شود و نیز از جانب بشری نیامده است که به وی منسوب گردد، بلکه فقط اسلام نام گرفته است.

# جهان شمولی اسلام

# جای

جای تعجب است که در قرآن مجید، واژه «عرب» به کار نرفته است؛ این درحالی است که قرآن به زبان آنان نازل گشت و پیامبر گرامی اسلام ﷺ در میان آنان برانگیخته شد؛ و امروزه قوم عرب درصد کمی از مسلمانان و حدود 20 درصد از آنان را تشکیل می‌دهند و بزرگ‌ترین کشور اسلامی یعنی اندونزی در دورترین نقطه جنوب شرقی آسیا قرار دارد و بلکه تنها تعداد اقلیت مسلمانان هند، تقریباً دو برابر جمعیت بزرگ‌ترین کشور عربی است.

بدون تردید دین اسلام به عنوان رحمت و هدایتی  
برای همه ی ملت‌ها با فرهنگ‌ها، نژادها، عادات و  
رسوم و سرزمین‌های مختلف آمده است، چنانکه در  
قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الأنبياء: 107).

«و (ای پیامبر!) تو را جز رحمتی برای جهانیان  
 نفرستادیم.»

اسلام ارائه دهنده ی نظام و سیستمی برای تنوع  
موجود در بین بشر است که در هیچ نظامی سابقه  
نداشته و معرفی نشده و هیچ ملّتی شاهد آن نبوده  
است.

باید در این رهنمود قرآنی تأمل کنیم که مخاطب آن  
فقط قوم عرب یا فقط مسلمانان نیست، بلکه خطابی  
متوجه بشریت با انواع نژاد و مذاهب آن می‌باشد؛  
الله متعال می‌فرماید:



﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾. (الحجرات:13).

«ای مردم، ما شما را از [آمیزش] مرد و زنی آفریدیم و به تیره‌ها و قبیله‌های مختلف تقسیم کردیم تا یکدیگر را بازشناسید. بی‌تردید، بزرگواریترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست؛ و الله [به آنچه می‌کنید] دانا و آگاه است».

به این ترتیب قرآن کریم تاکید می‌کند که بشر با هر رنگ و نژادی، از نسل آدم و حواء <sup>السلام</sup> علیهما هستند؛ و تفاوت و تنوع موجود در میان آنان به معنای برتری نیست، بلکه فقط برای شناخت و همکاری است؛ بلکه برتری و احترام برای کسی است که الله را عبادت کند و تقوای او را پیشه سازد.

”

اسلام به شیوه‌ای که هیچ نظام دیگری آن را معرفی نکرده و نشناخته است و ملت‌های روی زمین نسبت به آن شناختی ندارند، چشم‌اندازی برای تنوع بشری ارائه می‌دهد.



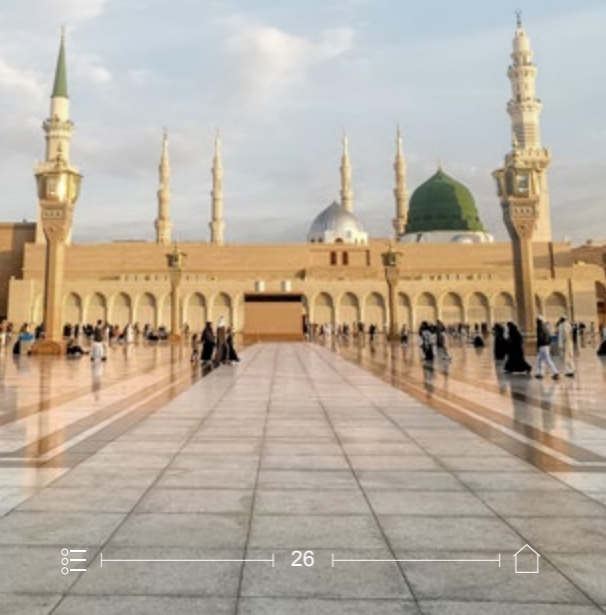
و قرآن کریم توجه ما را به این مهم جلب می‌کند که تفاوت موجود در رنگ و شکل انسان‌ها و تعدد زبان و فرهنگ‌های آنان، از مصادیق نعمت‌های الهی و آیات و عجایب آفرینش او در هستی می‌باشد؛ و این موارد را از لحاظ بزرگی و اهمّیت مقرون به آفرینش آسمان‌ها و زمین بیان می‌کند؛ و بیان می‌دارد که فقط عالمان و اندیشمندان به آنها پی می‌برند و عبرت می‌گیرند:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ السِّنْتِكُمْ وَالْوَالِدِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الروم: 22).

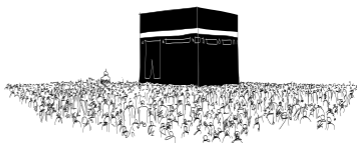
«و از [دیگر] نشانه‌های او تعالی، آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست. بی‌تردید، در این [امور،] نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار] برای دانشوران است».

و درحالی‌که بزرگ‌ترین و نخستین بند اعلامیّه جهانی حقوق بشر بیانگر برابری مردم از لحاظ آزادی و حقوق و کرامت است و در سال 1948م به طور رسمی صادر شد و پس از آن به مرحله‌ی اجرا درآمد، پیامبر گرامی اسلام ﷺ 1400 سال قبل، این موضوع را با صدای بلند بیان نموده و آشکار ساخت و عهد و پیمانی جدید برای بشر به وجود آورد؛ آنجا که در حضور مردم به ایراد خطبه پرداخت و فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا

فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا  
أَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى: «ای مردم!  
بدانید که پروردگارتان یکی است و همانا پدرتان یکی است،  
هیچ فضیلتی برای انسان عربی بر عجمی و نه برای عجمی بر عربی و نه برای سیاه پوست بر سرخ پوست و نه برای سیاه پوست بر سرخ پوست نیست مگر بر مبنای تقوا [معیار برتری تقواست]». (أحمد: 23489)



630م



محمد ﷺ پیامبر دین اسلام

«ای مردم! بدانید که پروردگارتان یکی است و همانا پدرتان یکی است، هیچ فضیلتی برای انسان عربی بر عجمی و نه برای عجمی بر عربی و نه برای فرد سیاه بر سرخ و نه برای انسان سرخ بر سیاه نیست مگر با تقوا [معیار برتری تقواست].»



1948م

اعلامیه جهانی حقوق بشر

قانونی که به برابری انسانها در آزادی و حقوق و کرامت، اقرار دارد.



## توجه به محیط، بخشی از ایمان است

برخی نظریه‌ها انسان را همه‌کاره‌ی مطلق هستی به شمار می‌آورند که بر اساس مصلحت و تمایلاتش در آن تصرف می‌کند بدون اینکه حسابرس و مراقبی داشته باشد، هرچند تصرف او منجر به فساد بخش‌هایی از هستی یا نابودی انواعی از مخلوقات گردد. در مقابل، بعضی برای انسان قائل به هیچ نوع برتری بر سایر مخلوقات نیستند و انسان را فقط نوعی از میلیون‌ها مخلوق دیگر می‌دانند. اما در این میان دیدگاه اسلام در مورد رابطه انسان با هستی چیست؟

دیدگاه اسلام در مورد رابطه انسان با هستی بر اساس اندیشه‌هایی ایمانی و نظری و به همراه احکامی دقیق و تفصیلی جهت تنظیم رابطه با انسان و حیوان و زمین و منابع طبیعی است.

نخستین چیزی که در زمینه‌ی فلسفه این رابطه، نظر پژوهشگر را به خود جلب می‌کند، تعادلی است که قرآن آن را بیان می‌کند، چنانکه الله متعال انسان را گرامی داشته و او را بر سایر مخلوقات برتری داده است: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (الإسراء: 70) «و به راستی، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر

وسایل سفر] سوار کردیم و از انواع [نعمت‌های] پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از موجوداتی که آفریده‌ایم، برتری بسیار بخشیدیم». و هستی و مخلوقات اطرافش را برای او رام نموده تا از آنها بهره برده و حمایت کند: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ - وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ (ابراهیم: 32-33)

«الله است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و آبی از آسمان فروفرستاد و با آن، [انواع] میوه‌ها را برای روزی شما پدید آورد؛ و کشتی‌ها را به خدمت‌تان گماشت تا به فرمانش در دریا در حرکت باشند و جویبارها را [نیز] در خدمت شما نهاد؛ و خورشید و ماه را که پیوسته [در مدار خود] در حرکتند و [همچنین] شب و روز را به خدمت‌تان گماشت». بنابراین انسان فقط نوعی از میلیون‌ها مخلوق دیگر نیست که هیچ مزیتی بر سایر مخلوقات نداشته باشد، بلکه مخلوقی شریف و گرامی است که هستی برای او مسخر شده تا از آن بهره‌مند گردد: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (البقرة: 29) «اوست که همه آنچه را که در زمین

است برای تان آفرید؛ آنگاه به آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت آسمان سامان داد و او به هر چیز داناست».

و از سوی دیگر، تاکید می‌کند که انسان سرور و رئیس مطلق و همه‌کاره و تامّ الاختیار هستی نیست که هر کاری می‌خواهد در آن انجام دهد؛ و این جایگاه و برتری بر سایر مخلوقات، به وی حقّ فساد در هستی و هدر دادن منابع طبیعی را نمی‌دهد. زیرا مالک، همان پروردگار و آفریدگار هستی است و نقش و جایگاه انسان این است که الله تعالی وی را جانشین خویش در زمین گردانیده، به این معنا که او را وصی قرار داده و حقّ انتفاع و استفاده دارد؛ و به وی دستور داده برای رشد و پیشرفت تلاش نماید بدون اینکه ضرر و فساد متوجه بشر یا سایر مخلوقات کند:

﴿وَالَّذِي تُمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعْرِضُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ﴾  
(هود: 61)،

«و به سوی [قوم] ثمود، برادرشان - صالح - را [فرستادیم]. او گفت: ای قوم من، الله را عبادت کنید که جز او معبودی [به حق] ندارید. او شما را از زمین پدید آورد و آبادانی آن را به شما وا گذاشت؛ پس از او آموزش بطلبید سپس به سویش بازگردید [و توبه کنید]. بی‌تردید، پروردگارم نزدیک [و] اجابتگر است.»

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾  
(البقرة: 30).

«و [یاد کن] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین [برای بشر] غیرمسئول و بی‌اختیار [جانشینی خواهم گماشت] [که مسئول و مکلف است]».

شریعت اسلام برای تاکید و تثبیت این موضوع، صدها قانون و دستور العمل تفصیلی صادر کرده است تا رابطه مستحکم میان انسان و هستی اطرافش منظم گردد؛ به عنوان مثال به بخشی از آنها می‌پردازیم:

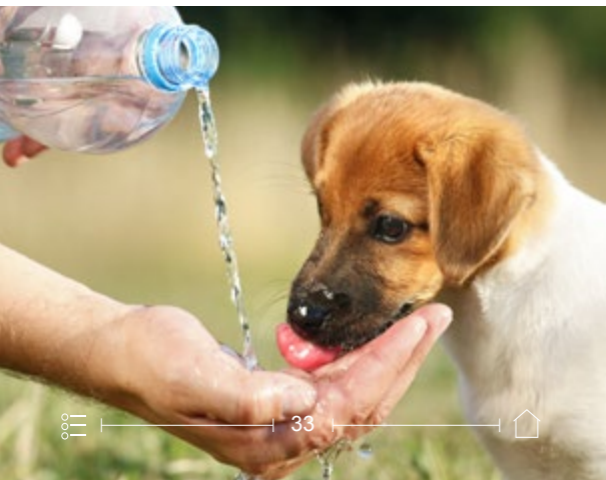
## 1. توجّه به حیوانات

سخنان فراوانی از سیّد و سرورمان محمد ﷺ نقل شده که مردم را به رعایت حقوق حیوانات فرا می‌خواند و بیان می‌کند نیکی به آنها پاداش بزرگی در آخرت دارد؛ و از اذیت و آزار حیوانات باز داشته و آنان را به شدیدترین مجازات‌های الهی تهدید می‌کند.

جالب اینکه نخستین انجمن حمایت از حقوق حیوانات، در بریتانیا و در سال 1824م با عنوان «انجمن سلطنتی حمایت از حقوق حیوانات» شکل گرفت و نیز اولین قانونی که عصر جدید به خود دید و تجاوز و ستم بر حیوانات را جرم دانست، در بریتانیا و به سال 1949م بازمی‌گردد؛ این درحالی است که دین اسلام بیش از 14 قرن پیش ستم بر حیوانات را حرام و جرم معرفی نموده که نمونه‌های متعددی در این زمینه از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است؛ مانند حرام بودن گرسنه نگه داشتن حیوان، اذیت و آزار حیوان، به کارگرفتن حیوان بیش از توانش، به بازی گرفتن حیوان به گونه‌ای که باعث آزار و اذیتش شود و یا ضربه زدن به صورت آن! و سایر احکامی که در کتاب‌های بیانگر فقه اسلامی مشهور است.



شاید خواننده گرامی بداند که اسلام چقدر به  
 مهربانی با حیوانات توجه نموده است زمانی که از  
 این سخن پیامبر گرامی اسلام ﷺ مطلع شود که به  
 مردم خبر داد: زنی که اهل فحشا و زنا (یعنی یکی از  
 بدترین کارهای حرام از دیدگاه اسلام) بود، سگی را  
 دید که نزدیک بود از شدت تشنگی جان دهد، پس  
 دلش به حال آن سوخت و کفشش را بیرون آورد و آن  
 را از آب چاه پر کرد و به این ترتیب به سگ آب داد؛  
 به همین سبب الله تعالی گناهانش را آمرزید! «بَيْنَمَا  
 كَلْبٌ يُطِيفُ بِرَكِيَّةٍ، كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ، إِذْ رَأَتْهُ بَغِيٌّ مِنْ  
 بَغَايَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَزَرَعَتْ مُوقَهَا فَسَقَّتَهُ فُغْفِرَ لَهَا بِهِ»  
 (البخاري: 3280).



اما دین اسلام در سال 632 م گرسنه نگه داشتن و رنج دادن حیوان و یا بارکشیدن بیش از توان آن و نیز بازی با حیوان به روشی که آن را آزار دهد، حرام کرد.



اولین انجمن حقوق حیوانات در سال 1824 م شکل گرفت.



نخستین قانونی که تجاوز و ستم علیه حیوانات را جرم دانست، در سال 1949 م در بریتانیا تشکیل شد.





## 2. توجه به گیاهان

اسلام توجه به گیاهان و کشاورزی را تشویق نموده است؛ فرقی نمی‌کند جهت مصلحت خود فرد باشد یا مصلحت سایر افراد و مخلوقات موجود در هستی را به دنبال داشته باشد.

چنانکه پیامبر گرامی اسلام ﷺ خبر داده که هرکس گیاهی بکارد یا در رویش گیاهی سهمی باشد که تاثیری در هستی داشته باشد و پرنده یا انسان و یا حیوانی از آن خورده و استفاده کند، قطعا این کار برایش صدقه محسوب می‌شود؛ «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَيْهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» (بخاری: 2320).

و حتی پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ از انسان مسلمان می‌خواهد که در بدترین و سخت‌ترین شرایط زندگی، چیزی را ذخیره نکند تا تمام تلاش خود را در حفاظت از محیط و توسعه زمین و رشد آن با کشاورزی به کار گیرد، هرچند یقین داشته باشد که هرگز از این کار سودی نخواهد برد، چنانکه می‌فرماید: «چون قیامت - بزرگ‌ترین رویداد هستی- درحالی برپاگشت که به دست یکی از شما نهالی بود، اگر می‌تواند باید برای کاشتن آن شتاب کند تا صدقه‌ای برای او باشد: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَبَيَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَفْعَلْ»». (مسند احمد: 12981).

بنابراین پیامبر ﷺ آبادکردن و توسعه زمین را هم در سخت‌ترین شرایط، از اهداف و عبادات معرفی نموده که هیچ اتفاق و رویدادی هرچند بزرگ باشد مانع این کار نمی‌شود.



### 3. توجه به منابع طبیعی

دین اسلام بر حفاظت از محیط و هدرن دادن منابع آن و نیز آلوده نکردن و فاسد نساختن آنها تاکید کرده و برنامه کاملی را برای مردم ارائه داده که مبتنی بر اصل (پیشگیری قبل از درمان) است؛ همچون تاکید بر نظافت فردی و توجه به جزئیات آن و نیز حفاظت از منابع طبیعی و میانه روی در استفاده از آنها و جرم دانستن ایجاد فساد یا آلوده کردن این منابع.

- همچنین زیاده روی در استفاده از منابع طبیعی را حرام کرده است؛ بویژه در استفاده از آب؛ هرچند به قصد عبادت در وضو باشد. (وضو به معنای شستن اعضای معین پیش از نماز می باشد).

- قدرتمندان و کسانی را که از نفوذ و جایگاهی برخوردارند از احتکار منابع طبیعی که منجر به زیان دیدن دیگران می شود، باز داشته است. چنانکه

احتکار آب (به عنوان نمونه‌ای از منابع طبیعی) و نیز احتکار آتش (نمونه‌ای از موارد انرژی) و احتکار گیاه (به عنوان نمونه‌ای از مواد غذایی) را حرام کرده است. (ابو داود: 3477).

- اسلام هر چیزی که باعث فساد محیط اطراف ما می‌شود، ممنوع کرده است؛ به عنوان مثال از ادرارکردن در آب راکد نهی کرده است، چون باعث آلودگی آب می‌شود. همچنین از قضای حاجت در سایه و راه‌ها منع کرده است، چون محل رفت و آمد مردم یا استراحت مسافران جهت رفع خستگی سفر هستند. این موارد تنها نمونه‌هایی اندک و معمولی از دینی است که پیامبر آن، پاک کردن محیط از آلودگی‌ها و سهیم‌شدن در اصلاح با دورکردن سبب آزار و اذیت از میان راه مردم را فقط عمل نیک به شمار نمی‌آورد، بلکه آن را جزئی از حقیقت ایمان می‌داند. (مسلم: 35).

توجه به محیط و شرکت و همکاری در پاک کردن آن از آلودگی‌ها، بخشی از ایمان است، آن گونه که پیامبر اسلام می‌فرماید.



## دین علم

این اتفاق نبوده که نخستین کلمه نازل شده از قرآن بر پیامبر ﷺ ﴿اِقْرَأْ﴾ بوده است. در آیات قرآن و سخنان پیامبر ﷺ بر حمایت اسلام از انواع علوم سودمند برای بشر تاکید شده است؛ حتی راهی که انسان مسلمان برای علم و شناخت می‌پیماید، راه وی به سوی بهشت معرفی شده است، چنانکه پیامبر ﷺ فرمودند:

«مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ»؛ «هرکس راهی را در جستجوی علم پیماید، بدین سبب الله تعالی راهی برای او به سوی بهشت هموار می‌سازد» (مسلم: 2699).

پیامبر بزرگوار اسلام مطلب مذکور را در مقایسه‌ای عجیب اینگونه توضیح می‌دهد که: همانا برتری عالم بر کسی که خود را وقف عبادت کرده است، همچون برتری رسول گرامی اسلام محمد ﷺ نسبت به پایین‌ترین مردم از لحاظ منزلت و فضیلت است: «فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ» (ترمذی: 2685).

به همین دلیل، اسلام منافات و اختلافی میان دیانت و علم نمی‌بیند، چنانکه در سایر ادیان دیده می‌شود؛ و هیچگاه در اسلام دانشمندان همچون دوران‌های تاریک تاریخ، به سبب آرا و نتایج علمی و تجربی محاکمه نشدند، بلکه بر عکس، تا زمانی که این علوم برای بشر خیر و نفعی داشتند، دین چراغ علم و پشتیبان آن بوده و به سوی آن و تعلیم و تعلم آن فراخوانده است و مساجد مکان‌هایی جهت ظهور انواع علوم و معارف بوده‌اند.



پس عجیب نیست که بخش عمده‌ای از دانشمندانِ مسلمان در بخش علوم طبیعی، زندگی خود را با آموختن و حفظ قرآن کریم و فهم مسائل دین آغاز کردند، سپس در زمینه و رشته‌های تخصصی خود دست به اکتشافات دقیقی زدند.

بدون تردید الله متعال منزلت و ارزش عالمی که خیر و خوبی را به مردم می‌آموزد والا گردانیده و او را به بالاترین مراتب رسانده است، تا جایی که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الله و فرشتگان و اهل آسمان‌ها و زمین و حتی مورچه در لانه‌اش و حتی ماهی‌ها [یعنی تمامی مخلوقات] برای کسی که به مردم درس خیر و خوبی می‌دهد، درود می‌فرستند.» «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَهْلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ حَتَّى النَّمْلَةِ فِي جُحْرِهَا وَحَتَّى الْحُوتِ لَيُصَلُّونَ عَلَى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرِ» (ترمذی: 2685).



LAUNCHING

CURiOsITY

CLICK HERE



”

بیشتر دانشمندان علوم تجربی و پزشکان  
مسلمان زندگی خود را با آموزش و فراگیری  
قرآنی آغاز کردند که آنان را به مهارت و آگاهی  
در سایر علوم فرا می خواند.



# معرفی برخی از دانشمندان مسلمان



1. خوارزمی (790-850 بغداد)؛ دانشمندی در حوزه ریاضیات، هندسه و ستاره‌شناسی؛ وی مؤسس علم جبر می‌باشد؛ خیلی زود کتاب‌هایش به زبان‌های دیگر ترجمه شد و حتی واژگان عربی مثل جبر Algebra و صفر Zero از طریق او وارد زبان‌های لاتین شد.

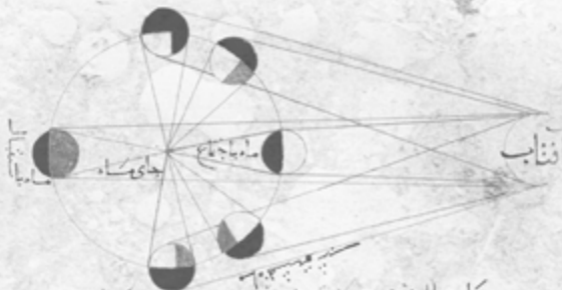


2. ابن هیثم (965- 1040 قاهره)؛ دانشمند علم فیزیک و هندسه که با دانشگاه الأزهر ارتباط داشت؛ و بیشترین نظریات را در علوم بصری ارائه داد و اصول و مبادی اختراع دوربین منسوب به او می‌باشد؛ چنانکه اغلب پژوهشگران معتقدند واژه «کامیرا = دوربین» که در بیشتر زبان‌ها رواج دارد، همان کلمه «قُمرَة» عربی و نام اتاق نوری است که ابن هیثم آن را اختراع کرد.





3. بیرونی (973- 1048 خوارزم)؛ دانشمند بزرگ ستاره‌شناسی و نخستین فردی که گفت: زمین به دور محور خود می‌چرخد و به جاذبه‌ی زمین اشاره کرد.





4. زهراوی (936-1013 اندلس)؛ پزشک و جراح  
مسلمان که علم جراحی توسط وی متحول شد،  
چنانکه صدها وسیله جراحی اختراع نمود و به  
توضیح آنها در کتاب‌هایش پرداخت؛ کتاب‌های  
او به منابع اصلی در زمینه علم پزشکی و جراحی  
برای قرن‌های بعدی تبدیل شد و به زبان‌های  
مختلف ترجمه گردید.



5. ابن سینا (980-1037 بخارا)؛ وی در محافل علمی مشهور به (Avicenna) است. پزشک و فیلسوف معروف که در توصیف بسیاری از پدیده‌های پزشکی از معاصران خویش پیشی گرفت و شیوه درمان بیماری‌ها را بیان کرد؛ جایگاه و تجربه علمی وی در پژوهش‌ها و تحقیقات پزشکی - که او را به نتایج دقیقی رساند - باعث شد بر افراد معاصر خود برتری یابد و دستاوردهای او تاکنون ماندگار بماند؛ این مهم در کتاب (قانون) وی امری آشکار و روشن می‌باشد؛ کتابی که در حوزه آموزش پزشکی به مدت 7 قرن منبع اصلی بود؛ و تا اواسط قرن 17 میلادی در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد.

او پس از مشهور شدن در زمینه پزشکی، بیماران را به صورت رایگان و به عنوان حرکتی انسان‌دوستانه و جهت شکر و سپاسگذاری از الله متعال به سبب نعمت علم و معرفتی که به وی بخشیده بود، درمان می‌کرد.





6. ابن نفیس (1213-1288 دمشق)؛ وی علاوه بر اینکه از علمای شریعت و فقه بود، همزمان یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان علم پزشکی و نیز دانش فیزیولوژی در تاریخ به شمار می‌رفت. او نخستین کسی است که گردش خون کوچک را به طور دقیق کشف نموده و آن را توضیح داد؛ و نظریات پزشکی ارائه داد که همواره به بسیاری از آنها عمل می‌شود.





## اسلام تمامی جنبه‌های زندگی انسان را دربار می‌گیرد

بسیاری از مردم با شنیدن و دانستن این مساله که اسلام بر خلاف بسیاری از آیین‌هایی که می‌شناسند فقط شامل آداب و اعمال و دستور العمل‌هایی اخلاقی و عمومی نیست، تعجب کرده و شگفت‌زده می‌شوند.

بلکه واقعیت این است که اسلام فقط نیازی روحی و روانی نیست که مردم در مساجد با دعا و نماز آن را برطرف کنند...

چنانکه آرا و باورهای محض و فلسفه‌ای نیست که فقط پیروانش به آن ایمان بیاورند...

همچنین تنها نظامی اقتصادی یا زیست‌محیطی محض نیست...

و فقط قوانین و دیدگاه‌هایی برای بنای حکومت و جامعه نیست...

همچنانکه تنها مجموعه‌ای از اخلاقیات و رفتارها در تعامل با دیگران نیست...

بلکه روش و نظامی کامل برای تمامی جوانب زندگی در همه زمینه‌هاست و همه هستی را دربرمی‌گیرد؛ با این همه، آزادی مردم را تا جایی که ممکن باشد محدود نمی‌کند تا همه‌ی تلاش‌ها بر نوآوری و ساخت و ساز و تمدن متمرکز گردد؛ و این یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که الله متعال بوسیله آن به بندگانش منت نموده است، چنانکه قرآن کریم به این مهم تاکید دارد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة: 3).

«امروز دین‌تان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان بهترین] دین برای‌تان برگزیدم».



اسلام روشی کامل برای تمامی جنبه‌ها و چشم اندازهای زندگی است.

و زمانی که کافری - از روی تمسخر - به یکی از یاران رسول الله ﷺ - به نام سلمان فارسی - گفت: رفیق شما (یعنی پیامبر ﷺ) هر چیزی را به شما می آموزد حتی روش ادرار و مدفوع کردن؟ این صحابی بزرگوار پاسخ می دهد: بله، به ما آموزش داده است؛ سپس احکام و آداب اسلام را در این زمینه برای او بیان می کند. «أَجَلٌ، لَقَدْ نَهَانَا أَنْ نَسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ لِعَائِطٍ، أَوْ بَوْلٍ، أَوْ أَنْ نَسْتَنْجِيَ بِالْيَمِينِ، أَوْ أَنْ نَسْتَنْجِيَ بِأَقْلٍ مِنْ ثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ، أَوْ أَنْ نَسْتَنْجِيَ بِرَجِيعٍ أَوْ بَعْظَمٍ»: «آری، ما را از این منع کرده که به هنگام مدفوع یا ادرار، رو به قبله باشیم، یا اینکه با دست راست یا کمتر از سه سنگ یا با مدفوع حیوانات یا استخوان استنجا کنیم». (مسلم: 262)

## دنیا و آخرت

مصریان باستان مرده را مومیایی کرده و تمامی دارایی های ارزشمندش را با این تصور همراه او می گذاشتند که در زندگی پس از مرگ به آنها نیاز دارد.

بر عکس این افراد، اقوامی از تبت جسد مردگان شان را تگه تگه می کردند و آنها را در اماکن مرتفعی می گذاشتند تا خوراک پرندگان و مرغان شکاری شوند. هندوها هنوز هم جسد مردگان شان را می سوزانند، زیرا بر این باورند که تنها راه نجات ارواح شان همین است.



اینها فقط نمونه‌های اندکی از آداب متنوع و مختلف دفن و وداع با مرده است که به مرور زمان و اختلاف مکان و بر اساس دیانت و باورهای مردم دربارهٔ پس از مرگ و پاسخ به سوالات عمیق و متعددی که در این باره به وجود آمده، دچار تغییر شده است ... سوالاتی از جمله اینکه: آیا زندگی دیگری هم وجود دارد؟ آن زندگی چگونه خواهد بود؟ و در آنجا به چه چیزی نیاز داریم؟

دلیلش این است که مرگ حقیقت بزرگی است که همه‌ی ما بدون استثنا موافقیم که در انتظار ماست؛ فرقی نمی‌کند که به زندگی آخرت ایمان داشته باشیم یا اینکه محاسبات ما محدود به آنچه می‌بینیم و با حواسمان درک می‌کنیم باشد ... و تفاوتی ندارد که برای آن لحظه سرنوشت‌ساز آماده باشیم، یا اینکه بخواهیم با بسیاری از سرگرمی‌ها و مشاغل، خودمان را به فراموشی و غفلت بزنیم.

اما یک سؤال باقی می‌ماند که با تمامی غفلت‌ها و فراموشی‌ها مبارزه نموده و در برابر آنها مقاومت می‌کند و هرگاه انسان با خود بیندیشد، این سؤال بارها به ذهنش خطور می‌کند ... آیا مرگ نقطه پایان است و دنیای دیگری وجود ندارد؟ آیا وجود ما بیهوده و بی‌فایده است؟

”

تمامی پیروان ادیان آسمانی به زندگی آخرت و وجود پاداش و عذاب در آن، ایمان دارند.

پرسشی که بارها به فکر و ذهن ما خطور می‌کند و قرآن کریم آن را به شیوه‌های مختلفی تکرار می‌نماید؛ و همزمان به ما خبر می‌دهد که بسیاری از مردم در روز قیامت پشیمان هستند و حسرت می‌خورند، زیرا برای پاسخ به این سؤال نیندیشیده‌اند و برای رفتن آماده نشدند؛ چنانکه برخی در آن روز می‌گویند: ای کاش برای این زندگی خودم توشه‌ای آماده می‌کردم! و دیگری می‌گوید: ای کاش خاک می‌بودم!

﴿يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾ (الفجر: 24).

«وی می‌گوید: ای کاش [در دنیا] برای [این] زندگی‌ام [که همان زندگی حقیقی است چیزی از] پیش فرستاده بودم».

﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ (النبأ: 40).

«ای کاش من خاک بودم [و برای حساب برانگیخته نمی‌شدم]».

روشن است که تمامی پیروان ادیان آسمانی به زندگی آخرت و پاداش و عذاب اخروی ایمان دارند؛ زیرا فحوای پیام همه‌ی پیامبران همین بوده است؛ و عقل نیز گواهی می‌دهد که زندگی و دین و اخلاق بدون زندگی دیگری که حساب در آن باشد و هر انسانی به جزای خیر یا بدش برسد، معنا ندارد.

با این همه، بسیاری از مردم گمان می‌کنند که امکان ندارد دین و عبادت با کسب مال و بهره‌برداری و

پیشرفت جمع شود؛ و کار یا برای دنیا و یا برای آخرت است و ممکن نیست این دو همزمان با هم جمع شوند، چنانکه شب و روز با یکدیگر جمع نمی‌شوند، بنابراین فرصت انسان یا برای این دنیا و یا برای آن دنیاست..

و این تعجب و تصور پایانی ندارد، بلکه برای برخی سخت است که بپذیرند در عقیده‌ی اسلامی مانعی میان مثلا عبادت و بهره‌وری، یا میان عبادت و مال وجود ندارد... این درحالی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خبر می‌دهد که هرگاه انسان کار درستی در هر زمینه‌ای انجام دهد و هدف او خیر باشد، قطعا به سبب این کار در آخرت پاداش می‌گیرد، هرچند کارش برداشتن خاری از سر راه مردم باشد یا حتی لقمه‌ای باشد که در دهان همسرش می‌گذارد! (بخاری: 56)

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله تعدد و فراوانی دروازه‌های خیر را بیان می‌فرماید، موضوعی را مثال می‌زند که موجب تعجب یاران ایشان می‌گردد؛ اینکه: هرگاه یکی از شما با همسرش همبستر شود و خواسته‌اش را برآورده سازد، برایش پاداش نوشته می‌شود. یاران ایشان گفتند: چه رابطه‌ای میان پاداش و برآورده‌ساختن شهوت وجود دارد؟ رسول الله صلی الله علیه و آله پاسخ می‌دهد: آیا اگر خواسته‌اش را با انجام حرام برآورده سازد، گنهکار نمی‌شود؟ آنان گفتند: آری، گنهکار می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس

برای او پاداش ثبت می‌گردد، چون راه صحیح را انتخاب کرده است. «وَفِي بَعْضِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ»، فَقَالَ أَصْحَابُهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيَاتِي أَحَدُنَا شَهْوَتُهُ وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟ فَقَالَ رَسُولُ الْكَرِيمِ: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ فِيهَا وَزْرٌ؟ فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ» (مسلم: 1006).

بر این اساس است که هرکس اسلام را می‌شناسد، از همان لحظه اول حقیقت تعادل و هماهنگی میان زندگی دنیا و آخرت را همان گونه که قرآن کریم آن را به تصویر می‌کشد می‌بیند؛ چنانکه قرآن همزمان که مردم را تشویق به عبادت برای طلب پاداش در آخرت می‌کند، بر تلاش در دنیا برای کسب روزی تاکید دارد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ • فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الجمعة: 9-10)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که برای نماز روز جمعه، اذان گفته شد، به سوی [نماز و] ذکرِ الله بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. اگر بدانید، این [کاری که به شما دستور داده می‌شود] برای تان بهتر است. و هنگامی که نماز پایان یافت، [برای کسب رزق و روزی] در زمین پراکنده شوید و از فضلِ الله طلب کنید؛ و الله را بسیار یاد



کنید تا رستگار شوید». و انسان با این کار مستحق پاداش و مزد است تا زمانی که هدف وی رضایت الهی باشد. و فرد مسلمان وظیفه دارد با تلاش در مسئولیت و شغلی که دارد و با کسب روزی و تربیت فرزندان و توجه به سلامتی و محیط و پیشرفت جامعه خود، الله را عبادت کند، همان گونه که او را با نماز و صدقه و روزه اش عبادت می‌کند.

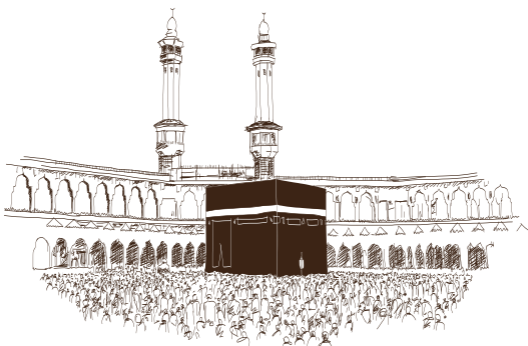
این یکی از رازها و دلایل آرامش خاطر و اطمینان روحی است که هر مسلمانی با پی بردن به تناسب و هماهنگی زندگی دنیا و آخرت و بهره‌وری و عبادتش آن را می‌یابد، بنابراین هیچ منافات و دوگانگی در اسلام وجود ندارد، بلکه نظامی متکامل است که بخش‌های آن یکدیگر را حمایت و حفاظت می‌کند.

”

قرآن کریم بر تعادل و هماهنگی تاکید دارد؛ یعنی همزمان با اینکه مردم را به عبادت تشویق می‌کند تا پاداش آخرت را به دست آورند، برای تلاش در دنیا به منظور کسب روزی تاکید دارد.

بر این اساس، قرآن کریم شعار مسلمان را که فلسفه و حکمت اسلام در آن است تاکید می نماید و به مسلمان فرمان می دهد که به صورت علنی و با صدای بلند بگوید: سراسر زندگی من عبادت الله متعال است و چنین نیست که فقط نماز و عبادتم مختص خداوند باشد، بلکه تمامی احوال و امورم را برای رضای الله انجام می دهم و او پس از مرگم درباره اعمالم حکم خواهد کرد و مرا در قبال آنها جزا و پاداش می دهد و به همین دلیل است که به امر الله و دین اسلام گردن نهاده و با دل و جان آنها را پذیرفتم: ﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ • لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ (الأنعام: 162).

«بگو: بی تردید، نماز و قربانی های من و زندگی و مرگم همه برای الله - پروردگار جهانیان - است.»





## دین ارتباط و مشارکت

توصیف جهانگرد مسلمان احمد بن فضلان از بخش‌های بسیاری از روسیه، دانمارک و کشورهای اسکاندیناوی، نخستین توصیف دقیق و تحلیل واقعیت زندگی مردم و ساختار جامعه به شمار می‌رود که جهانیان در مورد آن کشورها می‌دانند.

احمد بن فضلان در سال 921 م سفر عجیبی را شروع کرد که یکی از مهم‌ترین سفرهای ارتباطات فرهنگی در قرون وسطی به شمار می‌رود. وی از بغداد- پایتخت علوم و تمدن در آن زمان- خارج شد و

شهرها و ملت‌های بسیاری را درنوردید و مشاهدات و رویدادهایی که با آنها مواجه می‌شد، در کتابی جامع ثبت نمود که برای نخستین بار در سال 1923 م بر اساس نسخه‌ای خطی که در روسیه پیدا شده بود، انتشار یافت.

دلیل اهمیت کتاب ابن فضلان بنا به گفته دانشمند امریکایی میخائیل کریکتون این است که مسلمانان بغداد با وجود پایبندی شدید به دین‌شان، از ملت‌هایی که از لحاظ ظاهری، رفتاری و اعتقادی با آنان تفاوت داشتند استقبال می‌کردند؛ این درحالی بود که نسبت به سایر ملت‌ها، کمترین تمایت ارضی را در اختیار داشتند؛ این موارد باعث می‌شد که گواهانی نادر و منحصر به فرد برای فرهنگ‌های بیگانه باشند.

Michael Crichton (Eaters of the Dead)



بنابراین اسلام به مشارکت مردمی در حوزه‌ی ساخت و ساز و تمدن و اصلاح و معاشرت و ارتباط با دیگران با رعایت بهترین اخلاق و رفتار و در نظر داشتن فرهنگ‌ها و ادیان مختلف موجود در میان مردم فرامی‌خواند و گوشزد می‌کند که گوشه‌نشینی و دوری از مردم راه و روش اسلام نیست؛ به همین سبب، رسول الله ﷺ فردی را که با مردم معاشرت دارد و در برابر اذیت‌ها و اشتباهات آنان صبر می‌کند، بهتر از کسی دانسته که گوشه‌نشینی اختیار می‌کند و از مردم فاصله می‌گیرد.

# آفریدگاری یگانه معبودی یگانه

دین اسلام بیان می‌کند که فقط اعتقاد نظری  
برای ورود به دایرهٔ اسلام کافی نیست؛ و از آنجا  
که پروردگار خالق یکی است، باید که پروردگار  
معبود هم یگانه باشد.



نام جلاله «الله» در زبان عربی دارای سه معنای جامع است:

■ به معنای معبودی است که مردم نماز و روزه‌شان را فقط برای او انجام می‌دهند و قلب و تمام عبادات‌شان متوجه اوست.

■ پروردگاری بزرگ در ذات و صفات و شکوه خود، چنانکه عقل‌ها در عظمت او حیرانند و نمی‌توانند کنه آن را درک نموده و به حقیقت ذات او تعالی پی ببرند و نسبت به او احاطه یابند.

■ ذاتی که قلب‌ها علاقه‌مند و جان‌ها مشتاق اویند و با یادش انس می‌گیرند و از قرب و عبادتش لذت می‌برند.



قرآن کریم تاکید می‌کند که باید تصوّر و دیدگاه آدمی نسبت به «الله» صحیح و اصلاح شود؛ و او را از تمامی تحریف‌ها و افتراءاتی که از شکوه و عظمتش می‌گاهد مبرا و پاک بداند.

بنابراین چنانکه قرآن بیان می‌کند، الله آفریدگار و به وجودآورنده این هستی و نظام آن است؛ و هرچه در آن رخ می‌دهد هر قدر کوچک باشد، مخلوق الله متعال بوده و به خواست و تقدیر و علم او به وجود آمده است. و هیچ مخلوق مادینه‌ای باردار نمی‌شود و نمی‌زاید مگر به علم و اراده او؛ و قطره‌ای باران نمی‌بارد و هیچ تغییری در شب و روز ایجاد نمی‌شود و هیچ آشکار و پنهانی در سراسر گیتی نیست مگر اینکه علم و قدرت و رحمت الهی بر آنها احاطه دارد:

﴿إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ﴾ (فصلت: 47).

«آگاهی از [لحظه وقوع] قیامت، تنها به الله مربوط است؛ و خروج هر میوه‌ای از شکوفه‌اش و بارداری و وضع حمل هر ماده‌ای، با آگاهی اوست.»

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (الأنعام: 59).

«و کلیدهای [گنجینه‌های] نهان نزد اوست [و] جز او [هیچکس] آن را نمی‌داند و [اوست که] آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی [از درخت] نمی‌افتد مگر اینکه آن را می‌داند؛ و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [= لوح محفوظ] قرار دارد».

و الله متعال دارای بهترین و کامل‌ترین و زیباترین صفات است. ذاتی قوی که هرگز شکست نمی‌خورد، پروردگار مهربانی که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است و ذات عظیمی که به هیچ وجه عیب و نقص در او راه ندارد.

زمانی که برخی ادّعا کردند الله متعال آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم به استراحت پرداخت، قرآن کریم این باور و ادّعا را باطل نموده و به روشنی تمام بیان فرمود:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾ (أَيُّ تَعَبٍ) [ق: 38].

«ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست، در شش روز آفریدیم و [هرگز] رنج و خستگی به ما نرسید».



یکی از روشن ترین مسائل اسلام، وجوب اخلاص در عبادت برای الله یگانه است، که این عمل، دعوت تمامی پیامبران علیهم السلام بوده است، چنانکه قرآن بر همین موضوع تاکید دارد.

دلیل خطور چنین گمان و تصوراتی، تشبیه نمودن خداوند به مخلوقاتی است که برای عقل شناخته شده هستند؛ این درحالی است که الله متعال خالق است و غیر او هرچه هست مخلوق می باشد؛ حال چگونه می تواند مخلوق شبیه آفریدگارش باشد؟! ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾. (الشوری: 11). «هیچ چیز همانند الله نیست و همو شنوا و بیناست».

الله متعال حاکم عادل است که ذرّه ای ستم نمی کند و آنچه در زندگی و در هستی شاهد هستیم بیانگر حکمت و لطف اوست؛ و چنانکه درک و فهم برخی از تصرفات والدین برای کودک میسر نیست و توان تحلیل آنها را ندارد، چون قدرت تفکرشان بسیار از هم فاصله دارد، عقل بشری نیز گاهی از فهم حکمت و اراده الهی در مورد برخی از مخلوقاتش ناتوان است.



اسلام به این موضوع اکتفا نمی‌کند زمانی که می‌گوید اعتقاد نظری برای ورود به دایرهٔ ایمان کافی نیست، زیرا وقتی که پروردگار و خالق یکی است، باید معبود هم یکی باشد و انجام بخشی یا مجموعه‌ای از عبادات و دعا برای غیر الله جایز نیست، بلکه باید فقط او تعالی بدون واسطه و شفیع عبادت شود و آفریدگار، برتر و بزرگ‌تر از این است که واسطه‌ای میان او و مخلوق باشد.

در دنیا حاکم یا رئیس نمی‌تواند بدون دستیاران و همکاران و نزدیکان خود، نیازمندان و ضعیفان را بشناسد و از اوضاع زیردستانش آگاه شود تا به آنان کمک کند و دست‌شان را بگیرد، اما الله متعال آشکار و نهان را می‌داند و ذات قوی مالکِ قادر است و تمام هستی در اختیار و تحت تصرّف اوست؛ و فرمان او چون چیزی را اراده کند تنها این است که به آن می‌گوید: موجود شو؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود، پس چرا به غیر او توجه گردد؟!

قرآن کریم بیان می‌کند که آرامش قلبی و گشایش دل زمانی صورت می‌گیرد و کامل می‌شود که فرد مسلمان به پروردگارش پناه برد و نیازهایش را در پیشگاه او عرضه دارد؛ و او ذات توانا و بزرگی است که بندگان را دوست دارد، نسبت به آنان مهربان و نزدیک است؛ ذاتی که وقتی بنده‌اش از او چیزی بخواهد خوشحال می‌شود و بندگان را اکرام می‌کند

و به اندازه پناه آوردن و فروتنی‌شان به آنان پاداش می‌دهد:

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (البقرة: 28).

«چگونه [یگانگی] الله را انکار می‌کنید درحالی‌که ماده‌ای بی‌جان بودید و او به شما زندگی بخشید؛ سپس شما را دستخوش مرگ می‌گرداند و دوباره زنده خواهد کرد؛ آنگاه [برای حسابرسی] به پیشگاهش بازگردانده می‌شوید؟».

﴿أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ • أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ اللَّهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (النمل: 62-63).

«[آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که [دعای] درمانده را - وقتی او را بخواند- اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان [پیشینیان در] زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ چه اندک پند می‌گیرید! [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که شما را در تاریکی‌های بیابان و دریا [به وسیله ماه و ستارگان] هدایت می‌کند و آن ذاتی که پیش از [باران] رحمتش، بادها را به مژده می‌فرستد؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ الله از کسانی

[یا چیزهایی] که [برایش] شریک قرار می‌دهند برتر است.»

به همین سبب، یکی از روشن‌ترین مسائل اسلام، وجوب اخلاص در عبادت برای الله یگانه است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (النحل: 36).

«یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت [= معبودان غیر الله] دوری کنید.»

بنا به تاکید قرآن، دعوت و خواسته تمامی پیامبران همین مطلب بوده است و هیچ رسول و مَلَك و دوستی هر اندازه هم که صالح باشد، نباید چیزی از انواع دعا و عبادت متوجه او باشد به این بهانه که آنان واسطه میان الله و بندگانش هستند؛ زیرا همه در نهایت مخلوق و بنده الله هستند و او تعالی به بندگانش نزدیک است و سخنان شان را می‌شنود و تا زمانی که تنها او را عبادت کنند، دعا و درخواست شان را اجابت می‌کند.

چگونه ممکن است کسی که فقط متوجه الله باشد  
طعم سعادت، اطمینان و آرامش را نچشد؛ بلکه هیچ  
نگرانی و اضطرابی ندارد؛ زیرا مالک و خالق و معبود  
او یکی است و توجه و پناه بردن او فقط به سوی الله  
متعال است و نه غیر او.

همین مفهوم معنای سوره‌ای کوچک از مهم‌ترین و  
مشهورترین سوره‌های قرآن، یعنی سورهٔ اخلاص است.



LAUNCHING

**CURIOsITY**

CLICK HERE

قرآن کریم بیان می‌کند که هر چیزی بر اساس علم  
و قدرت الله تعالی حاصل می‌شود، حتی قطره  
های باران و افتادن برگ‌های درختان.



## سورة اخلاص

چنانکه الله تعالى به پیامبرش محمد ﷺ فرمان می‌دهد که آن را به روشنی اعلان نماید، گویا پاسخ این سؤال است که: «الله کیست؟»

- همانا الله یگانه بوده و شریکی در عبادت ندارد.
- الله ذاتی است که همه ی مخلوقات برای برآورده نمودن نیازهای شان به او اعتماد می‌کنند و پناه می‌برند.
- و منزّه است از اینکه فرزندی داشته باشد یا اینکه از چیزی متولد شده باشد، بلکه او اولی است که قبل از او چیزی نبوده است.
- و هیچ چیز از لحاظ ذات و صفات، شبیه و مانند او نیست، زیرا او خالق است و هرچه غیر او هست مخلوق است.





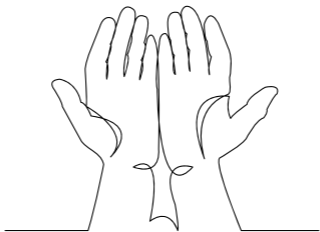
## رابطه قانون طبیعت و قانون شریعت

الله متعال هستی و نظامی را که در آن زندگی می‌کنیم آفریده است؛ از سلول کوچکی که در بدن ما وجود دارد و آنچه کوچک‌تر از آن است تا بزرگ‌ترین کهکشان‌هایی - که ابزارهای نجومی توانسته‌اند آنها را رصد کنند - همه را با تمام دقت و نظم عجیب که زندگی و طبیعت فقط با آن شکل می‌گیرد و جریان دارد به وجود آورد. تمامی دانشمندان علوم تجربی معتقدند که هر نوع خلی در این نظام هر چند کوچک باشد، قطعاً منجر به نابودی آن خواهد شد....

و انسان مسلمان باور دارد آفریدگاری که این نظام شگفت‌انگیز از نظر دقت و استواری را به وجود آورده، همان ذاتی است که از بهترین احکام و قانون زندگی برای مخلوقاتش آگاه است؛ و دینی که آن را تشریح نموده، تنها نظامی است که زندگی بشری با آن سامان می‌گیرد و ستم و تجاوز افراد آن را بر یکدیگر از بین می‌برد... چنانکه الله تعالی در قرآن کریم روشن می‌سازد که آفریدگار هستی و بشر، داناتر به مصالح آنهاست: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (المَلِك: 14).

«آیا کسی که [همه موجودات را] آفریده است، [حالِ بندگان را] نمی‌داند؟ درحالی که او باریک‌بین و آگاه است.»





## کهنات و واسطه‌گری جایی در اسلام ندارد

می‌بینیم که بسیاری از ادیان قائل به برتری دینی و مذهبی برای برخی افراد نسبت به دیگران هستند و عبادات و ایمان مردم را مرتبط و وابسته به رضایت و موافقت آنان می‌دانند؛ بنابراین چنین افرادی - بر اساس دیدگاه پیروان این ادیان - واسطه میان مردم و معبود هستند و اختیار آمرزش دارند و بسا اوقات غیب می‌دانند و مخالفت با آنان را مایه زبانی آشکار می‌دانند.

اما در اسلام مسئولیتی به نام پدر روحانی و کهنات و واسطه‌گری وجود ندارد، بلکه دین اسلام انسان را گرامی داشته و منزلتش را والا گردانیده و او را از هر نوع سلطه معنوی که واسطه میان او و الله باشد آزاد و رها کرده است. اسلام سعادت بشر یا توبه و عبادتش را وابسته و مشروط به افرادی معین نمی‌داند هر اندازه هم که آنان فاضل و صالح باشند.

”

اسلام انسان را گرامی داشته و مقامش را بلند گردانیده است، به گونه‌ای که او را از هر نوع سلطهٔ روحی و روانی که واسطه‌ای میان او و الله قرار گیرد، آزاد و رها کرده و از این رو، سعادت یا توبه و یا عبادت بشر را هرگز مرتبط به افرادی مشخص نمی‌داند هر اندازه هم که آن افراد دارای فضل و صلاح و برتری باشند.

چنانکه او را از هر نوع سلطهٔ علمی که فردی گمان کند علم به دین فقط مختص و محدود به اوست آزاد کرده است. چنین است که می‌بینیم قرآن کریم نه تنها علم به دین و فهم قرآن را حقّ تمامی مردم می‌داند، بلکه خواندن قرآن و فهم آن و تدبّر در معانی قرآن و اجرای احکامش را از واجبات آنها قرار داده است: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص: 29).

«[ای محمد، این قرآن] کتابی است پر برکت که بر تو نازل کردیم تا [مردم] در آیاتش به دقت بیندیشند و خردمندان پند گیرند.»

بنابراین عبادات و ایمان بین انسان و پروردگارش می باشد و هیچکس در این میان نقش و دخالتی ندارد. چراکه الله متعال به بندگانش نزدیک است و دعای بنده را می شنود و درخواستش را اجابت می کند و عبادت و نمازش را می بیند و در قبال آن به وی پاداش می دهد؛ و هیچ بشری مالک حق آمرزش و توبه نیست. بنابراین تا زمانی که بنده توبه کند و فقط الله متعال را عبادت نماید، الله متعال توبه اش را می پذیرد و گناهانش را می آمرزد. چون الله به همه نزدیک است وقتی به او روی آورند و او تعالی را بخوانند، چنانکه در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾  
(البقرة: 186).

«و [ای پیامبر،] چون بندگانم درباره من از تو بپرسند [به آنان بگو که] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - هنگامی که مرا بخواند - اجابت می کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند.»



”

قرآن کریم بیان می‌کند که الله تعالی به تمامی مخلوقات نزدیک است هرگاه به او روی آورند و از او تعالی درخواست کنند.

## آیا آداب خاصی برای ورود به دین اسلام وجود دارد؟

برای کسی که به اسلام قانع شده، اعمال پیچیده ای جهت پذیرش آن وجود ندارد و لازم نیست این کار در محلی خاص یا در حضور فردی معین صورت گیرد، بلکه برای او همین کافی است که عالمانه و با اطلاع از معنای شهادتین، یقین داشتن به آن و درحالی که تسلیم مفاهیم و اقتضائات آن است، شهادتین را بر زبان آورد؛ و شهادتین عبارت است از:

- «أشهد أن لا إله إلا الله»: یعنی گواهی می‌دهم و معتقدم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، پس فقط او را عبادت می‌کنم که یکتاست و شریکی ندارد.

- «وأشهد أن محمداً رسول الله»: یعنی گواهی می‌دهم که محمد ﷺ فرستادهٔ الله به سوی تمامی مردم است، از دستوراتش فرمان می‌برم و از نواهی او دوری می‌کنم و الله را بر اساس شریعت و سنت او عبادت می‌کنم.



در حقیقت رسولان  
چه کسانی هستند؟

# الله

الله تعالی مردم را برای عبادت خود آفرید و پیامبرانی را به سوی‌شان فرستاد تا شریعت الهی را به آنان آموزش داده و آنان را با دین و آیین الهی پند و اندرز دهند؛ و برای اصلاح دین و دنیای مردم تلاش کنند و الگویی نیک برای اقوام شان باشند و با انحراف مبارزه کنند و مردم را به راه صحیح فرا خوانند تا مردم بهانه‌ای برای ایمان‌نیارندن به الله نداشته باشند... اما حقیقت این رسولان و فرستادگان چیست؟





## بشر بودن پیامبران

قرآن کریم در آیات بسیاری تاکید می‌کند که تمامی رسولان بشر بودند و الله تعالی آنان را برای وحی و رسالت برگزید. هرچند از لحاظ بشر بودن با ما مشترک هستند، اما از نظر پاکی و استقامت در مرتبه بالایی قرار دارند، چنانکه الله متعال آنان را انتخاب نمود تا رسالت و دینش را به مردم برسانند؛ در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ (الكهف: 110).

«[ای پیامبر،] بگو: من فقط بشری [عادی] همچون شما هستم [جز اینکه] به من وحی می‌شود».

بنابراین تمامی پیامبران بشر هستند و همانند سایر انسان‌ها متولد شده و وفات می‌کنند و بیمار می‌شوند و از لحاظ جسمی و نیازهای‌شان مانند سایر انسان‌ها هستند.

هیچیک از ویژگی‌ها و صفات الوهیت را ندارند، چون الوهیت مختص الله یگانه است، اما انسان‌هایی هستند که به آنان وحی می‌شود؛ یعنی فرمان الهی از طریق ملائکه یا شیوه‌های دیگری به آنان ابلاغ می‌شود.

امت‌های پیشین از وجود وحی تعجب کردند و الله تعالی تعجب آنان را انکار کرد و بیان فرمود که این کارشان هیچ توجیه و دلیلی ندارد، زیرا وحی راه رسیدن هدایت الله و آموزه‌های دینش به مخلوقات می‌باشد: ﴿أَكَاَنَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ﴾ (یونس: 2).

«آیا برای مردم موجب شگفتی است که به مردی از خودشان وحی کرده‌ایم که: به مردم [دربارهٔ عذاب آخرت] هشدار بده و به کسانی که ایمان آورده‌اند

بشارت بده که برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی نیکوست؟ کافران گفتند: این [مرد] قطعاً جادوگری آشکار است».

## میانه‌روی در مورد جایگاه و منزلت پیامبران

الله متعال بهترین مخلوقاتش را برای حمل رسالت برگزید؛ انسان‌هایی در مرتبه والایی از استقامت و صلاح؛ چنانکه قرآن مجید همه‌ی پیامبران را هدایت‌یافته و نیکوکار و برگزیده و برتر از جهانیان توصیف می‌کند:

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمَنْ ذُرِّيَّتَهُ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ • وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ • وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ • وَمَنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (الأنعام: 84-87).

قرآن مجید بیان می‌کند که تمامی پیامبران بشر بودند و الله متعال آنان را برای وحی و رسالت برگزید.

«و به او [= ابراهیم] اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را [به راه راست] هدایت کردیم؛ و پیشتر نوح را [نیز] هدایت کرده بودیم و از نسل او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [به راه حق رهنمون ساختیم] و نیکوکاران را اینگونه پاداش می‌دهیم. و [همچنین] زکریا و یحیی و عیسی و الیاس [را راه نمودیم که] همه از شایستگان بودند. و اسماعیل و یَسَع و یونس و لوط [را نیز هدایت کردیم] و جملگی را بر جهانیان برتری دادیم. و [نیز] از پدران و فرزندان و برادران‌شان [برخی را برتری دادیم و] آنان را برگزیدیم و به راه راست هدایت کردیم».

و زمانی که یکی از پیامبران دچار اشتباهی می‌شد، الله متعال اشتباهش را بی‌تذکر نمی‌گذاشت، بلکه وی را متوجه می‌کرد تا آن را تکرار نکرده و توبه کند. ناگفته نماند که اشتباه پیامبران به سبب خطای در اجتهاد صورت می‌گیرد و از قبیل تجاوز عمدی از اراده و فرمان الهی نیست.

قرآن کریم پیامبران را به دَقَّت و به دور از هرگونه زیاده‌روی و ستمی توصیف می‌کند؛ اینکه آنان از گناهان کبیره معصوم هستند، با این همه بشرند و نه اله و معبود هستند و نه پسران معبود؛ و هیچیک از ویژگی‌های الوهیت و ربوبیت را دارا نیستند.

حکایت قرآن از گفتگویی که در روز قیامت اتفاق خواهد افتاد تا الله برائت و پاکی عیسی علیه السلام را از عبادت مردم برای او آشکار سازد، این موضوع را روشن می‌سازد:

﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّي الْهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلَّمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ • مَا قُلْتَ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (المائدة: 116-117).



«و [یاد کن از] هنگامی که [روز قیامت] الله می‌فرماید: ای عیسی - پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی که: من و مادرم را [همچون] دو معبود به جای الله برگزینید؟ [عیسی] می‌گوید: [بار الها]، تو منزهی. شایسته نیست که من [دربارهٔ خویشتن] چیزی که حقم نیست بگویم. اگر چنین [سخنی] گفته باشم، بی‌گمان تو می‌دانی. تو آنچه را که در نفس من است می‌دانی و [الی] من آنچه را که در ذات [پاک] توست نمی‌دانم. بی‌تردید، تو خود دانای رازهای نهانی. جز آنچه مرا به آن فرمان دادی چیزی به آنان نگفتم. [گفتم که:] الله را عبادت کنید که پروردگار من و شماست؛ و تا زمانی که در میان آنان به سر می‌بردم، بر [سخنان] آنان گواه بودم؛ و چون مرا [به سوی خویش] برگرفتی، تو خود مراقب‌شان بودی؛ و تو بر هر چیز گواهی.»

قرآن مجید نام عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را به بزرگی یاد می‌کند و 25 مرتبه وی را از آن اتهامات باطل مبرا می‌داند و نیز نام موسی عَلَيْهِ السَّلَام را 136 بار بیان فرموده، در حالی که نام محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که قرآن بر او نازل شده فقط 5 مرتبه آورده است.

## دیدگاه اسلام دربارهٔ پیامبران

برخی از مردم گمان می‌کنند قرآن چیزی جز داستان‌ها و اخبار مربوط به پیامبر ﷺ نیست؛ تا جایی که وقتی می‌دانند قرآن مجید از عیسی العیسیٰ به بزرگی یاد می‌کند و 25 مرتبه وی را با ذکر نامش از اتهامات باطل مبرا می‌داند و از موسی الموسیٰ 136 بار با ذکر نامش یاد می‌کند، تعجب می‌کنند درحالی که از محمد ﷺ که قرآن بر او نازل شده است فقط 5 مرتبه با نام وی یاد می‌کند.

و درحالی که امروزه پیروان بیشتر ادیان، پیامبران سایر آیین‌ها را قبول ندارند و دشمن پیامبران یکدیگرند، هرکس قرآن را تلاوت کند می‌بیند در آیات بسیاری تاکید شده که انسان مسلمان نمی‌شود تا به تمامی رسولان ایمان آورد و اگر تنها به یکی از آنان کافر شود یا در صحت رسالتش تردید کند یا او را به باطل متهم کند، قطعاً از دایرهٔ اسلام خارج می‌شود. بنابراین قرآن تاکید می‌کند که رسول الله ﷺ و مؤمنان به او، به آنچه از جانب الله آمده ایمان دارند؛ بر همین اساس آنان به الله و ملائکه و پیامبران ایمان دارند و در ایمان به آنان، تفاوتی میان هیچیک قائل نمی‌شوند:

﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾  
(البقرة: 285).

«رسول [الله] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان [نیز] همگی به الله و ملائکه و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند؛ [و سخن‌شان این است که]: میان هیچ‌یک از پیامبرانش [نه در ایمان به آنان و نه برتری برخی بر برخی دیگر] تفاوتی نمی‌گذاریم و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آمرزش تو را [خواهانیم] و بازگشت [تمام امور] به سوی توست».

انسان آگاه به قرآن می‌داند که تعدادی از سوره‌های قرآن به نام پیامبران هستند؛ پیامبرانی چون ابراهیم و یوسف؛ و حتی الله متعال یک سوره را به نام مریم پاکدامن مادر عیسی عليها السلام نامیده است.



دیدگاه اسلام  
در باره عیسی  
علیه السلام



# سیدنا

سیدنا عیسیٰ یکی از مهم‌ترین چهره‌ها در طول تاریخ و یکی از بزرگ‌ترین کسانی به شمار می‌رود که ارمغان خیر و خوبی برای بشریت را به همراه داشته است. اما دیدگاه مردم در مورد او متفاوت بوده است، چنانکه برخی او را اله و معبود یا پسر خدا دانسته‌اند و بعضی با او دشمنی کرده و ایراد و اتهامات باطلی را متوجه او کرده‌اند. اما دیدگاه اسلام در مورد عیسی علیه السلام چیست؟

## 1 سیدنا عیسیٰ یکی از برترین پیامبران است

قرآن کریم تاکید می‌کند عیسیٰ یکی از بزرگ‌ترین و بلندمرتبه‌ترین پیامبران علیهم السلام است و مادرش مریم صادق و فرمانبردار و عبادتگزار پروردگارش و عقیف و پاکدامن بود که عیسی علیه السلام بدون پدر و به قدرت الله تعالی در رحم وی جای گرفت؛ و الله او را با معجزه‌ای جاوید همچون آدم که او را بدون پدر و مادر آفرید، خلق نمود؛ چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: همانا عیسیٰ معجزه‌ای جاوید است؛ و چنانکه الله آدم را بدون پدر و مادر آفرید، عیسیٰ را بدون پدر و با قدرت خود خلق نمود؛ همان قدرتی که بر مبنای آن چون به چیزی می‌گوید: باش، فوراً پدید می‌آید: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (آل عمران: 59).

«درحقیقت مثل عیسیٰ نزد الله، همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش؛ پس [بی‌درنگ] موجود شد».

## 2 مسلمان به معجزه‌های سیدنا عیسی ایمان

دارد

مسلمان به معجزاتی که الله متعال به دستان عیسی علیه السلام جاری ساخت ایمان دارد؛ معجزاتی چون درمان فرد پیس و نابینا و زنده کردن مردگان و خبردادن از آنچه مردم می‌خورند و در خانه‌هایشان ذخیره می‌کنند؛ همه‌ی این موارد به اذن الله تعالی صورت می‌گرفت و الله این معجزات را دلیلی صریح و روشن بر صداقت نبوت و رسالت او قرار داد.

## 3 کتاب مقدس انجیل بر او نازل شد

قرآن تاکید می‌کند که الله متعال یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایش - انجیل - را جهت هدایت مردم و به عنوان نور و رحمتی از جانب خویش بر عیسی علیه السلام نازل کرده است؛ و بیان داشته که انجیل در طول تاریخ در معرض تحریف و تأویل قرار گرفته است.



دین اسلام تاکید دارد که عیسی علیه السلام بشری از فرزندان آدم است که الله متعال او را گرامی داشته و او را به سوی بنی اسرائیل فرستاد و معجزاتی را توسط او آشکار نمود و هیچیک از ویژگی‌های ربوبیت و الوهیت را دارا نیست، چنانکه الله متعال در قرآن می‌فرماید: عیسی فقط بنده‌ای صالح است که او را نعمت نبوت بخشیدیم و معجزاتی به وی دادیم تا نشانه‌ای برای قومش و راهنمای آنان به سوی خیر باشد: ﴿إِنَّهُ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (الزخرف: 59).

«عیسی فقط بنده‌ای است که نعمت [رسالت] بر او ارزانی داشتیم و او را نمونه‌ای [از قدرت الهی] برای بنی اسرائیل قرار دادیم».

## به آسمان برده شد

از دیدگاه اسلام، عیسیٰ علیه السلام نه کشته شد و نه به دار آویخته شد، بلکه الله متعال او را به آسمان برد. زمانی که دشمنانش تصمیم به قتل او گرفتند، الله متعال فردی را شبیه وی کرد و دشمنانش آن فرد را کشتند و به صلیب کشیدند به گمان اینکه عیسیٰ علیه السلام است؛ درحالی که وی زنده به آسمان برده شد، چنانکه قرآن کریم بیان می‌کند:

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا • بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (النساء: 157-158).

«و [آنان را لعنت کردیم به خاطر این] سخن شان که: ما مسیح - عیسی پسر مریم - پیامبر الله را کشتیم؛ درحالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند؛ ولی [امر] بر آنان مُشْتَبَه شد [و مردی را که شبیه عیسی بود به دار کشیدند] و کسانی که درباره او اختلاف کردند، قطعاً راجع به وی دچار تردیدند و هیچ علمی به آن ندارند، مگر آنکه از گمان پیروی می‌کنند؛ و یقیناً او را نکشته اند. بلکه الله او را به سوی خویش بالا بُرد؛ و الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است.»



## شجره‌نامه پیامبران

پیامبران الهی بسیارند؛ در اینجا به برخی از مشهورترین آنان می‌پردازیم:

### آدم:

پدر تمامی انسان‌ها که الله متعال او را از خاک آفرید و به ملائکه فرمان داد برای او سجده کنند و از بهشت به زمین آورده شد.

### نوح:

قومش را دعوت داد، اما به او کفر ورزیدند و به این ترتیب بر اثر طوفان عذاب شدند و سیدنا نوح و کسانی از قومش که ایمان آوردند، سوار بر کشتی نجات یافتند.



### إبراهيم:

ابو الأنبياء و یکی از برترین پیامبران و بزرگ‌ترین آنها که مردم را به سوی توحید فرا خواند؛ وی نخستین کسی است که کعبه، قبلهٔ مسلمانان را بنا کرد.

### إسماعیل:

پسر ابراهیم عليه السلام که به پدرش در بنای کعبه کمک کرد.

### إسحاق:

پسر ابرهیم عليه السلام؛ پس از اینکه ملائکه به پدرش مژدهٔ تولد او را دادند، به دنیا آمد.





### يعقوب:

پسر اسحاق عليه السلام که اسرائیل هم نامیده می‌شود و بنی اسرائیل منسوب به او هستند.

### یوسف:

پسر یعقوب عليه السلام؛ در معرض آزمایشات و مصیبت‌های متعددی قرار گرفت اما در نهایت، حاکم مصر شد.

### موسی:

یکی از برترین و بزرگ‌ترین پیامبران است که الله متعال او را به سوی بنی اسرائیل فرستاد و تورات را بر او نازل کرد و با معجزاتی تاییدش نمود، اما فرعون مصر او را تکذیب کرد، در نتیجه الله او را در دریا غرق نمود و موسی و همراهانش را نجات داد.



داود:

پیامبری که الله تعالی او را پادشاه قومش گردانید.

سلیمان:

پسر داود علیه السلام؛ پیامبری که الله متعال پادشاهی و حکومت بزرگی به وی بخشید و بسیاری از مخلوقات را مسخر او نمود.

زکریا:

یکی از پیامبران الهی در بنی اسرائیل؛ وی وصی و سرپرست مریم، مادر عیسی علیه السلام و مسؤول تربیت و آموزش او بود. با وجود اینکه کهنسال و زنش نازا بود، الله تعالی به وی پسری - به نام یحیی - بخشید.




عیسی:

یکی از برترین و بزرگ‌ترین پیامبران که الله متعال او را از مادر و بدون پدر آفرید و او را به سوی بنی‌اسرائیل فرستاد و انجیل را بر او نازل کرد؛ و با معجزات متنوعی تاییدش نمود.

محمد:

خاتم پیامبران که الله متعال ایشان را به سوی همه ی مردم مبعوث کرد، درحالی که تصدیق کننده پیامبران پیشین بود؛ و الله متعال قرآن را بر ایشان نازل کرد؛ قرآنی که هیچ باطلی نه از پیش روی آن و نه از پشت سرش، از هیچ جهت و از هیچ نظری به آن راه ندارد.



پیامبر اسلام  
کیست؟

محمد ﷺ نام پیامبر اسلام است.

امروزه انتشار این نام بیشتر از سایر اسم‌ها در سراسر جهان است. محمد یعنی کسی که مردم او را به سبب اخلاق و کارهایش، تحسین و توصیف می‌کنند.

پس محمد کیست؟

## نام پیامبر اسلام

محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم قریشی  
متولد سال 570 م که در سال 632 م از دنیا رفت، و  
تمامی مسلمانان معتقدند که او:

### ● فرستاده الهی به سوی همه مردم است

الله تعالی محمد ﷺ را به سوی همه‌ی مردم با  
رنگ و نژادهای مختلف فرستاده است و اطاعت  
از ایشان را بر همه‌ی انسان‌ها واجب نموده  
است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا  
أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ (الأعراف:  
158). «بگو: ای مردم! من فرستاده الهی به سوی  
همه شما هستم».

### ● قرآن بر محمد ﷺ نازل شد

الله متعال آخرین و بزرگ‌ترین کتاب‌هایش قرآن  
را بر محمد ﷺ نازل کرد؛ قرآنی که هیچ باطلی نه  
از پیش روی آن و نه از پشت سرش، از هیچ جهت  
و از هیچ نظری به آن راه ندارد.

## ● خاتم پیامبران و رسولان

الله متعال محمد ﷺ را به عنوان خاتم پیامبران فرستاد لذا پس از ایشان پیامبر دیگری نمی آید، چنانکه قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ (الأحزاب: 40). «بلکه رسول الله و خاتم پیامبران است».



## معرفی گذرایی از محمد پیامبر اسلام ﷺ

### 1. ولادت ایشان

ایشان در مکه واقع در غرب جزیره العرب و در سال 570 م یتیم به دنیا آمد و پدرش قبل از وفات کرده بود؛ مادرش را در کودکی از دست داد و در حمایت پدر بزرگش عبدالمطلب پرورش یافت؛ پس از عبدالمطلب عموی پیامبر ﷺ ابوطالب سرپرستی ایشان را به عهده گرفت تا اینکه بزرگ شد.

### 2. زندگی و پرورش پیامبر ﷺ

پیش از اینکه به پیامبری مبعوث شود، به مدت 40 سال (570-609 م) در میان قبیله خود زندگی کرد در حالی که ضرب المثل اخلاق نیک و استقامت و قدرت تشخیص بود؛ تا جایی که لقب مشهور پیامبر ﷺ در میان آنان، صادق و امین بود. رسول الله ﷺ در ابتدا مشغول چراندن گوسفندان بود و سپس به کار تجارت پرداخت.

پیامبر ﷺ پیش از اسلام، بر دین حنیف ابراهیمی الله متعال را عبادت می کرد و بت ها را عبادت نمی کرد و از اعمال بت پرستانه و شرک آمیز فاصله داشت در حالی که امی و درس نخوانده بود و چیزی نمی نوشت.



### 3. بعثت ایشان

پس از اینکه 40 ساله شد و درحالی که در غار حراء در کوه نور (یکی از کوه‌های نزدیک مکه) مشغول تدبر و عبادت الله بود، از جانب الله وحی بر ایشان فرود آمد و به این ترتیب نزول قرآن بر پیامبر ﷺ آغاز شد. نخستین آیه نازل شده از قرآن این بود که: با استعانت از نام پروردگاری که تو را آفرید بخوان: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (العلق: 1) «(ای پیامبر!) بخوان به نام پروردگارت که (هستی را) آفرید».

تا به این ترتیب اعلان کند این بعثت از همان ابتدا، دوره‌ای جدید از علم و خواندن و نور و هدایت برای مردم خواهد بود؛ سپس نزول آیات قرآن بر ایشان در مدّت 23 سال ادامه یافت.



#### 4. ابتدای دعوت پیامبر ﷺ

رسول الله ﷺ دعوتش به سوی دین الله را مخفیانه آغاز کرد و سه سال به همین روش باقی ماند، سپس دعوتش را آشکار ساخت و ده سال در مکه به طور آشکار تبلیغ نمود، درحالی که بیشتر پیروان ایشان همچون پیروان تمامی پیامبران، افراد ضعیف و فقیر بودند؛ رسول الله ﷺ و مؤمنان در مکه، با سخت‌ترین آزارها و ستم‌ها از سوی قریش قبیله‌ی پیامبر مواجه شدند؛ بنابراین پیامبر ﷺ اسلام را بر قبایلی که برای حج به مکه می‌آمدند عرضه نمود که درنتیجه، ساکنان مدینه آن را پذیرفتند و کم‌کم هجرت مسلمانان به سوی مدینه آغاز شد.

#### 5. هجرت ایشان

پیامبر ﷺ در سال 622م و درحالی که 53 سال داشت به مدینه منوره هجرت کرد که در آن زمان یثرب نامیده می‌شد؛ پس از اینکه بزرگان قریش با دعوت پیامبر ﷺ به مخالفت برخاستند و در پی قتل ایشان برآمدند و علیه رسول الله ﷺ توطئه کردند. و به این ترتیب رسول الله ﷺ ده سال در مدینه زندگی کرد و مردم را به اسلام فرا خواند و به ادای نماز و پرداخت زکات و اخلاق نیک و سایر احکام اسلام امر نمود.



## 6. انتشار اسلام بوسیله پیامبر ﷺ

رسول الله ﷺ پس از هجرت به مدینه، در فاصله سال‌های 622 تا 632م هسته تمدن اسلامی را تأسیس نمود و نشانه‌ها و شعائر جامعه اسلامی را پای‌ریزی و ایجاد نمود؛ در این راستا تعصب قبیله‌ای را از بین برد و علم را منتشر ساخت و مبادی عدالت و استقامت و برادری و همکاری و نظم و انضباط را پای‌ریزی نمود. در این میان برخی از قبایل که قصد نابودی اسلام را داشتند باعث جنگ‌ها و حوادث متعددی شدند که الله متعال دین و رسولش را یاری داده و پیروز نمود؛ و به دنبال آن مردم پی‌درپی وارد اسلام شدند و ساکنان مکه و بیشتر شهرها و قبایل جزیره العرب با اختیار خود و رضایت کامل از این دین بزرگ، مسلمان شدند.

## 7. وفات رسول الله ﷺ

در ماه صفر سال 11 هجری و پس از اینکه پیامبر ﷺ رسالت را به طور کامل و صحیح به مردم رساند و الله تعالی با کامل نمودن دین، فضل و احسان خویش را بر مردم تمام کرد، رسول الله ﷺ دچار تب شد و به شدت بیمار گشت و بالاخره در روز دوشنبه، ماه ربیع الأول سال 11 هجری موافق با 632 / 8 / 6 م درحالی که شصت و چند سال سن داشت، از دنیا رفت و در خانه همسرش أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها در کنار مسجد نبوی دفن شد.



صَلَّى اللهُ  
وَسَلَّمَ عَلَيْهِ  
محمّد رسول الله  
از دیدگاه منصفان

فرد منصف - با هر فرهنگی - چون داستان پیامبر گرامی اسلام ﷺ را مطالعه و بررسی نماید، نمی‌تواند واکنشی جز تعجب و تحسین حتی جزئیات این سیره ماندگار داشته باشد؛ چنانکه دانشمندان و فلاسفه و ادیبان شرق و غرب گواه این مهم بوده و در نوشته‌ها و مقالات‌شان به این مساله اعتراف می‌کنند که به برخی از آنها می‌پردازیم؛

**ماہاتما گاندی** می گوید:

«قصد دارم از صفات مردی  
بگویم کہ بدون هیچ اختلافی  
قلوب میلیون‌ها انسان را بہ  
دست آورده است... من بہ  
قناعت رسیدم کہ اسلام بوسیله



شمشیر بہ این جایگاہ نرسیدہ است، بلکہ کسب  
این مقام و منزلت از طریق خوشرویی و دقت و  
صداقت محمد در وعدہ‌ہایش و وفاداری و فداکاری  
و از خودگذشتگی او نسبت بہ دوستان و پیروان  
و شجاعت او بہ ہمراہ اطمینان کامل بہ پروردگار  
و رسالتش، صورت گرفته است. این ویژگی‌ها و نہ  
شمشیر راہ را ہموار نمودہ و مشکلات را آسان و حل  
ساختہ است. پس از اتمام مطالعہ بخش دوم از سیرہ  
او، بسیار تأسف خوردم کہ چرا مطالب بیشتری دربارہ  
این زندگی و سیرہ مهم و بزرگ ندانستم» .

نقل از: الأعمال الكاملة: Collected Works، ج 25،

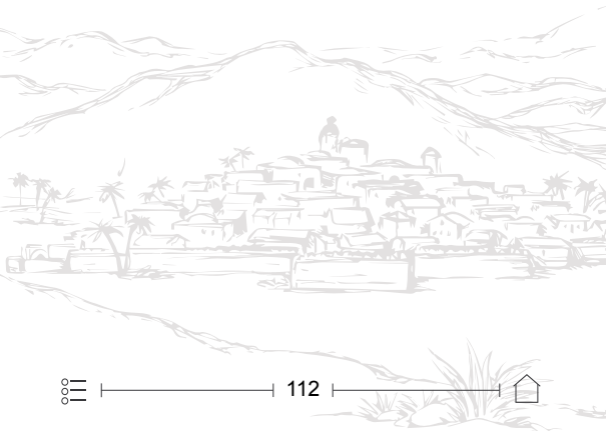
ص 127 .

در کتاب مشهور «صد مرد  
بزرگ تاریخ» **مایکل هارت**  
محمد ﷺ را در رتبه اول قرار  
می‌دهد و دلیل انتخاب ایشان  
را چنین توضیح می‌دهد:  
«انتخاب محمد ﷺ به عنوان



مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مرد تاریخ، باعث تعجب  
خوانندگان می‌شود، اما درحقیقت او یگانه‌مرد تاریخ  
است که از لحاظ دینی و دنیوی کاملاً موفق بود» .

نقل از کتاب: *The 100: A Ranking of the Most Influential Persons in History*، ص 3 .





شاعر مشهور فرانسوی

آلفونس دو لامارتین: در

کتاب «تاریخ ترکیه» می‌گوید:

«داشتن هدف والا و کمبود

امکانات و بازدهی و خروجی

گسترده، سه ویژگی نبوغ



مردان به شمار می‌رود؛ در این زمینه چه کسی جرات

می‌کند محمد را با فرد بزرگ دیگری از بزرگان تاریخ

مقایسه کند؟!» .

نقل از کتاب: Histoire de la Turquie، ج 1،

ص 111 .



فیلسوف هندی «راما کریشنا»

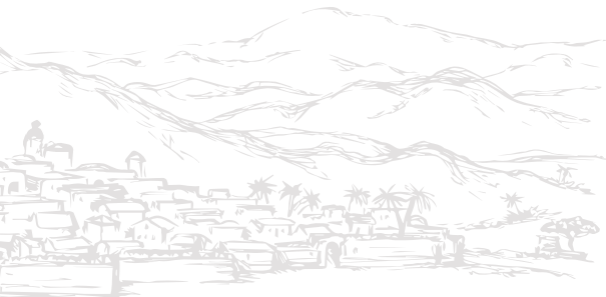
می گوید: «شرایط تغییر کرد، اما محمد در پیروزی و شکست، در قدرت و سختی ها، در ثروت و فقر تغییر نکرد؛ در هر شرایطی همان



مرد همیشگی و با همان صفات قبلی بود، چنانکه ارادهٔ الله تعالی در مورد همه‌ی پیامبران همین است که هرگز قابل تغییر نیستند» .

نقل از کتاب: Mhuhammad The Prophet of

Islam، ص 24 .



**گوته** بزرگ‌ترین شاعر آلمانی در نامه‌ای که به معشوقش می‌نویسد، از میزان علاقه خود به اسلام و محمد ﷺ چنین می‌گوید: (با وجود اینکه به سن هفتاد سالگی رسیده‌ام،



هنوز هم علاقه من به اسلام کم نشده است، بلکه این علاقه بیشتر شده و به شدت بر من تاثیر گذاشته است). کاتارینا مومزن مطلب فوق را در کتابی آورده که درباره گوته می‌نویسد:

Goethe und die arabische Welt، ص 177.

پروفسور **استوبارت** می‌گوید: «بدون تردید یک نفر هم در تمامی تاریخ بشر یافت نمی‌شود که شخصیتی نزدیک به شخصیت محمد داشته باشد... با اینکه حداقل ابزار مادی را در اختیار داشت، اما اقدامات بسیار نادر و مهمی انجام داد؛ اگر تاریخ را از این لحاظ بررسی کنیم، هیچ نامی جز نام پیامبر عربی را چنین درخشان و روشن نمی‌بینیم».

نقل از کتاب: Islam and Its Founder، ص 227-

. 228

سیمون اوکلی در کتاب

«تاریخ امپراطوری مسلمانان»

چنین می‌آورد: «انتشار دعوت

اسلام مایهٔ تعجب و شگفتی

نیست، بلکه دوام و ثبات آن

در طول زمان تعجب‌آور است،

به اندازه‌ای که تصویر و تاثیر جذابی که محمد آن را

در مکه و مدینه به وجود آورد، هنوز هم به همان

اندازه برای هندوها و آفریقایی‌ها و ترک‌هایی که تازه

از قرآن آگاه شده‌اند، جذاب و تاثیرگذار است.»

نقل از کتاب: History of the Saracen Empire، ص 45.



”

«تصویر و نقش جذابی که محمد ﷺ آن را در

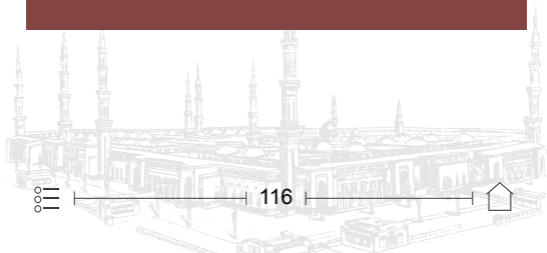
مکه و مدینه به وجود آورد، هنوز هم به همان

اندازه برای هندوها و آفریقایی‌ها و ترک‌هایی

که تازه از قرآن آگاه شده‌اند، جذاب و تاثیرگذار

است.»

سیمون اوکلی





**ویل دورانت** در دایرة المعارف مشهور خود «تاریخ تمدن» چنین می‌آورد:

اگر بخواهیم بزرگی را به معنای تاثیر فراوان شخص بزرگ در میان مردم تعریف کنیم، می‌گوییم: بدون تردید

محمد یکی از بزرگ‌ترین بزرگان تاریخ بود؛ او تصمیم گرفت سطح معنوی و اخلاقی ملتی را ارتقا دهد که گرمای طاقت فرسا و خشکی صحرا آن را در تاریکی‌های خشونت و وحشی‌گری قرار داده بود. وی در برآورده‌ساختن این هدف، چنان موفق شد که هیچ مصلح دیگری در طول تاریخ به چنان موفقیتی دست نیافت؛ کمتر فردی را سراغ داریم که چون او در به دست‌آوردن هر آنچه آرزو داشته موفق باشد... سرزمین عرب در آغاز دعوت اسلام، بیابان خشکی بود که قبایلی از بت‌پرستان در آن زندگی می‌کردند؛ کسانی که تعدادشان اندک بود و با یکدیگر اختلاف داشتند، اما در زمان وفات پیامبر امتی یکپارچه بودند که سرکشی برخاسته از تعصب و خرافات نابود شده بود و اسلام به دینی برتر از یهودیت و مسیحیت و سایر آیین‌های قدیمی آن سرزمین تبدیل شده بود؛ دینی آسان، روشن و قدرتمند و بنایی اخلاقی که بر اساس دلاوری و غرور ملی بود. و در یک نسل توانست در صد نبرد پیروز شود و در یک قرن دولت بزرگی تشکیل دهد و تا به امروز قدرتمند و بسیار مهم در نیمی از جهان باقی بماند» .

نقل از کتاب: The Story of Civilization: The age of faith، بخش چهارم، ص 174 .



یکی از سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر ﷺ - پس از مسلمان‌شدنش - ماجرای عجیبی برای ما بیان می‌کند؛ اینکه وقتی نامهٔ پیامبر ﷺ در سال 628م به هرقل پادشاه روم رسید و رسول اسلام در آن نامه وی را به اسلام دعوت داده بود، هرقل از این نامه تعجب کرد و دستور داد یکی از افراد سرزمین عرب که شناخت و نسبتی با فرستنده داشته باشد آورده شود. از قضا ابوسفیان (یکی از بزرگان قریش و از دشمنان سرسخت پیامبر ﷺ در آن زمان) که به قصد تجارت به شام آمده بود با همراهانش به قصر پادشاه فرا خوانده شدند؛ هرقل از طریق مترجم، سؤالات بسیار زیرکانه‌ای از وی پرسید که نشان از هوش و حکمت او داشت؛ تا بداند آیا رسول الله ﷺ راست می‌گوید

یا درغگوست. وقتی هرقل پاسخ ابوسفیان را دربارهٔ  
سؤال‌اتش شنید، به او چنین گفت:

من از نسبش پرسیدم و تو گفتی: در میان شما  
دارای نسبی والاست؛ پیامبران در میان قوم خود، از  
نسب والایی برخوردار بوده‌اند. دوباره پرسیدم آیا  
پیش از او، کسی از شما چنین ادّعایی کرده است؟ تو  
گفتی نه. بنابراین اگر پیش از او، فردی چنین ادّعایی  
می‌کرد، می‌توانستم بگویم از او تقلید نموده است.

پرسیدم آیا قبل از اینکه چنین ادعایی داشته باشد  
او را به دروغ متهم می‌کردید؟ دوباره پاسخ تو منفی  
بود. بنابراین فهمیدم کسی که به مردم دروغ نگفته  
است، هرگز بر الله وَعَلَّ دروغ نخواهد بست.

سؤال کردم: پیروان او از اشراف هستند یا ضعیفان؟  
گفتی ضعیفان از وی پیروی می‌کنند. پیروان پیامبران  
پیشین نیز همین افراد بودند. پرسیدم که آیا این  
پیروان، زیاد می‌شوند یا کم؟ گفتی روز به روز افزایش  
می‌یابند؛ و ایمان اینگونه است تا زمانی که کامل  
می‌شود.

و پرسیدم: آیا کسی پس از وارد شدن به دینش، به سبب نفرت از آن، مرتد شده است؟ و باز پاسخ تو منفی بود. ایمان اینگونه است که وقتی وارد دلها شود، دیگر از بین نمی‌رود.

پرسیدم: آیا پیمان‌شکن و خائن است؟ گفתי نه. و پیامبران چنین‌اند که عهدشکنی نمی‌کنند.

گفتم شما را به چه امر می‌کند؟ گفתי به عبادت الله و اینکه چیزی را شریک او نکنیم امر می‌کند و شما را از بت‌پرستی نهی کرده و به انجام نماز و راستگویی و پاکدامنی و ... فرمان می‌دهد.

اگر آنچه گفתי راست باشد، قطعاً جایی را که در آن ایستاده‌ام تصرف خواهد کرد. من می‌دانستم چنین پیامبری ظهور خواهد کرد، اما گمان نمی‌کردم از میان شما باشد. و اگر می‌توانستم با وی دیدار کنم، قطعاً امور لازم برای این کار را ترتیب می‌دادم (بخاری: 7).





بخشی از ویژگی‌ها و  
صفات اخلاقی پیامبر  
گرامی اسلام  
ﷺ



# رسول

رسول الله ﷺ الكو و نمونه والاترين اخلاق و صفات  
انسانی بود چنانکه منصفان شرق و غرب و حتی  
دشمنان پیامبر به این مهم گواهی داده‌اند و قرآن  
کریم اخلاق ایشان را عظیم و بزرگ توصیف می  
کند... .



## زمانی

زمانی که از عایشه همسر پیامبر ﷺ دربارهٔ اخلاق ایشان پرسیده شد، توصیف دقیق‌تری از این برای اخلاق رسول الله ﷺ نیافت که: «اخلاق ایشان قرآن بود». به این معنا که پیامبر ﷺ نمونه‌ای عملی از آموزه‌ها و نکات اخلاقی قرآن بود. در ادامه

مختصری از ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ بیان می‌شود:

## تواضع

رسول الله ﷺ راضی نبود کسی به قصد تعظیم برای ایشان بلند شود، بلکه یاران و اصحابش را از آن منع می‌کرد، تا جایی که صحابه رضی الله عنهم - با وجود محبت فراوانی که نسبت به پیامبر ﷺ داشتند - وقتی رسول الله ﷺ را در حال آمدن می‌دیدند، بلند نمی‌شدند، چون متوجه بودند رسول الله ﷺ چنین رفتاری را نمی‌پسندد. (احمد: 12345)

عدی بن حاتم که از بزرگان و سرشناسان عرب بود، پیش از اینکه مسلمان شود جهت شناخت حقیقت دعوت پیامبر ﷺ نزد ایشان رفت. وی می‌گوید: «نزد رسول الله ﷺ رفتم درحالی که زنی با دو یا یک کودک آنجا بودند و در ادامه نزدیک‌بودن و انس آنان با پیامبر ﷺ را بیان می‌کند - این بود که دانستم او مانند پادشاه کسری و قیصر نیست.» (احمد: 19381)

تواضع یکی از ویژگی‌های اخلاقی تمامی پیامبران علیهم السلام بوده است.



پیامبر ﷺ وسایل شخصی خویش را تعمیر می‌کرد، به خانواده خود خدمت می‌نمود و با آنان در امور منزل مشارکت داشت.



در میان یارانش همچون یکی از آنان بود و به گونه‌ای نمی‌نشست که متفاوت از دیگران باشد؛ تا جایی که وقتی کسی وارد مجلس پیامبر ﷺ می‌شد که ایشان را نمی‌شناخت، نمی‌توانست ایشان را از صحابه تشخیص دهد و می‌پرسید: محمد ﷺ کدام یک از شماست؟ (بخاری: 63)

یکی از یاران پیامبر ﷺ در توصیف ایشان می‌گوید: با اینکه مشغول کارهای فراوانی بود، از برآورده کردن نیازها و رسیدگی به مصالح مردم - هر اندازه هم که کوچک می‌بود - سر باز نمی‌زد؛ بسا اوقات یکی از خدمتکاران اهل مدینه می‌آمد و برای برآورده کردن نیازهایش، رسول الله ﷺ را با خود به هر جا که می‌خواست می‌برد. (بخاری: 6072)

صحابی بزرگوار عمر بن خطاب رضی الله عنه حکایت می‌کند باری که نزد رسول الله ﷺ حاضر شد اثر حصیر (سجاده‌ای بافته‌شده از برگ درختان خرما) را در پهلوی پیامبر ﷺ دید و به این دلیل به گریه افتاد. رسول الله ﷺ پرسید: «مَا يُبْكِيكَ؟» «چه چیز تو را به گریه انداخته است؟» سیدنا عمر گفت: یا رسول الله! کسری و قیصر در نعمت‌های فراوان زندگی می‌کنند و وضعیت شما چنین است؟! پیامبر ﷺ فرمود:

«أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ لَهُمُ الدُّنْيَا وَلَنَا الآخِرَةُ؟»: «آیا راضی نمی‌شوی که دنیا از آنان و آخرت از ما باشد؟!» (بخاری: 4913)

پیامبر ﷺ وسایل شخصی‌اش را تعمیر می‌کرد، به خانواده خود خدمت می‌نمود و با آنان در امور منزل مشارکت داشت. زمانی که از همسر ایشان عایشه رضی الله عنها درباره احوال پیامبر ﷺ در خانه سؤال شد، پاسخ داد: «به خانواده خویش خدمت می‌کرد.» (بخاری: 676) و همچنین می‌گوید: «رفتار وی همچون شما می‌باشد؛ کفش خود را می‌دوزد و لباسش را وصله می‌زند.» (احمد: 24749)

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ»: «کسی که ذره‌ای تکبر در دلش باشد، وارد بهشت نمی‌شود.» (مسلم: 91)

## رحمت و مهربانی

پیامبر ﷺ فرمودند: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ ارْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ»: «پروردگار رحمان به افراد مهربان رحم می‌کند؛ با کسانی که در زمین هستند مهربان باشید تا ذاتی که در آسمان است بر شما رحم کند.» (ابو داود: 4941)

مهربانی پیامبر ﷺ در زمینه‌های متعددی نمودار بود؛ از جمله:

## مهربانی ایشان با کودکان

• با اینکه نماز ستون اسلام است و سخن گفتن یا تحرک زیاد در هنگام نماز جایز نیست، یک مرتبه رسول الله ﷺ در حالی نماز می خواند که نوه ایشان امامه دختر زینب را در آغوش داشت؛ هنگام سجده او را بر زمین می گذاشت و وقتی برمی خاست وی را به آغوش می گرفت. (بخاری: 516)

• وقتی به نماز می ایستاد و صدای گریه کودکی را می شنید، در ادای نماز شتاب نموده و نمازش را کوتاه می کرد، چنانکه می فرماید: «إِنِّي لَأَقُومُ فِي الصَّلَاةِ أُرِيدُ أَنْ أَطْوَلَ فِيهَا، فَأَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ، فَأَتَجَوَّزُ فِي صَلَاتِي، كَرَاهِيَةً أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّه»: «همانا من به نماز می ایستم و قصد دارم که آن را طولانی کنم، اما گریه کودکی را می شنوم، بنابراین نمازم را کوتاه می کنم، چون نمی پسندم مادرش به سختی افتد». (بخاری: 707).

## مهربانی با زنان

• رسول الله ﷺ مردم را به رعایت حال دختران و نیکی به آنها تشویق می کرد و می فرمود: «مَنْ يَلِي مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ شَيْئًا، فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ، كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ»: «هرکس را که خداوند به وسیله چند دختر، مورد آزمایش قرار دهد (و او آنها را درست تربیت کند)، برایش سپری در برابر آتش دوزخ خواهند شد». (بخاری: 5995)

- و بلکه دربارهٔ حقوق همسر و توجّه به امور و رعایت شرایط وی بسیار سفارش نموده و به مسلمانان فرمان می‌دهد یکدیگر را در این زمینه سفارش و نصیحت کنند، چنانکه می‌فرماید: «اَسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا»: «وصیت من دربارهٔ ی خوش رفتاری با زنان را بپذیرید». (بخاری: 5186)
- پیامبر ﷺ بهترین مثال‌ها در مهربانی با خانواده بود؛ تا جایی که کنار شترش می‌نشست و زانویش را پله می‌کرد تا همسر ایشان صفیّه رضی الله عنها پای خود را بر آن گذاشته و بر شتر سوار شود. (بخاری: 2235)
- و زمانی که فاطمه دختر پیامبر ﷺ نزد ایشان می‌آمد دستش را می‌گرفت و او را می‌بوسید و در کنار خود می‌نشاند. (ابو داود: 5217)

### مهربانی پیامبر ﷺ با ضعیفان

- رسول الله ﷺ مردم را به سرپرستی از یتیم تشویق نموده و با اشاره دو انگشت سبابه و میانه که قدری میان آنها فاصله انداخته بود می‌فرمود: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا»: «من و سرپرست یتیم در بهشت اینگونه خواهیم بود». (بخاری: 5304)



• و کسی را که برای بیوه‌زن و مسکین تلاش می‌کند، همچون مجاهد در راه الله و کسی معرفی می‌کند که روز را روزه می‌گیرد و شب را به نماز و عبادت سپری می‌کند. (بخاری: 6007)

• مهربانی با ضعیفان و دادن حقوق آنان را سبب کسب روزی و پیروزی بر دشمنان دانسته و می‌فرماید: «ابْغُونِي الضُّعَفَاءَ، فَإِنَّمَا تُتَّصَرُونَ وَتُرَزَقُونَ بِضُعْفَائِكُمْ»: «مرا در میان ضعیفان جستجو کنید که شما به سبب ضعیفان‌تان یاری و روزی داده می‌شوید.» (ابو داود: 2594)



رسول الله ﷺ جلب و جذب ضعیفان و نیکی به آنان را یکی از اسباب نصرت و روزی معرفی می‌نماید.

- پیامبر ﷺ فردی عادل بود که شریعت و احکام الهی را حتی بر نزدیکترین خویشاوندانش اجرا می‌کرد تا به این آیه قرآن عمل کرده باشد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾ (النساء: 135) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برپادارندهٔ عدالت باشید [و] برای الله شهادت دهید؛ هرچند به زیان خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان [شما] باشد».
- زمانی که برخی از صحابه جهت شفاعت و میانجی‌گری مبنی بر عدم اجرای مجازات زنی نزد پیامبر ﷺ آمدند که دزدی کرده بود و از جایگاهی در میان قبیله برخوردار بود، ایشان فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا»: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست اگر فاطمه دختر محمد دزدی می‌کرد، دستش را قطع می‌کردم.» (بخاری: 4304)
- وقتی ربا بر مردم حرام شد، رسول الله ﷺ از نزدیکترین فرد به خود یعنی عمویش عباس رضی الله عنهما شروع کرد و فرمود: «وَأَوَّلُ رَبًّا أَضَعُ رِبَانًا، رَبًّا عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، فَإِنَّهُ مَوْضُوعٌ كُلُّهُ»: «اولین ربایی از موارد ربا که از درجهٔ اعتبار ساقط می‌کنم، ربای عباس بن عبدالمطلب است؛ همه‌ی آن بخشیده شده است.» (مسلم: 1218)

- پیامبر ﷺ معیار تمدن و پیشرفت امت‌ها را در این می‌دانست که فرد ضعیف بتواند در میان آنها بدون ترس و تردید، حقش را از قوی بگیرد، چنانکه فرمود: «لَا قُدُسَتْ أُمَّةٌ لَا يَأْخُذُ الضَّعِيفُ فِيهَا حَقَّهُ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ»: «پاک نمی‌شود امتی که در میان آنها فرد ضعیف حقش را بدون اذیت و آزار نگیرد.» (ابن ماجه: 2426)

### احسان و کرم

- مردی نزد پیامبر ﷺ آمده و درخواست مالی نمود؛ رسول الله ﷺ فرمود آنچه می‌خواهی خرید کن، پرداخت قیمت آن بر عهده من؛ دوست ایشان سیدنا عمر رضی عنه گفت: یا رسول الله! خداوند تو را به کاری که توانش را نداری مکلف نکرده است. اما پیامبر ﷺ این سخن را نپسندید؛ و آن مرد گفت: انفاق کن و از صاحب عرش، ترس فقر و تنگدستی را نداشته باش. پس رسول الله ﷺ تبسم نمود و خوشحالی در چهره‌اش نمایان گشت. (الأحادیث المختارة: 88)

منابع یادآوری کرده‌اند که پیامبر اسلام ﷺ در زندگی خود، هیچ مال و ثروتی را ذخیره نکرد.

- 80 هزار درهم نقره نزد رسول الله ﷺ برده شد که آنها را در حصیری گذاشت؛ سپس درهم‌ها را برداشت و تقسیم کرد و خواسته‌ی هیچکس را بی پاسخ نگذاشت تا اینکه از تقسیم آنها فارغ شد. (حاکم: 5423)

### صبر و بردباری پیامبر ﷺ

- رسول الله ﷺ درحالی که اندوهگین و دلگیر بود، از طائف (شهری کوهستانی که 90 کیلومتر از مکه فاصله دارد) خارج شد؛ پس از اینکه برای دعوت ساکنانش به سوی اسلام به آنجا رفته بود، اما مردم طائف به جای اجابت دعوت، با اذیت و آزار به استقبال ایشان آمدند و به بدترین شکل پاسخ پیامبر ﷺ را دادند. به هنگام بازگشت ایشان به سوی مکه که قوم پیامبر ﷺ در آنجا بودند و ایشان را بیرون کرده و آزار رسانده بودند، الله متعال مَلکی را فرستاد تا نظر رسول الله ﷺ را در مورد هلاکت و نابودی طائفیان جویا شود؛ که پیامبر ﷺ فرمود: «بَلْ أَرْجُو أَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِهِمْ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ، لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»: «بلکه امیدوارم الله تعالی از نسل‌شان کسانی را به وجود آورد که الله را به یگانگی عبادت کنند و چیزی را با او شریک نگردانند.» (بخاری: 3231)

• بزرگ‌تر از این، رفتار ایشان با ساکنان مکه بود؛ کسانی که پیامبر ﷺ را از شهرش بیرون کردند و همواره با زبان و شمشیر مشغول اذیت و آزار او بودند و از هیچ تلاشی برای ضربه‌زدن به پیامبر ﷺ و یاران ایشان در سال‌هایی متمادی دریغ نکردند، اما زمانی که نصرت الهی آمد و الله متعال رسولش ﷺ را با فتح مکه عزت بخشید و بر تمامی ساکنانش پیروز شد، در میان آنان ایستاد و فرمود: «مَا تَقُولُونَ إِنِّي فَاعِلٌ بِكُمْ؟»: «فکر می‌کنید با شما چه می‌کنم؟» آنان گفتند: نیکی می‌کنی؛ چون برادری بزرگوار و پسر برادری بزرگواری. رسول الله ﷺ فرمود: «أَقُولُ كَمَا قَالَ أَخِي يُوسُفُ»: «همان چیزی را می‌گویم که برادرم یوسف گفت»؛ پیامبر الهی یوسف پسر یعقوب برادرانش که او را اذیت کرده و در چاه انداخته بودند بخشید و گفت: امروز هیچ مجازاتی علیه شما اجرا نمی‌شود، الله تعالی شما را بیامرزد که او مهربان‌ترین مهربانان است: ﴿لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (یوسف: 92) «[یوسف] گفت: امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست. الله شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است».

«أَذْهَبُوا فَإِنَّتُمْ الطَّلَقَاءُ»: «بروید که شما آزاد هستید». (بیهقی: 18275)

## بی‌رغبتی به دنیا

• رسول الله ﷺ همواره این سخن پروردگارش را مدّ نظر داشت و بدان عمل می‌کرد: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ (طه: 131). «و هرگز به [نعمت‌های دنیوی و] آنچه که گروه‌هایی از آنان [= مشرکان] را از آنها بهره‌مند ساخته‌ایم چشم ندوز. اینها زینتِ زندگی دنیاست تا آنان را به آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.»

• روزی سیدنا عمر رضی الله عنه در حالی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت که ایشان بر روی حصیری دراز کشیده و مشغول استراحت بود؛ حصیری که بین آن و بدن مبارک پیامبر بستری نبود و به همین دلیل اثر آن بر بدن پیامبر نقش بسته بود. عمر رضی الله عنه می‌گوید: در خانه

نگاهی به اطرافم انداختم؛ سوگند به الله چیزی را نیافتم که ارزش دیدن داشته باشد؛ بنابراین گفتم: از الله بخواه که امت را توانگر سازد که مردم فارس و روم در نعمت‌اند و دنیا به آنان داده شده است درحالی که الله را عبادت نمی‌کنند. رسول الله ﷺ فرمودند: «أَوْفِي شَكِّ أَنْتَ يَا ابْنَ الْخَطَّابِ؟ أُولَئِكَ قَوْمٌ عَجَلَتْ لَهُمْ طَيِّبَاتُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»: «مگر تو تردید داری ای پسر خطاب! آنان قومی هستند که خوشی‌های‌شان در همین زندگی دنیا به آنان داده شده است.» (بخاری: 5191)

• پیامبر ﷺ می‌فرمود: «مَا لِي وَلِلدُّنْيَا، مَا أَنَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ اسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا»:  
«الفت و محبتی میان من و دنیا وجود ندارد؛ من در دنیا همانند مسافری هستم که زیر درختی سایه گرفته و سپس می‌رود و آن را ترک می‌کند.» (ترمذی: 2377)

- گاهی اوقات یک یا دو و یا سه ماه سپری می‌شد و در منازل رسول الله ﷺ آتشی برای پخت و پز روشن نمی‌گشت و قوت روزانه خرما و آب بود. (بخاری: 2567) و بسا اوقات یک روز گرسنه می‌ماند و حتی خرمای نامرغوبی هم نمی‌یافت که خود را با آن سیر کند. (مسلم: 2977) و پیامبر ﷺ تا زمانی که وفات کرد، سه روز پشت سر هم از نان گندم سیر نشد و بیشتر اوقات از نان جو استفاده می‌کرد. (مسلم: 2976)

”

حالت پیامبر ﷺ در دنیا همچون حالت مسافری است که زیر سایه درختی نشسته، سپس می‌رود و آنجا را ترک می‌کند.



- وفای به عهد یکی از والاترین و بهترین صفات اخلاقی است؛ و زمانی ارزش بیشتری پیدا می‌کند که به انتخاب خود انسان در پاسخ به نیکی صورت گیرد بدون اینکه عهد و قراردادی لازم بین دو طرف باشد. اخلاق و عادت رسول الله ﷺ اینگونه بود که نیکی را با بهتر و بزرگ‌تر از آن پاسخ می‌داد؛ و این در شرایطی بود که عهد و پیمانی در میان نبود، چه رسد به زمانی که عهد و پیمانی در میان بود؟!
  - وقتی هرقل پادشاه مسیحیان از کافران قریش دربارهٔ صفات پیامبر ﷺ پرسید، یکی از سؤالاتش این بود که: آیا خیانت می‌کند؟ آنان جواب دادند: نه. هرقل به آنان گفت: پیامبران این‌گونه‌اند که خیانت نمی‌کنند. (بخاری: 7)
  - وفاداری پیامبر ﷺ به اولین همسرش خدیجه رضی الله عنها در اوج خود بود؛ مقام و منزلت او را حفظ می‌کرد و به نقش و جایگاه وی اعتراف می‌نمود و بسیار مشتاق اکرام و احترام نزدیکان و دوستان خدیجه رضی الله عنها بود...

• عایشه رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله از وفاداری ایشان به اولین همسرش یعنی خدیجه رضی الله عنها که در نخستین سالهای بعثت وفات کرد و عایشه رضی الله عنها او را نمی‌شناخت، سخن می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله از خدیجه رضی الله عنها بسیار یاد می‌کرد و بسا اوقات گوسفندی ذبح می‌نمود و آن را تکه‌تکه کرده و برای دوستان خدیجه رضی الله عنها می‌فرستاد؛ بسا اوقات به ایشان می‌گفتم: گویا در دنیا، زن دیگری جز خدیجه رضی الله عنها وجود نداشته است؟! اما رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «إِنَّهَا كَانَتْ، وَكَأَنْتُ»: «همانا او چنین و چنان بود.» و از امتیازات و صفات وی یاد می‌کرد. (بخاری: 3818)

• باری گروهی از سوی نجاشی (پادشاه حبشه که در ابتدای اسلام، از مسلمانان حمایت کرد) نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدند که پیامبر صلی الله علیه و آله خود آنان را خدمت می‌کرد. یاران ایشان گفتند: ما کافی هستیم و این کار را می‌کنیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّهُمْ كَانُوا لِأَصْحَابِي مُكْرَمِينَ، فَإِنِّي أَحَبُّ أَنْ أَكْفِيَهُمْ»: «آنان یاران مرا گرامی داشتند و من دوست دارم رفتار آنها را جبران کنم.» (شعب الإیمان: 8704)

بدون تردید محمد ﷺ با اجرای فرمان الهی و اقتدا به پیامبران پیشین، بهترین نمونه‌ها و مَثَل‌های اخلاق نیکو را در تمامی جنبه‌های زندگی از خود نشان داد.

مسجد النبی همان مسجدی است که پیامبر آن را در مدینه یا به قول مسلمانان مدینه منوره بنا کرد. مدینه دومین شهر مقدس و مهم پس از مکه به شمار می‌ورد. محمدج به آنجا مهاجرت کرد و مسجدش را در این شهر ساخت و در همانجا دفن گردید، و هر ساله میلیونها مسلمان این مسجد را زیارت میکنند.



# برخی از احادیث

صَلَّى اللهُ  
عَلَيْهِ  
وَسَلَّمَ

محمّد

## مسلمانان

مسلمانان با شنیدن و نگارش سخنان رسول الله ﷺ به آنها توجه زیادی کرده‌اند و حافظان و عالمان در ثبت و نوشتن الفاظ احادیث از یکدیگر پیشی گرفته‌اند؛ و به این ترتیب نظام و روشی شگفت‌انگیز در فهم و ثبت روایات و شناخت احادیث صحیح و غیر صحیح، برای جهانیان ارائه داده‌اند، حتی در جزئی‌ترین جزئیات جمله‌ها و واژگان و آنچه به آنها افزوده شده و در اصل بخشی از احادیث نبوده است...

در ادامه به نمونه‌هایی از اقوال و احادیث پیامبر  
گرامی اسلام ﷺ می‌پردازیم:

● «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»: «همانا [صحت و ارزش و پذیرش] اعمال بستگی به نیت‌ها دارد و دست آورد هرکس، همان چیزی است که نیت کرده است.» (بخاری: 1)

● «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ، وَكَرِهَتْ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَيْهِ النَّاسُ»: «نیکی یعنی خوش خلقی؛ و بدی عبارت است از چیزی که در درون انسان تردید ایجاد نماید و دوست نداشته باشی مردم از آن اطلاع پیدا کنند.» (مسلم: 2553)

● «ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ، وَازْهَدْ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ»: «نسبت به [مال] دنیا بی‌رغبت باش تا الله تو را دوست بدارد و به آنچه در دستان مردم است چشم مدوز تا مردم تو را دوست بدارند.» (ابن ماجه: 4102)

● «مَثَلِي وَمَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي، كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ، إِلَّا مَوْضِعَ لَبْنَةٍ مِنْ زَاوِيَةٍ، فُجِعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ، وَيَعْجَبُونَ لَهُ، وَيَقُولُونَ: هَلَّا وُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبْنَةُ؟ قَالَ: فَأَنَا اللَّبْنَةُ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ»: «مَثَلِي وَمَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي، كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ، إِلَّا مَوْضِعَ لَبْنَةٍ مِنْ زَاوِيَةٍ، فُجِعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ، وَيَعْجَبُونَ لَهُ، وَيَقُولُونَ: هَلَّا وُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبْنَةُ؟ قَالَ: فَأَنَا اللَّبْنَةُ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ»:

«مثال من و سایر پیامبران قبل از من، مانند مردی است که خانه‌ای زیبا و کامل بسازد مگر اینکه در گوشه‌ای، جای يك خشت را خالی بگذارد. مردم، اطراف آن دور می‌زنند و با تعجب می‌گویند: آیا این يك خشت، گذاشته نمی‌شود؟» رسول الله ﷺ فرمودند: «من همان يك خشت و خاتم پیامبران هستم». (بخاری: 3535)

- «**الْمُسْلِمُ مِنْ سَلَمٍ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ**»: «مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند و مهاجر واقعی کسی است که از آنچه الله متعال نهی کرده است دوری نماید.» (بخاری: 10)
- «**اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَاتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ**»: «هر جا که بودی، تقوای الهی پیشه کن و پس از بدی، نیکی کن تا آن بدی را از بین ببرد و با مردم، با اخلاق نیک رفتار کن.» (ترمذی: 1987)



”

«لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُوْمِنُوا، وَلَا تُوْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوْا، أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمْوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ؟» «وارد بهشت نمی شوید تا اینکه ایمان بیاورید و ایمان نمی آورید تا اینکه یکدیگر را دوست بدارید. آیا شما را بر کاری راهنمایی کنم که چون آن را انجام دهید، یکدیگر را دوست خواهید داشت؟ سلام گفتن به یکدیگر را در میان خود رواج دهید.» (مسلم: 54).



● «أَلَا مَنْ ظَلَمَ غَيْرَ مُسْلِمٍ، أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ، أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بِغَيْرِ طِيبِ نَفْسٍ، فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: «آگاه باشید که هرکس بر کافری که با مسلمانان عهد و پیمان دارد ستم نماید یا از او عیبجویی کند یا او را فراتر از توانش مکلف سازد یا بدون رضایتش چیزی از وی بگیرد، من طرف او در روز قیامت هستم.» (ابو داود: 3052)

● «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مَّن فِي السَّمَاءِ»: «پروردگار رحمان به افراد مهربان رحم می‌کند؛ با کسانی که در زمین هستند مهربان باشید تا ذاتی که در آسمان است بر شما رحم کند.» (ابو داود: 4941)

● «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ، يَسِّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ»: «هرکس مشکلی از مشکلات دنیوی مؤمنی را حل کند، الله متعال

مشکلی از مشکلات روز قیامت او را حل می‌کند؛ و کسی که بر تنگدستی آسان بگیرد، الله متعال در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد. و کسی که [عیب] مسلمانی را بپوشاند، الله متعال در دنیا و آخرت [عیب] او را می‌پوشاند. و الله متعال یار و یاور بنده است تا زمانی که بنده، یاورِ برادرِ خویش باشد و هرکس راهی برای جستجوی علم بی‌ماید، الله به پاس این عملش، راهی برای او به سوی بهشت، هموار می‌سازد... و کسی که عملش او را عقب براند، نسبش او را پیش نمی‌اندازد.» (مسلم: 2699)

● «مَنْ غَشَّ فَلَيْسَ مِنَّا» «هرکس خیانت کند، از ما نیست.» (ترمذی: 1315)

● «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ، وَتَرَاحُمِهِمْ، وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى»: «مَثَلُ مُؤْمِنَانِ فِي دَوَسْتِي وَ مَهْرَبَانِي وَ مَحَبَّتِي بَا يَكْدِيْغَرِ هَمْچُونِ يَكِ بَدَنِ اسْتِ كِهْ هَرْگَاهِ عَضْوِيْ اَزْ اَنِّ بِهْ دَرْدِ اَيْدِ، سَايْرِ اَعْضَايِ بَدَنِ بَا بِيْدَارْخَوَابِيْ وَ تَبِ بَا اَنِّ هَمْدَرْدِيْ وَ هَمْراهِيْ مِيْ كَنْنِد.» (مسلم: 2586)



”

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا، وَيَعْرِفَ حَقَّ كَبِيرِنَا»: «کسی که به کوچک تر ما رحم نکند و شرافت و احترام بزرگ تر ما را نگه ندارد از ما نیست.» (ترمذی: 1920)

- «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ، فَاِلِمَامٌ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى اَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ، اَلَا فِكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ»: «همه ی شما مسؤولید و هریک از شما درباره ی زبردستانش بازخواست می شود؛ رهبر یا حاکم، مسؤول رعیت است و مرد، مسؤول خانواده اش می باشد و درباره ی خانواده اش بازخواست می شود؛ و زن، درباره ی خانه ی شوهرش و فرزندانش مسؤول است ... پس همه ی شما مسؤولید و درباره ی مسؤولیت و زبردستان خود، بازخواست خواهید شد.» (بخاری: 5188).

● «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»: «بهترین شما، کسانی هستند که با خانواده (همسران) خویش بهترند؛ و من، بهترین شما در برخورد با همسران خود هستم.» (ترمذی: 3895)

● «بَيْنَا رَجُلٌ بِطَرِيقٍ، اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ، فَوَجَدَ بَيْرًا فَنَزَلَ فِيهَا، فَشَرِبَ ثُمَّ خَرَجَ، فَإِذَا كَلْبٌ يَلْهَثُ، يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَشِ، فَقَالَ الرَّجُلُ: لَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ الْعَطَشِ مِثْلَ الَّذِي كَانَ بَلَغَ مِنِّي، فَنَزَلَ الْبَيْرَ فَمَلَأَ خَفَّهُ مَاءً، فَسَقَى الْكَلْبَ، فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَغَفَرَ لَهُ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنَّ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ لِأَجْرًا؟» فَقَالَ: «فِي كُلِّ ذَاتِ كَبِدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ»: «مردی از راهی می‌گذشت و سخت تشنه شده بود. چاهی یافت؛ از چاه پایین رفت و آب نوشید؛ هنگامی که بیرون آمد، سگی دید که از شدت تشنگی دهانش را باز کرده و زبانش را بیرون آورده بود و آن را به خاک مرطوب می‌مالید. آن مرد، با خود گفت: این سگ، به همان اندازه تشنه است که من تشنه بودم. لذا دوباره از چاه پایین رفت و جوراب چرمی خود را پُر از آب کرد [و از چاه بالا آمد] و به سگ آب داد. از این رو الله، از او قدردانی کرد و گناهانش را بخشید.» اصحاب گفتند: آیا به خاطر نیکی کردن به حیوانات نیز اجر و پاداش می‌یابیم؟ فرمود: «نیکی کردن به هر موجود زنده و جاننداری ثواب دارد.» (بخاری: 2466)

- «آیةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أَؤْتِمِنَ خَانَ»: «نشانه منافق سه چیز است: به وقت سخن گفتن دروغ می گوید، هنگامی که وعده می دهد خلف وعده می کند و زمانی که امین شمرده می شود خیانت می کند.» (بخاری: 33)

- «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ»: «از نشانه های نیکی و زیبایی اسلام فرد، ترک کارهای بیهوده ای است که فایده ای برایش ندارد.» (ترمذی: 2317)

- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ»: «الله متعال نرمی در هر کاری را دوست دارد.» (بخاری: 6024)

- و می فرماید: «مَنْ يُحْرِمِ الرَّفْقَ يُحْرِمِ الْخَيْرَ»: «کسی که از نرمخویی [و مهربانی] محروم شود، از همه ی نیکی ها محروم می شود.» (مسلم: 2592)



## توصیف رسول الله ﷺ در قرآن کریم

قرآن جنبه‌ای شگفت‌انگیز از شخصیت پیامبر ﷺ و رفتار ایشان با اطرافیان را بیان می‌کند که همزمان بیانگر اخلاق، شمایل و بشر بودن پیامبر ﷺ است:

■ رسول الله ﷺ مایهٔ رحمت برای تمامی جهانیان: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الأنبياء: 107) «و [ای محمد،] تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» و فقط به عنوان رحمتی برای مسلمانان فرستاده نشدی.

■ از اخلاق بزرگی بهره‌مند بود: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (القلم: 4) «و یقیناً تو [ای محمد ﷺ] اخلاق بسیار نیکو و والایی داری».

بسیار به هدایت مردم علاقه‌مند بود و از گمراهی آنان بسیار اندوهگین می‌شد، تا جایی که بارها تاکید شده که مسئولیت ایشان دعوت و رساندن پیام الهی است و الله تعالی هرکس را که بخواهد، توفیق هدایت می‌دهد: ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ (هود: 12).

«و [ای پیامبر،] مبادا [ابلاغ] برخی از آنچه را که به سویت وحی می‌شود ترک کنی و سینه‌ات از آن به تنگ آید که [مشرکان] می‌گویند: چرا گنجی بر او نازل نگشته است یا فرشته‌ای با او نیامده است؟. جز این نیست که تو فقط بیم‌دهنده‌ای و الله [مراقب و] کارگزارِ هر چیزی است.»  
﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾ (الأنعام: 107).

«و اگر الله می‌خواست، [آنان هرگز] شرک نمی‌ورزیدند؛ و ما تو را بر آنان نگهبان قرار نداده‌ایم و تو [هرگز مراقب و] کارگزارشان نیستی.»

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَحْدَ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (الکهف: 110).

«ای پیامبر،] بگو: من فقط بشری [عادی] همچون شما هستم. به من وحی می‌شود که تنها معبودتان، الله یکتاست؛ پس هرکس به دیدارِ پروردگارش [در آخرت] امید دارد، باید کار شایسته انجام دهد و هیچکس را در عبادتِ پروردگارش شریک نسازد».

■ به دنبال عذر برای دیگران بود و از اشتباهات آنان چشم‌پوشی می‌کرد: ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكٰذِبِينَ﴾ (التوبة: 43).

«ای پیامبر،] الله از تو درگذرد! چرا پیش از آنکه [حال] راستگویان بر تو روشن گردد و دروغگویان را بازشناسی، به آنان اجازه دادی [که در جهاد شرکت نکنند]؟».

■ دعا می‌کرد الله تعالی دشمنانش را مورد عفو و بخشش خود قرار دهد، تا اینکه از این کار نهی شد: ﴿اَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ﴾ (التوبة: 80).

«ای پیامبر،] چه برای آنان آمرزش بخواهی، چه آمرزش نخواهی، [سودی به حالشان ندارد. حتی] اگر هفتاد بار برای‌شان آمرزش بخواهی، الله هرگز آنان را نمی‌آمرزد؛ چرا که به الله و پیامبرش کفر ورزیدند و الله گروه نافرمان را هدایت نمی‌کند».



■ سختی‌ها و مشکلات مؤمنان ایشان را آزار می‌داد و نسبت به آنان رؤوف و مهربان بود:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (التوبة: 128).

«یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سوی‌تان آمد که رنج‌دیدن‌تان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد و [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است».

■ بسا اوقات از ماندن زیاد مردم در خانه‌اش اذیت می‌شد، اما شرم و حیا ایشان را از بیان این مطلب بازمی‌داشت:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نُظْرٍ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنْ ذُكِرْتُمْ كَمَا يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتْعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذُكِرْتُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنْ ذُكِرْتُمْ كَمَا كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾ (الأحزاب: 53).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر آنکه برای [صرف] غذایی به شما اجازه دهند؛ بی آنکه [زودتر از وقت غذا بروید و] منتظر آماده شدنش شوید؛ ولی هنگامی که شما را فراخواندند وارد شوید و چون غذا خوردید پراکنده گردید و سرگرم [بحث و] گفتگو

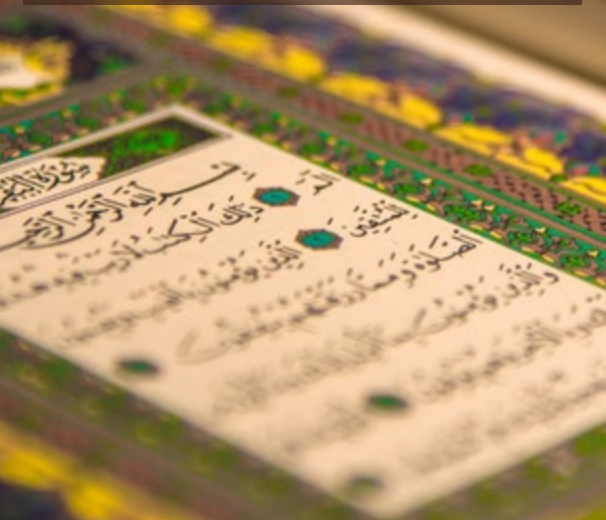
نشوید. این [رفتارتان] پیامبر را می‌آزارد و او از [ابراز این موضوع در برابر] شما شرم دارد؛ و [لی] الله از [بیان] حق شرم ندارد. و هنگامی که از همسران او درخواستی دارید، [نیازتان را] از پشت پرده‌ای از آنان بخواهید [و در چهره آنان ننگرید؛ چرا که] این [کار] برای دل‌های شما و آنان پاک‌تر است؛ و [همچنین] برای‌تان سزاوار نیست که رسول الله را بیازارید و هرگز شایسته شما نیست که پس از او با همسرانش ازدواج کنید. به راستی که این [کار] نزد الله [گناهی] بزرگ است».

■ بسیار آسان‌گیر و عذرپذیر بود و دلی مهربان داشت، با یاران خویش به نرمی رفتار می‌کرد، با آنان مشورت می‌نمود و حتی در سخت‌ترین و بدترین شرایط، رای و نظر آنان را می‌پذیرفت:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾  
(آل عمران: 159).

«[ای پیامبر،] به [سبب] رحمت الهی است که تو با آنان [= اصحاب،] نرم خو [و مهربان] شدی؛ و اگر تندخو و سنگدل بودی، قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برای‌شان آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و آنگاه که تصمیم [بر انجام کاری] گرفتی، بر الله توکل کن؛ [چرا که] بی‌تردید، الله توکل‌کنندگان را دوست دارد».

# قرآن کریم؛ معجزہ جاوید اسلام



# قرآن

قرآن که از میان تمامی کتاب‌ها، بیشترین فروش و توزیع را در جهان به خود اختصاص داده است و بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان به آن ایمان دارند، چیست؟

قرآن کتاب مقدس مسلمانان است؛ در مورد آن بر این باور و اعتقاداند که:

- کلام نازل شده الهی بر رسولش محمد ﷺ است تا مایه هدایت و نور و راهنمایی برای مردم باشد.
- پایان دهنده ی کتاب های نازل شده آسمانی است.
- محفوظ از تغییر و تحریف است.
- تلاوت و حفظ آن عبادت است، همچنان که مسلمانان با اجرای احکام و قوانین قرآن عبادت می کنند.

نزول آن بواسطه جبرئیل علیه السلام زمانی آغاز شد که پیامبر ﷺ 40 سالگی را تمام کرده بود؛ و نخستین آیه ای که نازل گشت: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (العلق 1) بود؛ قرآن کریم در طول 23 سال و با توجه به شرایط و حوادث به تدریج نازل شد.

”

نخستین آیه ای که نازل گشت، ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (العلق: 1) بود، و قرآن کریم در طول 23 سال و با توجه به شرایط و حوادث به تدریج نازل شد.

قرآن کریم 114 سوره دارد که از لحاظ موضوع و اسلوب متفاوت‌اند، ولی به اتفاق همه‌ی زبان‌شناسان تمامی سوره‌ها و آیات قرآن در اوج بلاغت و فصاحت قرار دارند و هدف از آنها هدایت مردم و دعوت آنان به عبادت نمودن الله به یگانگی است... .

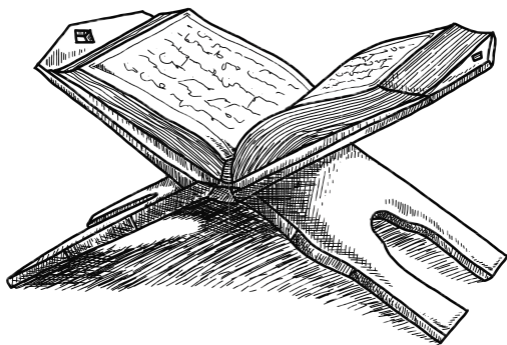
برخی از مهم‌ترین مسائلی که قرآن از آنها سخن می‌گوید:

- 1- اثبات یگانگی الله و ردّ و ابطال شبهات مشرکان.
- 2- قصص پیامبران و اقوام پیشین.
- 3- دعوت مردم به تفکر در جهان پهناور و دیدن مخلوقات پیرامون و درک نعمت‌های بی‌شماری که خداوند متعال بر ما ارزانی داشته است.
- 4- بیان احکام و اوامر و نواهی دین.
- 5- توصیف صفات و ویژگی‌های اخلاقی مؤمنان و بر حذر داشتن از صفات بد.

6- سخن‌گفتن از روز آخرت و جزای نیکوکاران و بدکاران.

7- تربیت و اصلاح مؤمنان از طریق بیان حوادث و مشکلاتی که برای پیامبر ﷺ و یاران ایشان روی داد.

اکنون به برخی از مزایا و ویژگی‌های قرآن کریم می‌پردازیم:





## اعجاز در حفظ قرآن

الله متعال آخرین کتابش را قرآن نامیده تا به این نکته اشاره داشته باشد که تلاوت شده و محفوظ در سینه‌هاست؛ و در بسیاری آیات، آن را «کتاب» نامیده است تا به نگارش و حفظ آن در سطور و صفحات اشاره داشته باشد. و بدون تردید قرآن با هر دو مورد حفظ گردید و زمانی که بخشی از قرآن بر رسول الله ﷺ نازل می‌گشت، در حضور ایشان نوشته می‌شد و از دهان پیامبر ﷺ دریافت و حفظ می‌گردید؛ و گواهی حافظان هر اندازه هم که زیاد می‌بودند پذیرفته نمی‌شد تا زمانی که موافق با مکتوب نمی‌بود و آنچه نوشته شده بود هم پذیرفته نمی‌شد تا زمانی که با آنچه از دهان مبارک رسول الله ﷺ دریافت و حفظ شده بود، موافقت می‌داشت... .



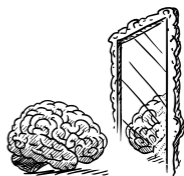
در شرایطی که متکلمان و علمای مسیحی اعتراف دارند به دلیل تعدد منابع و مصادر نویسندگان انجیل ها و اختلاف تاریخی میان آنها و طبیعت وحی غیر مستقیمی که انجیلها را دربرگرفته است، تناقضات وارده در آنها امری طبیعی و دور از انتظار نیست و بنا بر دیدگاه آنها محتوایی که دربردارند، برای هدایت بشر کفایت می‌کند؛

اما حقیقتی که برای هر فرد آگاه و با انصاف غیر قابل انکار است و باید به آن اقرار کند، این است که قرآن به کلی خالی از هر نوع تناقض یا تعارض است؛ زیرا لفظ و معنای آن کلام الهی است و حفظ و نگارش آن با شنیدن مستقیم از پیامبر ﷺ صورت گرفته است؛ پیامبری که قرآن به ایشان وحی شد و هیچ افزایش و کاهش در آن به وجود نیامد و مسلمانان با وجود اختلاف در مذاهب و نگرشها، حتی در یک کلمه از قرآن اختلاف ندارند.

محافظت از قرآن در طول تاریخ، نسل به نسل با بهترین و دقیق‌ترین شیوه‌های حفظ، ثبت و ضبط، دقت در نگارش و با بهترین روش‌های تلفظ و ادای آن، حفظ در سینه‌ها و شیوه‌های نگارش و ثبت آن در مصاحف صورت گرفته است، به ترتیبی که حتی یک حرف از آن کاسته نشده و حرکتی به آن افزوده نشده است. چنانکه امروزه هر انسانی می‌تواند نسخه‌ای

از قرآن را در دورترین نقاط چین یا در وسط آفریقا خریداری کند و آن را با نسخه‌های خطی قرآن که هزار سال پیش نوشته شده و در موزه‌های سراسر جهان وجود دارد مقایسه کند، تا به این حقیقت شگفت‌انگیز دست یابد که با وجود اختلاف زمانی و تنوع زبان‌ها، شیوه تلفظ حروف و کلمات قرآن و قواعد تلاوت آن هنوز هم بدون تغییر و تحریف باقی مانده است؛ تا جایی که اگر آن را از کودکی اندونزیایی بشنوی که از حفظ می‌خواند، یا از عالمی مسلمان که هزار سال قبل کلاس درسش را در مکه دایر می‌کرد کمترین تفاوتی هم بین آنها نمی‌یابی... و این حقیقتی بس بزرگ است که قرآن کریم از آن چنین تعبیر می‌نماید: ﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (النساء: 82) «اگر از سوی [کسی] غیر از الله بود، قطعاً اختلاف [و تناقض] بسیاری در آن می‌یافتند؟».

و این عجیب نیست، زیرا الله متعال حفاظت قرآن را خود بر عهده گرفته و تضمین کرده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (الحجر: 9). «به



راستی که ما خود، قرآن را نازل کردیم و قطعاً خودمان نیز نگهبان آن [از هرگونه تبدیل و تحریفی] هستیم».

## اعجاز بیانی و معنوی

کسی که قرآن می‌خواند به خوبی متوجه این نکته می‌شود که این کتاب به طور مستقیم با خواننده‌اش مواجه می‌شود و این مناقشه و مواجهه را همواره با او ادامه می‌دهد... و عجیب‌تر اینکه پیش‌تر افکارش را حدس زده و آنها را پاسخ می‌دهد، گویا خواننده پیش از طرح سؤال، آنها را می‌خواند!

هرچند هنرمندان می‌توانند چشمی را ترسیم کنند که به نظر می‌رسد بیننده‌ی خود را دنبال می‌کند، اما چگونه امکان دارد با وجود تفاوت خوانندگان و تنوع فرهنگ‌ها و شرایط زندگی آنان، یک کتاب افکار آنها را دنبال نموده و پیش‌بینی کند و گاهی پیش از اینکه سؤالاتش را مطرح کند، به آنها پاسخ گوید!

قرآن کریم دارای این اسلوب و روش شگفت‌انگیز در تشخیص گرایش‌های انسان و پوشش‌دادن اسرارش و بیان ناتوانی اوست که گاهی در وهله‌ی اول ستم به خواننده به نظر می‌رسد، اما درحقیقت این اسلوب نفس انسان را بیدار می‌کند تا عقل و قلب را با سؤالاتی مواجه سازد که مدت زمانی طولانی آنها را به تاخیر انداخته و از پاسخ‌دادن به آنها فرار کرده است... .

زمانی که یکی از ما قرآن می‌خواند و داستان و صفات گروه‌های مختلفی از مردم را مطالعه می‌کند و با اسرار و روش تفکر و مسائل روحی و روانی آنان و گمراهی برخی

از آنها و نجات دیگران زندگی می‌کند، برای لحظه‌ای هم که شده توقف نموده و سر در گریبان فرو برده و حسابی از خود می‌گیرد .. اما این آیات و تصاویر و نمونه‌ها متعدّد می‌شود و پی‌درپی و به تدریج، بدون اینکه احساس کند به دلش می‌نشیند تا اینکه قرآن به آینه‌ای برای نفس تبدیل می‌گردد که حقیقت و عیوب و توانایی‌ها و فرصت‌هایش را نمایان می‌سازد... و چنان عمیق در نفس و جان خواننده نفوذ می‌کند که در اثر آن به این مهم یقین نموده و اقرار می‌کند که الله تعالی تنها معبود بر حق و شایسته‌ی عبادت است.

بنابراین در هنگام ناامیدی این آیه را تلاوت می‌کند و آرام می‌گیرد: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (الزمر: 53). «[ای پیامبر]، به بندگانم که [در ارتکاب به شرک و گناه] زیاده‌روی کرده‌اند، بگو: از رحمت الهی مأیوس نباشید؛ چرا که [اگر توبه کنید]، الله همه گناهان تان را می‌بخشد. به راستی که او تعالی بسیار آمرزنده و مهربان است.»

و زمانی که متحیر است و پریشانی شدیدی را احساس می‌کند و به دنبال پناهگاه و محلّ نجات است، مهربانی را در این آیه از قرآن می‌یابد: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (البقرة: 186).

«و [ای پیامبر،] چون بندگانم دربارهٔ من از تو بپرسند [به آنان] بگو که من نزدیکم و دعای دعاکننده را - هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند».

و هنگامی که فکر می‌کند زندگی از کنترل او خارج شده و توان تحمل یا مدیریت اوضاع را ندارد، نوشدارو و حامی خویش را در این آیه از قرآن مجید می‌یابد: ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (البقرة: 286).

«الله به هیچ‌کس جز به اندازهٔ توانش تکلیف نمی‌کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده است به سودِ اوست و آنچه [بدی] کسب کرده است به زیان اوست. [پیامبران و مؤمنان گفتند:] پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن. پروردگارا، بارِ گران [و تکلیف سنگین] بر [دوش] ما مگذار؛ چنانکه آن را [به مجازات گناه و سرکشی،] بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند [= یهود] نهادی. پروردگارا، آنچه که تاب تحملش را نداریم بر [دوش] ما مگذار و ما را بیامرز و به ما رحم کن. تو یار [و کارساز] مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

ویل دورانت یکی از مهم‌ترین تاریخ‌نویسان معاصر به  
تاثیر قرآن و جایگاه آن در میان تمامی منصفان اعتراف  
نموده و در کتاب (تاریخ تمدن 13 / 68-69) می‌گوید:

«بسیاری از علما و اندیشمندان در هر دوره‌ای از  
سده‌های پیشین و در دوره‌ای که زندگی می‌کنیم، به قرآن  
ایمان آورده‌اند؛ چنانکه انسان‌های بی‌شماری با وجود  
تفاوت در حوزه‌ی عقل و اندیشه، به آن ایمان آوردند؛  
تنها دلیلش آن است که قرآن اعتقاد حقیقی و روشنی  
ارائه داد که همگی آن را می‌پذیرند... آسان‌ترین باورها با  
کمترین تکلف و دورترین آنها از قید و بندهای متکلفانه و  
بت‌پرستی و واسطه‌گری است... اسلام به مردم آموخت که  
بدون شکایت و خستگی، با مشکلات زندگی مقابله کنند و  
قید و بندهای آن را تحمل نمایند... دین اسلام به گونه‌ای  
معرفی و تعریف شده که هر مسیحی و یهودی که دارای  
باوری صحیح باشد مانعی برای پذیرش آن نمی‌یابد: ﴿لَيْسَ  
الْبِرُّ أَنْ تَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ  
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى  
حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ  
وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعَثَهُمْ إِذَا  
عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ  
الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (البقرة: 177).

«نیکی [فقط] این نیست که [برای نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه نیکوکار کسی است که به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورده باشد و مال [خود] را - با وجود دوست داشتنش- به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان و درخواست‌کنندگان [= گدایان] و در [راه آزادی] بردگان ببخشد و نماز برپا دارد و زکات بپردازد؛ و [نیز] کسانی که چون عهد می‌بندند به پیمان‌شان وفا می‌کنند و [کسانی که] در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام [شدت گرفتن] نبرد، [پایداری و] شکیبایی می‌کنند؛ آنان [که به این ویژگی‌ها آراسته‌اند] کسانی هستند که راست گفتند و همانان پرهیزگاراند».

”

ویل دورانت میگوید:

«همانا بسیاری از عالمان و اندیشمندان با وجود تفاوتشان از لحاظ عقلی و فکری، به قرآن ایمان آورده‌اند. و تنها دلیلش آن است که قرآن اعتقاد حقیقی و روشنی آورد که همگی آن را می‌پذیرند...  
آسانترین و روشنترین باورها.»

# خاستگاه قرآن کریم



# هنگام

هنگام سخن از کتاب مقدّس مسلمانان «قرآن» و سخن از محمّد ﷺ، بلافاصله سؤالی منطقی به ذهن انسان خطور می‌کند که چرا باید سخن و روایت مسلمانان را در این باره بپذیریم؟ مگر حق نداریم در این زمینه پرسش‌هایی را مطرح کنیم؟!



مؤرخان در این زمینه اختلافی ندارند که قرآن بر زبان مردی عرب‌زبان آورده شد که خواندن و نوشتن نمی‌دانست و در قرن 6 میلادی در مکه متولد شد و نامش محمد بن عبدالله ﷺ بود... و در این زمینه هیچ شهادتی با گواهی متواتر تاریخ برابری نمی‌کند، چنانچه در همین کتاب به روشنی می‌خوانیم که قرآن ساخته پیامبر ﷺ نیست، بلکه سخنی گرامی است که الله تعالی آن را به او القا کرده است و مسؤولیت محمد ﷺ فقط رساندن و تبیین آن برای مردم بدون هرگونه افزایش و کاهش در آن است.

آیا ممکن است محمد پیامبر اسلام آن را از پیش خود آورده باشد، یا از محتوایش باخبر شده و آن را بازنویسی کرده و سپس آن را برای مردم ارائه داده باشد؟



اگر هدف پیامبر اسلام ﷺ از نسبت دادن سخنانش به الله تعالی، گسترش نفوذ خود در میان مردم بوده است، پس چرا ادعا نکرد که تمامی سخنانش از جانب الله است؟!

اینها پرسش‌هایی جایز است که اگر انسان اطلاعی از قرآن نداشته باشد یا آن را بررسی نکرده باشد و یا بی‌خبر از سیرت پیامبر ﷺ باشد، خود به خود به ذهنش خطور می‌کند.

ما می‌دانیم و پژوهش‌های تاریخی هم ثابت نموده که ادیبان و اندیشمندان بسیاری بر آثار و دستاوردهای دیگران دستبرد زده و آنان را به سرقت برده و در نهایت به خودشان نسبت داده و به نام خود ثبت کرده‌اند، سوال اینجاست که چرا باید کسی نتایج و دستاوردهای عقلی خود را به دیگران نسبت دهد؟!



اگر گفته شود هدف وی از نسبت دادن سخنانش به الله تعالی، گسترش نفوذ خود در میان مردم بوده، باید گفت چرا ادعا نکرد تمامی سخنانش از جانب الله است؟!

آیا عاقلانه است که پیامبر ﷺ خود این کتاب را تالیف کرده باشد و هدفش از نسبت دادن آن به الله، گسترش نفوذ و ارتقای جایگاه خود در میان مردم باشد، اما در مواضع بسیاری از آن، خود او به طور مستقیم سرزنش گردد و به ایشان دستور العمل داده شود و اشتباهات او تصحیح گردد؟!

قرآن کریم - چنانکه خوانندگان آن می دانند - هیچ فرصت و زمینه خاص و عامی را برای سرزنش استثنا نکرده است، چنانکه محمد ﷺ را در مسائل خانوادگی سرزنش و نصیحت نموده، همان گونه که برخی از تصمیمات ایشان را در حوزه رهبری جامعه و حتی شیوه دعوت مردم را در برخی موارد اشتباه دانسته است!

به عنوان مثال، مردی نابینا از یاران محمد ﷺ در حالی نزد وی آمد که رسول الله ﷺ مشغول دعوت یکی از فرماندهان قریش بود و به اسلام آوردن او امید داشت؛ آن فرد نابینا که نمی دانست پیامبر ﷺ مشغول این مهم است خطاب به پیامبر ﷺ گفت: از آنچه الله

به تو آموخته است، به من بیاموز؛ و در این زمینه اصرار کرد و درخواستش را تکرار نمود؛ در نتیجه، پیامبر ﷺ اخم کرد (چهرهٔ ایشان بر اثر خشم تغییر کرد). و دوست داشت که آن فرد نابینا منتظر بماند تا از کارش فارغ شود. بنابراین محمد ﷺ از این نابینا روی گرداند و پاسخ او را نداد. این بود که قرآن کریم آن لحظه را در تاریخ ثبت کرد و با دقت و تمامی جزئیات توضیح داد و بیان کرد که چگونه محمد ﷺ در چهرهٔ آن نابینا اخم کرد و او را بدون پاسخ گذاشت. بلکه به این اندازه اکتفا نکرد و در ادامه پیامبر ﷺ را سرزنش کرد و با صراحت و قدرت، ایشان را توجیه کرد که دیگر نباید چنین کاری تکرار شود و این موارد را در یک سوره (بخشی کامل از قرآن) و با اسم و عنوانی آورد که آن واقعه را ثبت نماید: ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى • أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى • وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي • أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الْذِّكْرَى • أَمَّا مَنْ أَسْتَغْنَى • فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى • وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي • وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى • وَهُوَ يَخْشَى • فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى﴾ (عبس: 1-10) «[پیامبر] چهره در هم کشید و روی برگرداند. از اینکه آن نابینا [= عبدالله بن اُمّ مکتوم] نزدش آمد. و [ای پیامبر]، تو چه می‌دانی؟ چه بسا او [از گناهانش] پاک شود، یا پند گیرد و این پند به سودش باشد. اما آن کس که [از ایمان] بی‌نیازی می‌ورزد تو به او روی می‌آوری؛

درحالی که اگر او خود را [از کفر] پاک نسازد، ایرادی بر تو نیست؛ اما کسی که شتابان به سراغ تو می‌آید و [از الله] می‌ترسد، تو از او غافل می‌شوی [و به دیگران می‌پردازی]». پس از این ماجرا، هرگاه آن فرد نابینا نزد رسول الله ﷺ می‌آمد، می‌فرمود: «مَرَحَبًا مِّنْ عَاتِبَتِنِي فِيهِ رَبِّي»: «مرحبا به کسی که پروردگارم مرا به سبب او سرزنش کرد.» و ردای خویش را برای او پهن می‌کرد.

قرآن کریم توجیهات و سرزنش‌های متعددی را متوجه رسول الله ﷺ نموده است؛ مواردی که گاهی کسی از ما دوست ندارد در حضور دیگران چنین توجیه و سرزنش شود... آیا کسی که به دنبال جاه و مقام باشد، اشتباهاتش را انتشار می‌دهد و آنها را اینگونه در تاریخ ثبت می‌کند؟!

علاوه بر این، تاریخ در موارد متعددی گواهی می‌دهد که پیامبر ﷺ در چه شرایط سختی زندگی کرد؛ چنانکه آرزو داشت در آن شرایط بر او وحی نازل شود و صداقت و منزلت یا برائت او و خانواده‌اش را ثابت کند، اما وحی نازل نمی‌شد....

مثلا قوم پیامبر ﷺ که به دشمنی با او برخاسته و اذیت و آزارش را بخشی از برنامه خود قرار دادند، دست کمک به سوی برخی علما و آگاهان امت‌های

پیشین دراز کردند تا با کمک آنان به جنگ با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بروند.

در نتیجه آنان پیشنهاد و مشورت دادند که سه سؤال از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بپرسند که در صورت پاسخ دادن، قطعاً پیامبر است و در غیر این صورت پیامبر نیست... و آنان چنین کرده و سوالات خود را مطرح نمودند؛ و رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آنان وعده داد که: فردا به شما پاسخ می‌دهم...

چنین شد که چندین روز وحی قطع شده و بر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل نگشت و همین باعث شد دشمنان، ایشان را به باد استهزا و تمسخر بگیرند که چرا پاسخ آنان را نداده است؛ این بود که اندوه شدیدی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را فراگرفت؛ اما 15 روز پس از آن ماجرا، پاسخ سوالات از طریق وحی نازل شد؛ علاوه بر این، به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین سفارش شد: با یقین نگو که فردا فلان کار را انجام می‌دهم مگر اینکه سخت را به اراده الله مرتبط سازی و بگویی: «إن شاء الله؛ اگر الله بخواهد»؛ و تأخیر در پاسخ این سوالات، درس و آموزشی از جانب الله بود:

﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ۝ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ  
وَأَذْكُر رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ  
هَذَا رَشَدًا﴾، (الكهف: 23-24).

«مگر اینکه [بگویی:] ان شاء الله؛ و هرگاه فراموش کردی، [با گفتن این لفظ] پروردگارت را یاد کن و بگو: امیدوارم پروردگارم مرا به راهی رهنمون گردد که از این [راه]، به هدایت [و صلاح] نزدیکتر باشد»..

قرآن کریم توجیهات و سرزنش‌های متعددی را برای رسول الله ﷺ ثبت کرده است، که گاهی اوقات کسی از ما دوست ندارد در حضور دیگران این گونه توجیه و سرزنش شود...

### اتهاماتی تکراری

عجیب است که سیرت محمد ﷺ و سراسر زندگی او می‌تواند یکی از روشن‌ترین دلایل بر صداقتش به شمار رود...

چگونه برای مردی امّی که نمی‌خواند و نمی‌نویسد و در میان قومی امّی و درس نخوانده زندگی می‌کند و -بدون فسق و فجور- در زندگی و مجالس آنان



مشارکت دارد و مشغول کسب روزی خود و خانواده‌اش است و برای دریافت مزد، گوسفند می‌چراند یا تجارت می‌کند و هیچ ارتباطی با علما ندارد و بیشتر عمرش یعنی 40 سال کامل را به همین ترتیب می‌گذراند، ممکن است به یک با آنان از مواردی سخن گوید که هیچ شناختی نسبت به آنها ندارند و از پدران‌شان چیزی در مورد آنها نشنیداند؛ و آنان را از قصه‌های پیشینیان، تاریخ آغاز آفرینش، جزئیات زندگی پیامبران پیشین و جزئیات احکام در تمامی زمینه‌های زندگی خبر دهد؟!!



این حقیقت، به دشمنان محمد ﷺ صدمه شدیدی وارد کرد؛ از این رو، حیران ماندند آنچه با خود آورده چه بنامند و چه توصیف کنند و با چه تهمتی می‌توانند مردم را از او بر حذر دارند؟

[با خود می‌گفتند:] بسیار دشوار است که ادعا کنیم قرآن ساخته محمد ﷺ است. این ادعا از نظر کسی که قرآن می‌خواند و در آن می‌اندیشد، هرگز عاقلانه نیست. و امکان ندارد محمد ﷺ آن را از فرد دیگری آموخته باشد، زیرا او در میان ما زندگی کرده و از جزئیات زندگی‌اش باخبریم... بنابراین پیامبر ﷺ را به موارد ضدّ و نقیضی متهم کردند؛ گاهی می‌گفتند آن را از پیشینیان گرفته است؛ باری می‌گفتند از جانب خود آورده است؛ و گاهی ادعا می‌کردند: خواب‌هایی را که می‌بیند بیان می‌نماید... اما چون از اثبات این موارد ناتوان ماندند، گفتند: ساحر، یا شاعر و یا دیوانه است!

ماجرا و سرگذشت تمامی پیامبران پیشین همین گونه بوده است؛ زمانی که دشمنان‌شان چیزی برای تهمت زدن به آنان نمی‌یافتند، ادعا می‌کردند که آنان ساحر یا دیوانه هستند.

داستان همان داستان انبیای گذشته است... مگر  
موسی علیه السلام را متهم به سحر نکردند؟! مگر عیسی  
علیه السلام را دیوانه معرفی نکردند؟!

رفتار دشمنان با تمامی پیامبران پیشین چنین بوده  
است. وقتی دشمنان شان چیزی برای تهمت زدن به  
آنان نمی یافتند، ادّعا می کردند آنان ساحر یا دیوانه  
هستند. شاهد دروغگو چنین است که وقتی به  
مشکل برخورد و دلیلی نداشته باشد، به هر دری  
می زند و طرف مقابلش را متهم به هر نقص و عیبی  
می کند تا شاید جایی برای ایستادن بیابد، اما هرگز  
چنین جایی نخواهد یافت!

### چرا محمد صلی الله علیه و آله را فردی نابغه ندانیم؟

همگی موافقند که الله متعال در عقل انسان  
توانایی ها و خلاقیتی قرار داده که تصوّر آن مشکل  
است، اما آیا طبیعی نیست که مرز و حدّی برای  
استنتاج و استنباط داشته باشد؟! با اینکه عقل به  
وجود پروردگاری خالق و توانا و این مهم گواهی می  
دهد که اقتضای عدالت پروردگار وجود زندگی دیگری



می‌باشد که هریک از ما در آن پاداش خیر یا شرش را بگیرد، ولی آیا عقل می‌تواند جزئیات و تفصیل دیگری را که دلیل و شاهدهی بر آنها وجود ندارد اثبات نماید؟!

فرد آگاه به قرآن می‌بیند که این کتاب چهارچوب و شرایط ایمان را به تفصیل برای ما توضیح می‌دهد و دقیقاً بیان می‌کند که ابتدای آفرینش چگونه بوده و پایان آن چگونه خواهد بود، همچنین بهشت و نعمت‌هایش و آتش و عذاب‌های آن و تعداد دروازه‌ها و تعداد فرشتگانی را که مسؤول آن هستند، توصیف می‌کند؛ و مسائل مفصّلی درباره‌ی ماهیت هستی و انسان ارائه می‌دهد... باید پرسید مبنای این همه جزئیات کدامین نظریه‌ی عقلی بوده است؟!

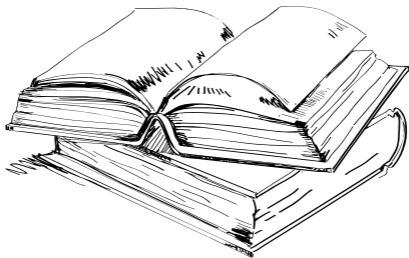
هرگز این امور بر اساس هوش و نبوغ انسانی نبوده است؛ بنابراین یا دروغ و باطل و حدس و گمان است و یا اینکه حق بوده و تنها از طریق آموزش و فراگیری به دست می‌آید.

می‌بینیم که علم معاصر برخی از حقایق قرآنی را اثبات نموده است به گونه‌ای که با هیچیک از اطلاعاتش منافات ندارد، چنانکه موافق با خبرهای غیبی موجود در کتاب‌های آسمانی پیشین است.

## شاید محمد ﷺ این اطلاعات را از روی کتاب‌های دیگری و به شیوه جدیدی نوشته باشد:

لحظه‌ای درنگ می‌کنیم که آیا این احتمال - هرچند اندک- وجود دارد که محمد ﷺ این سخنان و مفاهیم را از کتاب‌های پیامبران پیشین گرفته باشد:

اگر این حقیقت را نادیده بگیریم که محمد ﷺ امی بود و خواندن و نوشتن نمی‌دانست و اغلب قومش هم امی بودند و هیچ شناختی نسبت به این علوم نداشتند و خود با هیچیک از اهل کتاب‌های پیشین همنشینی نداشت - جز یک دیدار زودگذر در سفری که هنگام کودکی داشت و در حضور خویشاوندان ایشان صورت گرفت-؛ و چشم بر این حقیقت تاریخی ببندیم که آگاهان به کتاب‌های آسمانی در آن زمان، علم خود را کتمان می‌کردند و آن را مختص خود می‌دانستند تا مقام و منزلت خویش را حفظ کنند و فراگیری علم آزاد و آسان نبود...



اگر همه‌ی این موارد را نادیده بگیریم، این حقیقتی آشکار در برابر هر محققى وجود دارد که قرآن کریم با همه‌ی مطالب کتاب‌های پیشین موافقت نکرده است، بلکه نازل شد تا برخی از اطلاعات اشتباه موجود در آنها را (که نتیجه‌ی تغییر و تحریف و تبدیل علما و اندیشمندان آنان بود) تصحیح نماید و کاستی‌های برخی قصه‌ها را تکمیل نموده و از علمی پرده بردارد که کتمان‌ش می‌کردند؛ و انحرافات اعتقادی یا رفتاری را بیان کند که برخی عالمان دینی به دین پیامبران نسبت داده بودند. قرآن کریم سرشار از چنین نمونه‌هایی است... در این صورت آیا امکان دارد محمد ﷺ دانش‌آموخته‌ی یکی از آنان باشد و اطلاعات‌شان را فرا گرفته باشد؟!

### حقیقتی تاریخی و غیر قابل انکار

پژوهشگر منصف از وقت گذاشتن جهت تامل در این مساله دریغ نخواهد کرد که آیا محمد ﷺ پیامبر اسلام مردی عرب‌زبان نبود؟!

مگر تاریخ به ما نمی‌گوید که قوم عرب‌زبان ایشان هیچ هنری جز فصاحت و بلاغت نداشتند که به آن افتخار کنند؟! و حرفهٔ آنان چیزی جز شعر و ادب نبود؛ تا جایی که محافل و مجالسی به این منظور برگزار می‌کردند و جایگاه یک قبیله با قصیده‌ای که دربارهٔ آن گفته می‌شد، صعود یا نزول می‌کرد.

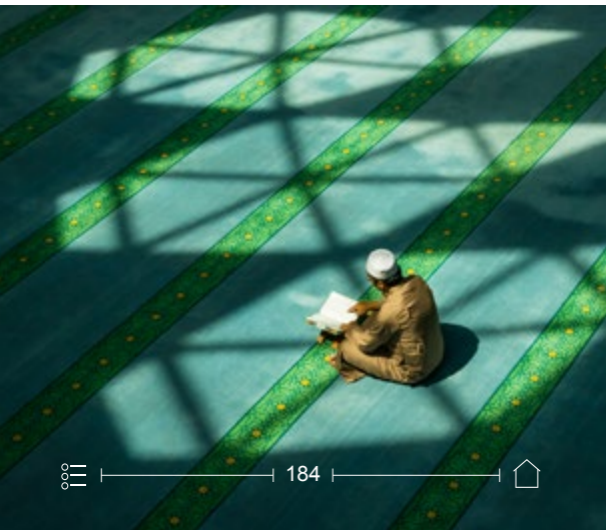
کتاب‌های تاریخی و ادبی بیانگر این مهم هستند که هرگاه کسی از آنان شعر یا نثری می‌گفت، آن را بررسی می‌کردند و نقصش را اصلاح و تکمیل نموده و به همان اسلوب و روش پاسخش را می‌دادند؛ و این کار میدان رقابت و صحنه قدرت و تمایز آنان بود.

در این شرایط چگونه سرسخت‌ترین دشمن آنان و کسی که برای مبارزه و دشمنی و دور نمودن مردم از وی، از هیچ تلاشی فروگذار نبودند، می‌آید و از آنان می‌خواهد که مانند این قرآن یا مانند بخش کوچکی از آن بیاورند، اما آنان پاسخ این تحدی را تنها با سکوت و فرار از رقابت می‌دهند؟!

آیا محمد ﷺ نرسید که با این هم‌اوردطلبی، خشم و غیرت آنان در مهم‌ترین مهارت و قوی‌ترین حرفه و هنرشان برانگیخته شود و به تنهایی یا دسته‌جمعی برای رقابت با او برخیزند؛ تا وی را شکست دهند و بطلان آنچه آورده برای مردم ثابت کنند؟!

به فرض اینکه محمد ﷺ با شناختی که از توانایی قومش داشت، جرأت انجام چنین کاری را پیدا کرد، اما چگونه با یقین و اطمینان کامل در مورد نسل‌های آینده تا به قیامت چنین قضاوت نمود که آنان نخواهند توانست همانند قرآن یا بخشی از آن بیاورند هرچند برای این کار دست به دست یکدیگر دهند؟!

بدون تردید این کار نوعی ماجراجویی است که کسی جرأت انجام آن را ندارد مگر مردی که کاملاً به آنچه خبر می‌دهد اطمینان داشته باشد... و حقیقت هم چنین بود؛ قریش و بزرگ‌ترین سخنوران نتوانستند کلامی همچون قرآن یا بخشی از آن بیاورند؛ و این حقیقتی است که از آن زمان تا به امروز ادامه دارد؛ تا جایی که هرکس در طول تاریخ قصد چنین کاری داشته، شکست خورده و مضحکه قومش و مورد تمسخر و تحقیر ادبی آنان واقع شده است... .





## سوره فاتحه

این سوره بزرگ‌ترین سوره قرآن است و انسان مسلمان همواره آن را در نمازش تکرار می‌کند و معنایش به طور مختصر چنین است:



### مفهوم سوره فاتحه



#### ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

از روی ادب و تعظیم پروردگار، با نام الله شروع می‌کنم، در حالی که او متّصف به رحمتی است که هر چیزی را فرا گرفته است.

#### ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

با تمامی صفات و افعال و نعمت‌های آشکار و پنهان الله، بر او ثنا می‌گویم با محبت و تعظیم او تعالی؛ و او آفریدگار، مالک، متصرّف و نعمت‌دهنده برای تمامی مخلوقات و موجودات است.

#### ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾

متّصف به تمامی معانی و حالات و موقّعیتهای رحمت است و او تعالی صاحب رحمت عامی است که هر چیزی را در این هستی فرا گرفته است، و نیز صاحب رحمت خاصّ و ویژه‌ای که به بندگان مؤمنش می‌رسد.

#### ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

مالک و متصرّف در روز پاداش و حساب.



---

### ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

پروردگارا! ما فقط تو را عبادت می‌کنیم و غیر تو را در هیچ نوعی از انواع عبادت شریک نمی‌گردانیم؛ و در تمامی کارهای مان، فقط از تو کمک می‌خواهیم، پس تمامی کارها در دست و اختیار توست و هیچ کس، صاحب ذره‌ای از آنها نیست.

---

### ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

پروردگارا! ما را به راه راست راهنمایی و ارشاد و موفق کن و ما را بر آن ثابت قدم بدار تا اینکه تو را ملاقات کنیم.

---

### ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾

راه کسانی که با هدایت و استقامت، بر آنان نعمت دادی؛ یعنی پیامبران و صالحانی که حق را شناختند و از آن پیروی کردند.

---

### ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾

ما را از راه کسانی که بر آنان خشم و غضب گرفته‌ای دور کن و نجات بده، زیرا آنان حق را شناختند و از آن پیروی نکردند؛ و نیز [ما را] از راه کسانی که بر اثر نادانی و کوتاهی در طلب حق، آن را گم کردند [نجات بده].

---

### ﴿آمِنُ﴾

پروردگارا! اجابت کن.

---





## آخرین احتمالی که می‌توان مطرح نمود

پس از آنچه گذشت، تنها یک ادّعا باقی می‌ماند که بگوییم قرآن برخاسته از تجربه شخصی پیامبر ﷺ در اثر خواندن و بررسی و تدبّر و تلاش برای انتخاب ترجمه‌ای مناسب برای زبان غیر عربی بوده است.

در قرآن کریم آمده که بزرگ‌ترین دلیل صداقت نبوت محمد ﷺ همان نتایجی است که دل و عقل ما پس از تلاوت و تدبّر معانی قرآن به آنها می‌رسد، چنانکه می‌فرماید:


﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (العنكبوت: 51).

«آیا برای‌شان کافی نیست که ما قرآن را بر تو نازل کردیم که [پیوسته] بر آنان خوانده می‌شود؟ بی‌گمان، در این [قرآن] برای مردمی که ایمان می‌آورند، رحمت و پند است.»

و همه‌ی مردم را به کسب اطلاع و آگاهی از قرآن و تأمل و تدبّر در آن فرا می‌خواند و فقط کسی از این کار سر باز می‌زند که دل و عقلش بسته شده است:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد: 24).

«آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا قفل‌ها [ی غفلت] بر دل‌های‌شان نهاده شده است؟».



ماهیت عبادات  
در اسلام

# آیا

آیا الله تعالی به عبادت‌های ما نیاز دارد؟  
الله متعال نیازمند عبادت و اعمال ما نیست؛ و  
نجات و سعادت در اسلام فقط با آیین‌ها و مراسم  
و تشریفات مالی به دست نمی‌آید، بلکه بستگی به  
مقدار صداقت در عبادت و ایمان به الله دارد که  
باید از آن به اصلاح و پیشرفت نفس و رفتار و عمل  
جهت خدمت به جامعه بشری و تلاش برای رشد و  
تعالی تعبیر کرد.



الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ • مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ • إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ (الذاریات: 56 - 58).

«و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند [و از بندگی دیگران سر باز زنند]. نه از آنان روزی می‌خواهم، نه اینکه مرا خوراک دهند؛ [زیرا] الله است که روزی‌رسانِ نیرومند و برقرار است.»

زمانی که ابهام پیش آمد و برخی از مردم در مورد جهت صحیح قبله نماز پرسیدند - زیرا در اسلام، نماز به سمت مکه خوانده می شود -، این پاسخ تاکیدی داده شد که حقیقت دین، صداقت در ایمان و توجه و انجام نیکی‌ها و فایده‌رساندن به بشریت است؛ و فقط روی آوردن به سمت شرق یا غرب نیست. الله تعالی به آنان فرمود:

﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (البقرة: 177).

«نیکی [فقط] این نیست که [برای نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه نیکوکار کسی است که به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورده باشد و مال [خود] را - با وجود دوست داشتنش - به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان و درخواست‌کنندگان [= گدایان] و در [راه آزادی] بردگان ببخشد و نماز برپا



دارد و زکات پردازد؛ و [نیز] کسانی که چون عهد می‌بندند به پیمان‌شان وفا می‌کنند و [کسانی که] در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام [شدت گرفتن] نبرد، [پایداری و] شکیبایی می‌کنند؛ آنان [که] به این ویژگی‌ها آراسته‌اند [کسانی هستند که راست گفتند و همانان پرهیزگارانند].

قرآن کریم در جایی دیگر تاکید می‌کند که هرکس در حوزه عبادت و دینداری تلاش کند، قطعاً خودش فایده می‌برد و نجات می‌یابد، اما کسی که کفر ورزد، تنها خودش ضرر می‌کند و الله متعال بی‌نیاز از ماست، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (العنکبوت: 6).

«و هرکس [در راه حق] بکوشد، به سود خویش کوشیده است. بی‌تردید، الله از جهانیان بی‌نیاز است.»



زمانی که ابهام پیش آمد و برخی از مردم سؤال کردند که جهت صحیح برای قبله نماز چیست، به آنان تاکید گشت که حقیقت دین در صداقت ایمان و توجه و انجام نیکیها و فایده‌رساندن به بشریت است، و فقط روی آوردن به سمت شرق یا غرب نیست.

## ارکان اسلام

ارکان اسلام مهمترین عباداتی هستند که در اسلام  
به انجام آنها امر شده است و عبارتند از:

1

ایمان و اقرار به اینکه عبادت فقط مختص الله  
است و باید از رسولش محمد ﷺ پیروی شود؛  
به این ترتیب که گواهی دهی هیچ معبود  
به حقی جز الله نیست و محمد ﷺ فرستاده  
اوست. (نک: ص. 63).



2

برپاداشتن نمازهای فرض (نک: ص. 202)



3

پرداخت زکات به افراد مستحق (نک: ص. 211)



4

روزه گرفتن ماه رمضان (نک: ص. 217)



5

حج بیت الله برای کسانی که از لحاظ جسمی  
و مالی توانایی آن را دارند. (نک: ص. 212)



## دلیل تکلیف و ابتلا

همواره این سؤالات با عبارات مختلف، تکرار

می‌شود:

یکی می‌گوید: چگونه الله جهت خوردن برای ما دهان و دندان و معده آفریده و با این همه فرمان می‌دهد که: روزه بگیرید؟! چرا با اینکه به ما زیبایی و شهوت داده، می‌گوید: چشمان‌تان را حفاظت کنید و پاکدامنی ورزید؟! و شاید کسی جسارت کند و بگوید: چرا به ما قدرت می‌دهد، سپس ما را از تجاوز و ستم به دیگران باز می‌دارد?!

این موضوع در دین اسلام، بسیار روشن است. الله متعال این توانایی‌ها و نیروها را به ما بخشیده تا آنها را کنترل کنیم، نه اینکه آنها ما را کنترل کنند و در اختیار بگیرند... الله به تو اسب می‌دهد تا بر آن سوار شوی و آن را برانی، نه اینکه بر تو سوار شود و تو را براند؛ و بدن و نیروهای مان اسب‌ها و مرکب‌های ما هستند که آفریده شده‌اند تا بر آنها سوار شویم و آنها را برانیم و کنترل کنیم و در زمان و مکان مناسب و به روش صحیح از آنها استفاده نماییم، نه اینکه عکس این مهم جریان داشته باشد.

به همین سبب، ارزش و برتری انسان در قدرت وی برای کنترل تمایلات و خواهشات نفسانی و مدیریت هوی و نفس و بکار بردن این نیروها در جهت منافع است... بر این اساس الله متعال انسان را متمایز نمود و میدان امتحان را برایش آماده ساخت... و به همین منظور ما را آفرید.

چنانکه در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا • إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾  
(الإنسان: 2-3).

«به راستی ما انسان را از نطفهٔ مختلطی آفریدیم، او را می‌آزماییم؛ [از این رو] او را شنوای بینا قرار دادیم. همانا ما راه را به او نشان دادیم؛ خواه سپاسگزار باشد یا ناسپاس.»

مصیبت‌ها و رنجی که به انسان می‌رسد، امتحان دیگری است تا شرایط روحی و اخلاقی و ایمانی خود را ارتقا دهیم و هدف و موقعیت خویش را در این زندگی به یاد آوریم، چنانکه در قرآن کریم آمده است:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ • الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (البقرة: 155، 156).

«و قطعاً شما را با چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی [= قحطی] و زیان مالی [= نابودی یا دشواری کسبِ آن] و جانی [= مرگ و میر یا شهادت] و زیان محصولات [کشاورزی] می‌آزماییم؛ و [ای پیامبر،] شکیبایان را [به آنچه در دنیا و آخرت برای‌شان فراهم می‌آید] بشارت بده؛ همان کسانی که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد [از روی رضایت و تسلیم] می‌گویند: به راستی که ما از آنِ الله هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم.»



به این ترتیب زندگی دنیا فرصتی مناسب برای ماست تا از لحاظ ایمانی و اخلاقی پیشرفت کنیم یا اینکه دچار شکست و زیان شویم؛ هرچند الله متعال فرصت‌های زیادی برای هدایت و اصلاح به ما می‌دهد، اما ما را مجبور به آن نمی‌کند، بلکه دروازهٔ اختیار را برای ما باز گذاشته است و ما را به آبادانی زمین و منفعت بشری و درس‌گرفتن از اشتباهات و افکارمان راهنمایی کرده است تا به هنگام ظهور خطا و لغزش، به سوی او توبه و رجوع کنیم. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَوْ لَمْ تُدْنِبُوا لَذَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ، وَلَجَاءَ بِقَوْمٍ يُدْنِبُونَ، فَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ»: «اگر گناه نکنید، الله به جای شما کسانی را می‌آورد که گناه کنند و درخواست آمرزش نمایند؛ آنگاه آنها را می‌آمرزد.» (مسلم: 2749)

”

ارزش و برتری انسان در قدرت وی برای کنترل تمایلات نفسانی و رهبری بر هوی و نفس و بکارگیری این نیروها در راستای منافع است...



## نماز

به احتمال زیاد قبلاً دربارهٔ این موضوع از خود پرسیده‌ای؛ زمانی که آن صحنهٔ عجیب را به طور مستقیم یا از طریق رسانه‌ها دیده‌ای که یک یا چندین فرد مسلمان به یک سمت روی آورده و شروع به قیام و رکوع و سجده می‌کنند، گویا که از دنیای اطراف شان بریده و جدا شده‌اند...

## ماهیت نماز مسلمانان

نماز اهمیت فراوانی در دین اسلام دارد، زیرا مهم‌ترین راه برای نزدیک شدن به الله و دعا و خضوع در برابر اوست، چنانکه الله متعال به پیامبرش می‌فرماید: ﴿وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ (العلق: 19)، «و سجده کن و (به الله) تقرّب جوی».

به همین دلیل، نماز دومین رکن از ارکان اسلام پس از تلفظ شهادتین به شمار می‌رود.

رسول الله ﷺ فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ..»: «اسلام بر پنج [رکن] بنا شده است: گواهی به اینکه فقط الله متعال معبود [بر حق و شایسته اطاعت] است و محمد ﷺ فرستاده اوست و برپاداشتن نماز و ..» (بخاری: 8)

چنانکه اسلام به ما آموخته است، انسان مسلمان به سبب نمازی که برپا می‌دارد، به اندازه تلاش برای پاک کردن دل، جمع کردن اراده و عزم، متمرکز کردن احساسات و صداقت تضرع به سوی الله و احساس نزدیکی به او که باعث اطمینان و آرامش دل می‌شود، اجر و مزد می‌گیرد؛ و به همین دلیل است که پیامبر ﷺ بیش از هر کاری، از نماز لذت می‌برد.

بنابراین قرآن کریم به ما می‌آموزد که نماز را برپا داریم، نه اینکه فقط آن را ادا کنیم؛ چون در اقامه واقعی نماز، تمامی اعضا با عقل و قلب و روح انسان شریک و همراه‌اند... و در صورتی که چنین نماز بخوانیم، نماز بهترین پشتیبان ما برای انجام نیکی‌ها و دوری از گناهان و اموری است که ثمره‌ای جز هلاکت و نابودی ندارند. به طور کلی، ذکر خداوند و پناه‌بردن به او بزرگ‌ترین کاری است که انسان انجام می‌دهد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ (العنکبوت: 45).

”

نماز اعمال و سخنانی برای گرامیداشت و تعظیم  
الله متعال در دل‌هاست.

«[ای پیامبر،] آنچه را از این کتاب بر تو وحی شده است تلاوت کن و نماز برپا دار. به راستی که نماز، انسان را از گناه و زشتکاری بازمی‌دارد؛ و البته یاد الله [از هر کاری] بالاتر است؛ و الله می‌داند که چه می‌کنید.»

کسی که گمان کند نماز نوعی ورزش است که پیش از آن شستن اعضا و نظافت صورت می‌گیرد، قطعاً این مطلب را درک نمی‌کند که حرکات نماز، اعمال و سخنانی برای بزرگداشت و تعظیم الله در جان هاست. نخستین عبارتی که نمازگزار آن را با بلندکردن دست‌هایش بر زبان می‌آورد «الله اکبر» به این معنا می‌باشد که الله بزرگ‌تر [از هر چیزی] است، سپس با خشوع کامل و توجه به عظمت و بزرگی الله متعال و درحالی که به ناتوانی خویش معترف است رکوع نموده و می‌گوید: (سبحان ربِّي العظيم = پاک و منزّه است پروردگار من که بزرگ است). سپس درحالی که خواهان قرب الهی و اجابت دعای خویش است سجده می‌کند و پیشانی و بینی‌اش را بر زمین می‌گذارد و می‌گوید: (سبحان ربِّي الأعلى = پاک و منزّه است پروردگار من که بلندمرتبه است). و دعا می‌نماید و از پروردگارش درخواست می‌کند... به این ترتیب همه‌ی اعمال و اقوال نماز فقط حرکات و رفتار ظاهری نیست، بلکه لحظات بسیار ارزشمندی است که انسان مؤمن به پروردگار و آفریدگارش که وجود و سعادت خویش را از او می‌گیرد، ارتباط برقرار می‌کند.

الله تعالی در هر شبانه روز، 5 وعده نماز بر مسلمانان واجب نموده که ادای آنها در هر جا و مکانی صحیح است، اما آنان را تشویق نموده تا نمازشان را در مساجد برپا دارند تا ارتباط مسلمانان با یکدیگر مستحکم و قوی گردد و یکدیگر را در امور دین و دنیا یاری رسانند.

چنانکه اسلام به انجام نوافل (نمازهای غیر واجب) به هنگام توان و نشاط، تشویق نموده است.

مسلمانان درحالی نمازشان را برپا می‌دارند که رو به سمت کعبه می‌آورند. کعبه بنایی مکعب‌شکل است که برای اولین بار ابراهیم علیه السلام موصوف به ابوالانبیاء آن را در مکه، سمت غربی جزیره العرب بنا کرد و پیامبران در آنجا حج را به جای آوردند؛ مسلمانان می‌دانند که این خانه از سنگ‌هایی ساخته شده که هیچ نفع و ضرری نمی‌رسانند، اما الله تعالی فرمان داده که مسلمانان در هنگام نماز رو به سوی آن آورند تا تمامی مسلمانان در یک جهت متحد شوند.

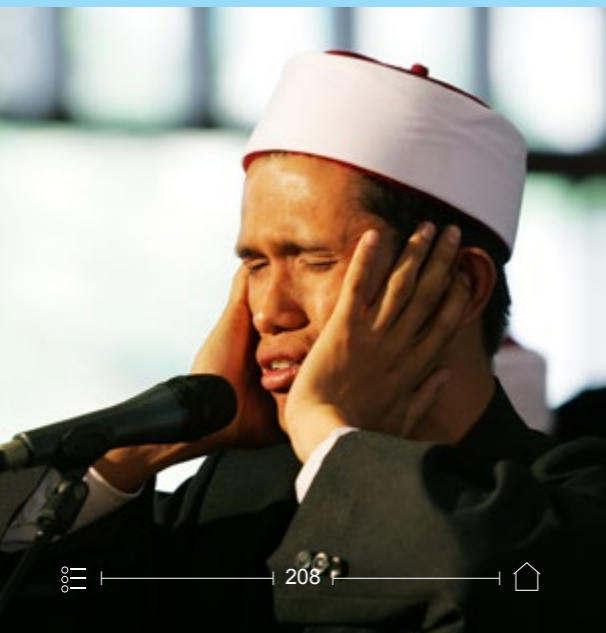
”

نماز، بزرگ‌ترین لذت و تفریح پیامبر ﷺ بود.



ندایی که مردم را از فرارسیدن وقت نماز آگاه می‌سازد و آنان را برای رفتن به مسجد فرا می‌خواند، (اذان) نامیده می‌شود.

اذان نوعی ذکر و تعظیم خداوند و آماده‌شدن مسلمانان برای حضور در نماز است که الفاظ آن از این قرار است:





1- اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ؛ الله بزرگ‌تر [از هر چیزی] است.

2- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ گواهی می‌دهم که هیچ معبودی جز الله، بر حق و شایسته عبادت نیست.

3- أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ گواهی می‌دهم که محمد ﷺ فرستاده الله است.

4- حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ؛ بشتابید به سوی نماز.

5- حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ؛ بشتابید به سوی رستگاری.

6- اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ؛ الله بزرگ‌تر [از هر چیزی] است.

7- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ فقط الله معبود بر حق و شایسته عبادت است.



LAUNCHING

CURIOUSITY

CLICK HERE





مسجد الحرام بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسجد از دیدگاه مسلمانان است و در آن، کعبه قرار دارد که این خانه را ابراهیم علیه السلام بنا کرد؛ بنایی مکعبی شکل که در قرآن کریم، به مسلمانان دستور داده شده است در هر مکانی از جهان، برای ادای نماز به سمت آن روی آورند، با این باور که آن خانه هیچ ضرر و سودی نمی‌رساند.



## زکات

همه باور دارند که باید شیوه‌ای برای حلّ تضاد و تعارض میان ثروت فراوان و فقر شدید وجود داشته باشد؛ و هر اندازه شکاف و فاصله طبقاتی میان ثروتمندان و فقیران وجود داشته باشد، به همان اندازه جامعه دچار افول و رذیلت و جرم و فروپاشی می‌شود. نظام‌های اقتصادی و نظریات قوانین متنوعی برای حلّ این مشکل به وجود آمده است، اما اسلام چگونه با این موضوع روبرو می‌شود؟

الله متعال بر مسلمانان ثروتمند واجب نموده که در هر سال، دو و نیم درصد از اموال زاید بر لوازم فردی و ضروری خویش را پرداخت کنند؛ تا برای فقیران و مساکین و سایر افراد نیازمند و موارد مشابه مصرف شود. و این مهم را سومین رکن از ارکان اسلام قرار داده است.

زکات به معنای برتری و لطف فرد ثروتمند بر انسان فقیر نیست، بلکه حقّ فقیر از اموال ثروتمند است که بدون درخواست نیازمند یا تحقیر کرامت و شرافتش، به او داده می‌شود.

همین انفاق کم، بر مسلمان ثروتمند واجب است، ولی دروازه انفاق بیش از آن، برای مردم باز است تا در این میدان با یکدیگر رقابت کنند و تاثیر این بخشش را در سلامتی و مال و توفیق و سعادت خویش در دنیا و در مزد و نعمت دوچندان در آخرت ببینند.

چنانکه در قرآن کریم می‌خوانیم: کسانی که اموال شان را برای رضایت الهی می‌بخشند همچون دانه گندمی است که کاشته شده و هفت خوشه می‌شود و در هر خوشه‌ای صد تا هفتصد دانه است؛ و الله آن را به اندازه صداقت و نیت فرد بخشنده افزایش می‌دهد؛ و الله متعال دارای کرم و بخششی وسیع و دانا به حقایق امور است:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (البقرة: 261).

«مَثَل [اجر و ثواب] کسانی که اموال خود را در راه الله انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه می‌رویاند که در هر خوشه یکصد دانه است؛

و الله برای هرکس بخواهد [پاداش او را] چند برابر می‌کند و الله گشایشگرِ داناست».

قرآن کریم به ما خبر می‌دهد که بخشش مال به نیازمند باعث پاکی و تزکیهٔ نفس می‌شود؛ و خطاب به رسول گرامی اسلام ﷺ می‌گوید:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾  
(التوبة: 103).

«از اموال آنان صدقه [و زکات] بگیر، تا به بوسیله آن، آنان را [از گناه] پاک گردانی و درجات‌شان را بالا ببری».

همچنین یادآور می‌شود هرکس بخل ورزد و از بخشش اموال و کمک به فقیران و مساکین سر باز زند، قبل از هرکس، خودش زیان می‌کند، زیرا سعادت دنیا و آخرت را برای خویش نخواسته است.

در قرآن مجید آمده است: ﴿هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنُتْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾ (محمد: 38).

«آگاه باشید! شما کسانی هستید که برای انفاق در راه الله دعوت می‌شوید؛ ولی برخی از شما بخل

می‌ورزند؛ و هرکس بخل بورزد، به زیان خویش بخل ورزیده است؛ و الله بی‌نیاز است و [این شما هستید که] نیازمندید؛ و اگر [از اسلام به سوی کفر] بازگردید، الله گروهی دیگر را جایگزین شما خواهد کرد که همچون شما [به بخل مبتلا] نباشند».

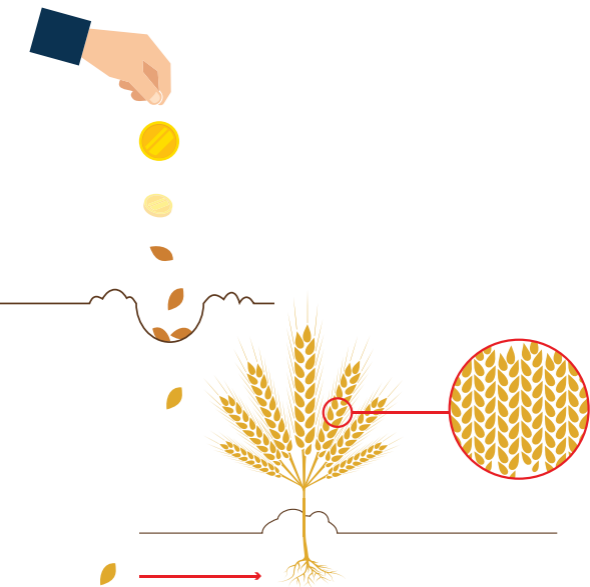
با اجرای این رکن مهم از ارکان اسلام، مفهوم امنیت اجتماعی و تعادل نسبی میان بخش‌ها و گروه‌های جامعه محقق می‌شود. پرداخت زکات باعث می‌شود ثروت نزد گروه‌های محدودی از جامعه انباشته و جمع نگردد و به همین سبب، در ابتدای تاریخ اسلام چندین بار اتفاق افتاد که زکات و کمک‌های مالی را در شهرها می‌گرداندند و به دنبال نیازمندان می‌گشتند، اما نیازمندی نمی‌دیدند.

همچنین زکات باعث ایجاد اصل همبستگی و الفت می‌گردد، زیرا دوست داشتن کسی که به انسان نیکی می‌کند در وجود او نهادینه شده و بخشی از سرشت آدمی است؛ و به این ترتیب، مسلمانان در جامعه‌ی اسلامی با محبت و همبستگی و الفت متقابل زندگی می‌کنند همچون بنایی مستحکم که بخش‌های آن یکدیگر را محکم و استوار می‌سازند؛ و از طرفی دزدی و غارت و اختلاس کاهش می‌یابد.

”

زکات به معنای برتری و لطف فرد ثروتمند بر انسان فقیر نیست، بلکه حقّ فقیر از اموال ثروتمند است، و بدون اینکه انسان نیازمند درخواست کند یا کرامت و شرافت او تحقیر گردد، به او داده میشود.





قرآن کریم کسانی را که برای رضای الله، اموال شان را می‌بخشند، تشبیه به دانه گندمی تشبیه می‌کند که کاشته شده و 7 خوشه می‌رویاند و در هر خوشه‌ای، 100 دانه است و در نتیجه، 700 برابر می‌گردد.





## روزه

همه‌ی ما کسی را تحسین می‌کنیم که خود را کنترل نموده و برای حفظ سلامتی یا کاهش وزن یا عمل به نسخه پزشک از خوردن برخی خوراکی‌ها پرهیز می‌کند و کارش را شایسته می‌دانیم... و این پرهیز را نوعی موفقیت و توانایی کنترل تمایلات برای رسیدن به هدفی بزرگ‌تر و مهم‌تر می‌دانیم.

مسلمان جهت پرورش نفس خویش و تسلط بر تمایلات نفسانی و اجرای دستورات برترین حاکمان، کاری مهم‌تر و بزرگ‌تر از این انجام می‌دهد.



پیامبر ﷺ هشدار میدهد که هر کس پس از روزه، شرایط [بد] خویش را تغییر ندهد و اخلاقش را خوب نکند، از روزه‌اش نفعی نبرده است.

روزه چهارمین رکن از ارکان اسلام می‌باشد؛ دین اسلام بر کسی که توانایی لازم را داراست، روزه گرفتن و پرهیز از نواقض روزه را واجب نموده است؛ نواقضی چون خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و همبستری با همسر از طلوع فجر تا غروب خورشید در تمامی روزهای ماه رمضان؛ یعنی نهمین ماه از تقویم قمری اسلام.

قرآن کریم خبر می‌دهد که روزه بر امت‌های پیشین هم فرض بوده است هرچند در برخی موارد، شیوه انجام آن متفاوت بوده، اما هدف از تمامی آنها یک چیز بوده و تغییر نکرده است؛ و آن عبارت است از تحقق بندگی و تقوای الهی.

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (البقرة: 183).



«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید».

از آنجا که انسان مسلمان در اوقات معینی از روزهایی مشخص موفق می‌شود بر تمایلات و خواسته‌های مباح خویش پیروز شود، بر نفس خود برتری می‌یابد و می‌تواند آن را کنترل کند و باعث می‌شود در سایر اوقات، گرفتار تمایلات حرام نشود. به همین سبب، پیامبر ﷺ بیان نمود که هرکس پس از روزه، وضعیتش تغییر نکند و اخلاقش خوب نشود، از روزه‌اش بهره‌ای نبرده است. ایشان فرمودند: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ، فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ»: «کسی که سخن دروغ و عمل به آن را ترک نکند، الله تعالی نیازی به این ندارد که او خوردنی و آشامیدنی خویش را رها کند.» (بخاری: 1903)

گرسنگی و تشنگی روزه‌دار، برای او بزرگ‌ترین انگیزه جهت کمک به فقیران و گرسنگانی است که بر خلاف میل و نه به انتخاب خودشان، چیزی برای خوردن و آشامیدن ندارند، زیرا بخشی از مشکلات آنان را تجربه کرده است.

”

وقتی دین اسلام روزه را بر مسلمان فرض می گرداند، در حقیقت گرسنگی فقیران و نیاز آنان به غذا را برایش یادآوری می کند.

در بیشتر ادیان سفری دینی و مذهبی وجود دارد که مردم تعبد و مناجات با آفریدگارشان را در آن اظهار می‌دارند... اما مشهورترین و مهم‌ترین و شلوغ‌ترین سفر سالیانه، سفر حج در اسلام است، چنانکه بیش از 3 میلیون مسلمان در مکانی کوچک برای ادای مراسم آن سفر مقدس جمع می‌شوند.

## ماهیت حج در اسلام

حج پنجمین رکن از ارکان اسلام است که فقط برای یک بار در عمر بر کسی واجب می‌گردد که توان مالی و بدنی داشته باشد.

سفری بزرگ که طبقات و نژادها و رنگ و پوشش و اموال در آن رنگ می‌بازد و همگی با یک لباس و یک رنگ حاضر می‌شوند و یک‌صدا فریاد می‌زنند و رابطه حقیقی میان انسان و پروردگارش نمودار می‌شود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»؛ یعنی: پروردگارا! همواره در خدمت ایستاده‌ایم. پروردگارا! درحالی آمدیم که با زبان می‌گوییم و با دل اقرار داریم که فقط تو معبود یگانه و مستحق عبادت هستی و فقط تو سزاوار حمد و ثنای کاملی؛ و تو آفریدگار و نعمت‌دهنده و مالکی و هیچ شریکی نداری.

بنابراین حج سفری ایمانی است که مسلمان احوال و اعمال و اقوالی را تجربه می‌کند و در تمامی آنها، هدفش یاد و تقوای الهی و اظهار نیازمندی به الله تعالی و درخواست مغفرت و پاداش از او می‌باشد. پیامبر ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا جُعِلَ الطَّوَّافُ بِالْبَيْتِ وَالسَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ»: «همانا هدف از طواف به دور کعبه و سعی بین صفا و مروه، برپاداشتن ذکر و یاد الهی می‌باشد.» (ابن ابی شیبة: 15333)

پوشش کسی که قصد رفتن به مکه برای ادای عبادت حج دارد پس از اینکه لباس عادی‌اش را بیرون می‌کند به منظور اعلان خضوع در برابر الله و برابری با تمامی کسانی که برای حج آمده‌اند، دو تگه پارچه می‌باشد.



# خانواده در اسلام





در

در تعریف بسیاری از خانواده‌های کنونی می‌توان  
گفت عبارت از مجموعه افرادی است که چندین  
کلید از یک منزل دارند!



متأسفانه افراد بسیاری از تحمّل مسؤلیّت در قبال همسر و فرزندان فرار می‌کنند؛ در این میان این سوال مطرح می‌گردد که چه چیزی باعث می‌شود نیازها و لذت‌های فطری خود را بدون تحمل این مسؤلیت برآورده نماید؟

هرچند این مورد در دوره معاصر وضوح بیشتری دارد، اما از ابتدای تاریخ چنین صفتی در برخی مردم وجود داشته است؛ و درحقیقت، نمونه‌ای ساده از توجه به مصلحت شخصی و نوعی خودخواهی نافرجام بدون توجّه به پیامدهای آن بر افراد و جامعه است.

دین اسلام بیشتر توجّهش را متمرکز خانواده، نظام و حقوق و وظایف آن در قبال افرادش نموده است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، خانه و خانواده مرکز بیداری و تربیت و شکوفایی است؛ و با ایجاد و اصلاح و پرداختن خانواده به رسالتی که دارد، کلّ جامعه سر و سامان می‌گیرد.

## اسلام بر اصل ازدواج و تشکیل خانواده تاکید کرده است:



● اسلام ازدواج و تشکیل خانواده را از بزرگ‌ترین اعمال و از سنت‌های پیامبران معرفی کرده است. و زمانی که برخی از یاران پیامبر ﷺ خواستند تمام وقت‌شان را به عبادت اختصاص دهند و پی‌درپی نماز به جای آورند و روزه بگیرند و ازدواج نکنند، پیامبر ﷺ آنان را توجیه کرده و فرمود: «لَكِنِّي أَصُومُ وَأَفْطِرُ، وَأُصَلِّي وَأَرْقُدُ، وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»: «اما من روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم و نماز به جای می‌آورم و می‌خوابم و با زنان ازدواج می‌کنم؛ پس هرکس از سنت و روش من روی بگرداند، از [پیروان] من نیست.» (بخاری: 5063)

● اسلام به ازدواج آسان دستور داده و وعده کمک به کسی می‌دهد که اراده نکاح داشته باشد، چنانکه پیامبر ﷺ از سه نفر نام بردند که حتماً الله آنان را کمک می‌کند و یکی از آن سه نفر، فردی است که ازدواج می‌کند تا پاکدامن بماند. (ترمذی: 1655)

● هنگامی که قرآن از نعمت‌ها و نشانه‌های الهی بر انسان‌ها سخن می‌گوید، در ابتدا آرامش و مودت و مهربانی و انس میان مرد و همسرش را یادآور می‌شود، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (الروم: 21).

«و از [دیگر] نشانه‌های او [این] است که از جنس خود شما همسرانی برای‌تان آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و محبت و مهربانی میان‌تان پدید آورد. بی‌گمان، در این [نعمت،] نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار] برای خردورزان است.»

● به جوانان فرمان می‌دهد که در زمان جوانی و قدرت ازدواج کنند، زیرا باعث آرامش و اطمینان می‌شود و راه حلی شرعی برای قدرت شهوانی و میل آنان به وجود می‌آورد.



”

هنگامی که قرآن از نعمت‌ها و نشانه‌های الهی بر انسان‌ها سخن می‌گوید، در ابتدا آرامش و مودت و مهربانی و انس میان مرد و همسرش را یادآور می‌شود.

# 2



اسلام هریک از افراد خانواده را کاملاً محترم و گرامی می‌دارد؛ و در این زمینه تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده است:

دین اسلام مسؤولیت بزرگی را بر دوش والدین گذاشته است تا فرزندان‌شان را تربیت کنند. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا، وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» «همه‌ی شما مسؤولید و هریک از شما درباره‌ی زیردستانش بازخواست می‌شود؛ رهبر یا حاکم، مسؤول رعیت است و مرد، مسؤول خانواده‌اش می‌باشد و درباره‌ی خانواده‌اش بازخواست می‌شود؛ و زن، درباره‌ی خانه‌ی شوهرش و فرزندان‌ش مسؤول است و خدمتکار در برابر مال آقايش مسؤولیت دارد». (بخاری: 893)

# 3



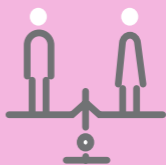
اسلام تلاش بسیاری نموده تا اصل تقدیر و احترام به پدر و مادر و توجه به آنان و اطاعت از فرمان‌شان تا هنگام وفات را نهادینه سازد:

هر اندازه هم که پسر یا دختر بزرگ شود، احترام و نیکی به والدین بر آنان واجب است؛ و الله متعال این مهم را مقرون به عبادت خود بیان داشته است. و آنها را از هرگونه تعدی و تجاوز زبانی و عملی در حق پدر و مادر نهی کرده است؛ هرچند با بر زبان آوردن کلمه یا صدایی باشد که آنان را آزار داده و موجبات رنجش آنان را فراهم آورد. الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (الإسراء: 23).

«و پروردگارت چنین فرمان داده که: جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها در کنار تو به سن پیری رسیدند، حتی کمترین اهانتی به ایشان نکن و بر سرشان فریاد نزن و به نیکی [و مهربانی] با آنان سخن بگو.»

# 4



اسلام به حفظ حقوق پسران و دختران و وجوب عدالت در نفقه آنان دستور می‌دهد:

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَقْوُتُ»: «برای گنهگار شدن کسی همین کافی است که در تأمین هزینه‌های کسی که مخارجش با اوست، کوتاهی کند.» (أبو داود: 1692)

و به طور مشخص دربارهٔ توجه و تأمین هزینه‌های دختران می‌فرماید: «مَنْ يَلِي مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ شَيْئًا، فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ، كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ»: «هرکس با (سرپرستی از) چند دختر، آزمایش شود و به آنها نیکی کند، برایش سپری در برابر آتش دوزخ خواهند بود.» (بخاری: 5995)



# 5



اسلام صلۀ رحم یا پیوند خویشاوندی را بر مسلمان فرض کرده است:

صلۀ رحم به معنای ارتباط و نیکی انسان به خویشاوندان پدری و مادریش می‌باشد که دین اسلام آن را از بزرگ‌ترین عبادات و طاعات برشمرده و مسلمانان را از قطع رابطه با خویشاوندان و بدی به آنان بر حذر داشته و این کار را از گناهان کبیره دانسته است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاتِعُ رَحِمٍ»: «کسی که با خویشاوندان قطع رابطه کند، وارد بهشت نخواهد شد.» (مسلم: 2556)







”

اسلام آدمی را از تجاوز و بی‌ادبی در گفتار و رفتار با والدین نهی کرده است، هر چند این کار با بیان سخن یا صدایی صورت گیرد که رنجش و بی‌تابی آنان را به همراه داشته باشد.

# جایگاه زن در اسلام



# نگاهی

نگاهی گذرا به تبلیغات رسانه‌ای یا تصاویر میان راه‌ها و یا جلد مجله‌ها، بزرگی و گستردگی جنایتی را به ما نشان می‌دهد که تمدن مادی علیه زن مرتکب شده است که در بسیاری از موارد زن چیزی جز عروسک یا کالا یا وسیله‌ای برای تحریک میل و شهوت و برافروختن تخیل معرفتی نشده است... .



می‌توان گفت این نوعی دیگر از رسم و عادت جوامع ابتدایی و بدوی است که زن را حقیر نموده و آن را به عنوان کالایی برای خرید و فروش می‌دانستند، هرچند کار این افراد در ظاهر کمتر باعث تحقیر و اهانت به زن است.

زن که مدت زمانی طولانی از ستم و تجاوز رنج می‌برد، نمی‌خواست از طریق مبارزه طولانی از آن دروازه وحشتناک خارج شود و به این مکان و مرحله برسد - هرچند تحقیر وی در این مرحله ظاهراً کمتر به نظر می‌رسد-.

با ظهور اسلام در 1400 سال قبل، انقلابی حقیقی  
ضد رفتارها و رسومات ظالمانه‌ای شکل گرفت که  
مدّت‌زمانی طولانی زن را می‌آزرد و به او ستم روا  
می‌داشت؛ و قوانین و احکامی دقیق در ارتباط با  
زن وضع نمود که باعث حفاظت حقوق و جایگاه  
وی شده و عزّت و کرامتش به او داده شد تا به این  
ترتیب رسالتش در زندگی را به کامل‌ترین وجه به  
انجام رساند.

بر همین اساس، یکی از طولانی‌ترین سوره‌های قرآن  
«نساء = زنان» نامیده شده، چون به بیان احکام جزئی  
و مفصّلی در ارتباط با زنان می‌پردازد. و الله متعال  
در قرآن کریم قصّه‌های زنان صالح متعدّدی را برای ما  
حکایت نموده و یکی از سوره‌ها را با نام مریم مادر  
عیسی عَلَيْهَا السَّلَامُ نامگذاری کرده است.

بنابراین اسلام آمد تا زاویه نگاه به زن را تغییر دهد  
تا چنانکه پروردگارش او را آفریده، انسان و نه کالا،  
شریک عمر و نه فقط شریک شب و مایه آرامش و  
مودّت و محبّت و نه وسیله شهوت‌پرستی و لذّت و  
بهره‌وری باشد.

## نمونه‌هایی از احکام مربوط به ارزش و کرامت زن

● از دیدگاه اسلام، زن حق انتخاب همسر دارد و بخش مهم و بزرگی از مسؤولیت تربیت فرزندان متوجه او می‌باشد. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا»: «و زن درباره ی خانه ی شوهرش و فرزندانش مسؤول است.» (بخاری: 893)

● نام و شرافت انتساب زن به پدرش باقی می‌ماند و پس از ازدواج این نسبت تغییر نمی‌کند بلکه به پدر و خانواده‌اش منسوب می‌گردد.

● اسلام بر شرافت و فضیلت خدمت به زن ناتوانی که کسی را ندارد، تاکید می‌کند هرچند از خویشاوندان انسان نباشد؛ و آدمی را برای خدمت به چنین زنی تشویق می‌کند و این کار را از بهترین اعمال نزد الله تعالی معرفی می‌نماید، چنانکه پیامبر ﷺ فرمود: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمَسْكِينِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَكَالْقَائِمِ لَا يَفْتَرُ وَكَالصَّائِمِ لَا يَفْطُرُ»: «کسی که در جهت تأمین افراد بی‌سرپرست (مانند زنان بیوه) و مستمندان تلاش می‌کند، مانند مجاهد راه خداست و مانند کسی است که شب‌ها را بدون خستگی در قیام و عبادت سپری می‌نماید و نیز مانند روزه‌داری است که افطار نمی‌کند (همواره روزه می‌گیرد)». (بخاری: 6007)

- اسلام در بسیاری از امور مرد و زن را یکسان دانسته است؛ از جمله تمام معامله‌های مالی؛ تا جایی که پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ»: «زنان همتای مردان هستند.» (أبو داود: 236)
- اسلام بر مرد واجب نموده به زن توجه نماید و بدون هیچ منتهی نفقه‌کسانی را بپردازد که تحت سرپرستی او هستند؛ مانند زن و مادر و دختر؛
- اسلام به صورتی عادلانه و کریمانه، برای زن سهمی از میراث تعیین نموده که در برخی موارد حق آن با مرد یکسان و در بعضی موارد، بر اساس خویشاوندی و وظایف نفقه‌او، بیشتر یا کمتر از سهم مرد است. این از سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی است که فردی بر کمتر بودن سهم زن از سهم مرد در برخی موارد دست بگذارد و تکالیف مالی مانند پرداخت نفقه‌ی همسر را در نظر نگیرد که الله متعال آنها را بر عهده‌ی مرد قرار داده است؛ چراکه دین اسلام منظم و کامل و متعادل است و بخش‌های مختلف آن یکدیگر را کامل می‌کنند.



اسلام به صورتی عادلانه و کریمانه، برای زن سهمی از میراث تعیین نموده است، که در برخی موارد حق آن با مرد یکسان و در بعضی موارد، بیشتر یا کمتر از سهم مرد است.



”

در زمانی که قلم‌هایی اسلام را متهم به ستم علیه زن و نادیده‌گرفتن حقوق وی و عدم تناسب آن با ضروریات و خواسته‌ها و تمدن معاصر می‌کنند، می‌بینیم که 75 درصد از تازه‌مسلمانان در دولتی پیشرفته همچون انگلیس را، زنان تشکیل می‌دهند؛ بویژه پس از اینکه احکام و قوانین اسلام را درباره نظام خانواده بررسی می‌کنند!!

INDEPENDENT 6- 11 -2011





## زنانی که توجّه به آنان در اسلام تاکید شده است

**مادر:** مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و پرسید: ای رسول الله! چه کسی سزاوارتر به خوشرفتاری من است؟ پیامبر ﷺ فرمود: «أُمَّكَ»: «مادرت». گفت: سپس چه کسی؟ رسول الله ﷺ پاسخ داد: «تُمَّ أُمَّكَ»: «باز هم مادرت» گفت: سپس چه کسی؟ رسول الله ﷺ فرمود: «تُمَّ أُمَّكَ»: «باز هم مادرت». وی گفت: سپس چه کسی؟ پیامبر ﷺ فرمود: «تُمَّ أَبُوكَ»: «سپس پدرت» (بخاری: 5971)




**دختر:** پیامبر ﷺ فرمودند: «مَنْ كَانَ لَهُ ثَلَاثُ بَنَاتٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِنَّ، وَأَطَعَمَهُنَّ، وَسَقَاهُنَّ، وَكَسَاهُنَّ مِنْ جِدَّتِهِ، كُنَّ لَهُ حِجَابًا مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: «کسی که 3 دختر داشته باشد و بر [سختی‌های] آنان صبر نماید و این دختران را از ثروت [و مال] خود، غذا و آب و پوشاک دهد، در روز قیامت، باعث حفاظت وی از آتش [دوزخ] می‌شوند.» (ابن ماجه: 3669)



**همسر:** رسول الله ﷺ می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»: «بهترین شما، کسانی هستند که با خانواده (همسران) خویش بهترند؛ و من، بهترین شما در برخورد با همسران خود هستم.» (ترمذی: 3895)





”  
رابطهٔ مرد و زن در دین اسلام، رابطهٔ تکامل و نه اختلاف و نزاع است، که هر یک از آنان نقص دیگری را برای بنای جامعهٔ اسلامی جبران و اصلاح می‌کند.

## نزاع و اختلاف میان مرد و زن، هیچ جایگاهی در اسلام ندارد

در دین اسلام، هیچ جایگاهی برای کشمکش و اختلاف میان زن و مرد، رقابت بر سر متاع دنیا، تاخت و تاز بر زن یا بر مرد، ضربه‌زدن و افترا به یکی از آن دو و جستجوی عیوب یکدیگر وجود ندارد؛

چگونه انسان با نیمهٔ دیگرش می‌جنگد؛ و چگونه انسان با همتایش به نزاع برمی‌خیزد. زن بنا به گفتهٔ پیامبر ﷺ همتای مرد و نیمهٔ دیگر اوست و رابطهٔ میان آن دو مکمل یکدیگر است، چنانکه هریک از آن دو نقص دیگری را در راستای تشکیل جامعهٔ اسلامی برطرف می‌کند.

قرآن کریم این تکامل را بسیار زیبا به تصویر می کشد، آنجا که می فرماید:

﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ (البقرة: 187).

«آنان لباس شما هستند و شما لباس آنان هستید».

آنچه مرد در وهله اول به عنوان نوعی ضعف در زن می بیند، وجه دیگری از قدرتی است که مرد آن را زیبا نمی بیند و توان انجام آن را ندارد، اما خانواده به آن نیاز دارد... و آنچه زن به عنوان نقص و کمبود در مرد می بیند، بسا اوقات نشانه ای از توانایی هاست که متناسب با زن نیست، ولی زندگی و جامعه بدون آن سر و سامان نمی گیرد...

بیهوده است که الله تعالی دو نوع از انسان (مردان و زنان) را بیافریند و سپس بگوید: باید هر دو نوع در هر چیزی مانند هم باشند.

وقتی برخی از مردان آرزو کردند برخی از حقوق زنان را داشته باشند و تعدادی از زنان آرزو کردند بخشی از حقوق مردان را داشته باشند، این آیات از قرآن کریم نازل شد:

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (النساء: 32)،

«[ای مؤمنان،] آنچه را که الله به وسیله آن، برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است، آرزو مکنید [تا دچار حسد نشوید]. مردان از آنچه به دست آورده‌اند [پاداش و] بهره‌ای دارند و زنان [نیز] از آنچه به دست آورده‌اند [اجر و] بهره‌ای دارند؛ و از بخشش الله [چیزی] بخواهید. بی‌تردید، الله به هر چیزی داناست.»

بنابراین هریک از مرد و زن ویژگی‌ها و وظایف و خوبی‌های خود را دارد و هر دو نوع تلاش می‌کنند که نقش خود را برای کسب فضل و رضایت الهی به خوبی ایفا کنند. و اسلام فقط برای مردان یا فقط برای زنان نیامده است، بلکه برای انسان و خانواده و جامعه اسلامی مشروع گشته است.



## رابطهٔ میان مرد و زن

در طول تاریخ، اندیشه‌ها و قوانین بشری بیشماری برای تنظیم رابطه میان مرد و زن از لحاظ حدّ و مرزها و قوانین و عادات و رفتارشان شکل گرفته است، اما کتاب‌های تاریخی و انسان‌شناسی از اقوامی خبر می‌دهند که هیچ اشکالی در برهنگی کامل و هرج و مرج جنسی دو جنس مخالف نداشتند؛ و از اقوامی سخن می‌گویند که برای حفاظت از زن، او را با آهن و زنجیر می‌بستند چنانکه از اقوامی می‌گویند که مردان و نه زنان‌شان لباس بر تن می‌کردند، یا به پوشش بخشی از اعضا اهمیت می‌دادند و موارد بیشمار دیگری از این دست... .

اغلب این ملت‌ها - بویژه کسانی که تا حدودی متمدّن شده بودند - باور داشتند این مساله نیازمند قانونی است که آن را سر و سامان دهد، تا زندگی تبدیل به جنگل یا آغل نشود که تمامی تفاوت‌های انسان و حیوان از بین برود و نادیده گرفته شود.





”

اغلب این ملت‌ها - بویژه کسانی که تا حدودی  
متمدن شده بودند - باور داشتند این مساله  
نیازمند قانونی است که آن را سر و سامان  
دهد، تا زندگی تبدیل به جنگل یا آغل نشود که  
تمامی تفاوت‌های انسان و حیوان از بین برود و  
نادیده گرفته شود.



## ساختار رابطهٔ مرد و زن در اسلام

رابطهٔ میان مرد و زن در اسلام، اجتهادی و بشری و محدود به عوامل تاریخ و جغرافیا نیست، بلکه نظامی کامل و متناسب با هر زمان و مکان است که الله متعال آن را در قرآن کریم نازل فرمود و رسول بزرگوار اسلام ﷺ آن را به مردم آموخت.

ساختار و شرایط این رابطه بر اساس نسبت زن و مرد متفاوت است، چنانکه دین اسلام این مسأله را توضیح می‌دهد.

نسبت زن و مرد در اسلام، بر چند قسم است:

### 1 اینکه مرد شوهر زن باشد

برای بیان ساختار رابطه‌ی زن و شوهری، هیچ تعبیری دقیق‌تر و رساتر از توصیف قرآن نیست؛ چنانکه الله متعال شوهر را پوششی برای زن و زن را پوششی برای شوهر نامیده است؛ و با این تعبیر تصویر زیبایی از ارتباط روانی و عاطفی و جسمی میان آن دو را ارائه می‌دهد؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ (البقرة: 187). «آنان لباس شما هستند و شما لباس آنان هستید».

### 2 اینکه مرد یکی از محارم زن باشد

مراد از محارم، کسانی هستند که به سبب قرابت زیادی که میان آنها و زن وجود دارد، برای همیشه ازدواج زن با آنان حرام است؛ محارم 13 تن از مردان خویشاوند زن هستند: پدر، پدر بزرگ، پسر، برادر، عمو، دایی، پسر برادر، پسر خواهر، نوه پسری یا دختری و ... زن در حضور خویشاوندان محرم خود بدون حجاب کامل و در حالت عادی بدون اینکه عریان شود، حاضر می‌گردد.

### 3 اینکه مرد نسبت به زن بیگانه باشد

مرد بیگانه یعنی هر مردی که از محارم زن نباشد.



اسلام احکام و قوانینی را برای رابطهٔ مرد با زن نامحرم وضع کرده است تا آبروها حفظ شود و دروازهٔ نفوذ شیطان بر انسان بسته گردد. ذاتی که انسان را آفریده است، داناتر به مصالح اوست، چنانکه در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (الملک: 14).

«آیا کسی که [همهٔ موجودات را] آفریده است، [حالِ بندگان را] نمی‌داند؟ درحالی که او باریک‌بین و آگاه است.»





## دلیل مشروعیت حجاب در حضور مردان نامحرم؟

- تا زن بتواند در زندگی و جامعه، رسالتش را در زمینه‌های علمی و عملی به بهترین شکل ادا نماید و کرامت و عفتش را حفظ کند.
- کاهش فرصت‌های گمراهی و تحریک شهوت، به منظور تضمین پاک ماندن جامعه و نیز حفظ کرامت زن.
- کمک به مردانی که با پاکدامنی و رعایت احکام به زن نگاه می‌کنند و با وی همچون انسانی رفتار می‌کنند که همچون خودشان از امکانات و توانایی‌های فرهنگی و علمی برخوردار است، نه با این نگاه که زن توده و تلمباری از هیجانات غریزی و شهوانی بوده و فقط وسیله‌ای برای لذت و خوشگذرانی باشد.

## ضوابط ارتباط میان مرد و زن نامحرم

### 1 حفاظت از چشم

الله متعال هر دو جنس زن و مرد را به حفاظت از چشم‌ها فرمان داده است؛ با این تفصیل که نباید به مواردی چشم بدوزند که غرایز و تمایلات نفسانی را تحریک می‌کند، زیرا حفاظت از چشم‌ها راه عفاف و حفظ آبروست، همان‌گونه که آزادگذاشتن مطلق چشم سبب گناه و انجام فحشاست؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ • وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (النور: 30-31) «[ای پیامبر،] به مردان مؤمن بگو چشمان خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند و پاکدامنی پیشه کنند. این [کار] برای آنان پاکیزه‌تر است. بی‌تردید، الله به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. و به زنان مؤمن [نیز] بگو چشمان خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند و پاکدامنی ورزند».

### 2 تعامل مؤدبانه و اخلاقی

مرد و زن مسلمان با یکدیگر در حوزه کار و علم و سایر امور، با کمال ادب و احترام رفتار می‌کنند و از هر آنچه باعث تحریک غرایز می‌شود دوری می‌کنند.



### 3 حجاب

الله متعال حجاب را بر زن و نه مرد واجب کرده است، زیرا زیبایی‌ها و اسباب تحریک را در زن نهاده است که این عوامل باعث می‌شوند زن بیش از مرد سبب فتنه و فساد جنس مخالف گردد؛ بر همین اساس است که در گذشته و حال، اغلب این زنان هستند که قربانی شهوت مردان می‌شوند؛ امری که امروزه در انواع رسانه‌ها شاهد آن هستیم.

مقدار حجاب واجب برای زن در اسلام، پوشیدن تمام بدن جز چهره و دو دست تا مچ در حضور مردان نامحرم می‌باشد؛ چنانکه قرآن امر نموده است: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ (النور: 31) «و زیور [و آرایش] خود را آشکار نکنند؛ مگر آنچه [به صورت طبیعی] نمایان است».



”

بسیاری از منتقدان مخالف حجاب اسلامی، از این نکته غافل‌اند که چهرهٔ بزرگ‌ترین زنان تاریخ - چنانکه در تصاویر مریم پاکدامن آمده است - فقط با حجاب نمایان می‌شود که بسیار شبیه حجاب مسلمانان است.



# قانون اسلام در خوردن و آشامیدن

# معمولا

معمولا نخستین سؤالی که از سوی پژوهندگان اسلام مطرح می‌شود، این است که: چرا مسلمانان مشروبات الکلی و گوشت خوک را حرام می‌دانند؟



قبل

قبل از پاسخ به این سؤال، نکته‌ی مهمی لازم به یادآوری است:

قرآن کریم آنچه در زمین است برای مسلمانان مباح نموده تا از آنها بهره‌ی لازم و کافی ببرد؛ چنانکه نصّ صریح قرآن بیانگر همین مطلب است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (البقرة: 29). «اوست که همه‌ی آنچه را که در زمین است برای تان آفرید.»

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نیز از این دسته هستند. همه‌ی آنها مباح به شمار می‌روند مگر مواردی که قرآن به سبب پلیدی و ضرری که برای سلامتی دارند یا عقل را از بین می‌برند، استثنا کرده است. احتمالاً برای تو مهم است که دلیل تحریم گوشت خوک و مشروبات الکلی را بدانی.



## خوک

تحریم خوردن گوشت خوک، به صراحت در قرآن بیان شده است، با اینکه خوک در زمان نزول قرآن برای قوم عرب ناشناخته بود. برخی این نوع تحریم را عجیب می‌دانند و به باد انتقاد می‌گیرند، با اینکه چنین تحریمی مختص مسلمانان نبوده و بلکه برای یهودیان هم حرام بوده است؛ چنانکه در این باره متون آشکاری در عهد قدیم آمده است. و آنچه انسان را شگفت زده می‌کند این است که بسیاری از علمای ادیان اثبات کرده‌اند که خوردن گوشت خوک از دیدگاه مسیحیان هم حرام بوده و متون روشنی در عهد جدید برای بیان این مطلب آمده است، ولی بعدها دستخوش تحریف شده و دچار تغییر شد؛ نک: (انجیل مرقس 11/5-13، متی 67، نامه دوم بطرس پیامبر 22/2، لوقا 11/15)

چه مانع و ایرادی وجود دارد که الله تعالی ما را با منع استفاده از خوردنی‌هایی مورد آزمایش قرار دهد؛ پس از اینکه بیشتر آنها را برای ما مباح نموده است، تا به این وسیله ایمان و طاعت ما را بیازماید، چنانکه پس از مباح کردن استفاده از خوردنی‌های پاک بهشتی برای آدم علیه السلام او را با تحریم خوردن از درختی معین امتحان کرد.

”

چه مانع و ایرادی وجود دارد که الله تعالی ما را با منع تعدادی از خوردنیها پس از اینکه بیشتر آنها را برای ما مباح قرار داده است، مورد آزمایش قرار دهد؛ تا ایمان و طاعت ما را بیازماید، همان طوری که آدم عليه السلام را پس از مباح کردن استفاده از خوردنیهای پاک بهشتی، با تحریم خوردن از درختی معین امتحان کرد؟!

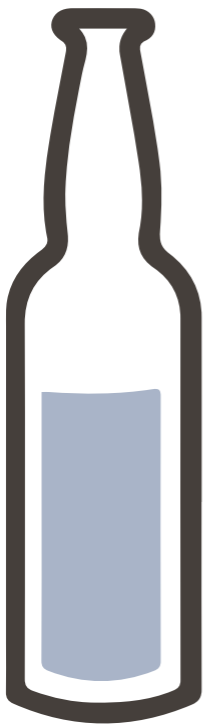
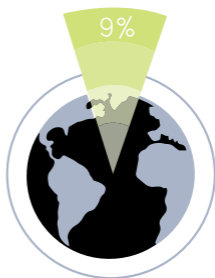


## مشروبات الکلی

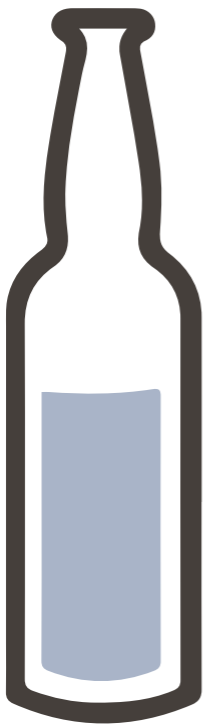
مبارزه با بیماری‌های واگیردار و بیماری‌هایی که زندگی بشر را نابود می‌کند و تعیین قوانین و احکام سخت‌گیرانه و دقیق برای حفاظت از سلامتی و زندگی مردم، یکی از مهم‌ترین کارهای دولت‌ها و حکومت‌ها به شمار می‌رود؛ و هر نوع خلل و نقصی در این زمینه، بدترین پیامدها و زیان‌ها را متوجه فرد و جامعه می‌نماید....



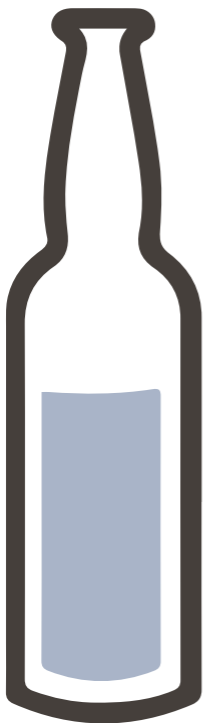
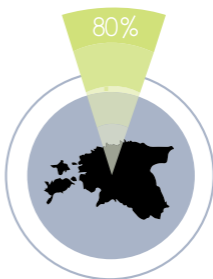
احتمالا این اطلاعات تمامی ما را تکان می‌دهد که بر اساس مطالعات مستند، از قبیل گزارشات سازمان بهداشت جهانی و تحقیق صورت‌گرفته توسط دانشگاه آکسفورد که در مجله نیچر در تاریخ: (15 275 483 Nature 2012 March) منتشر شد و نیز بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی در تاریخ 11 / 2 / 2011 آمار قربانی‌های مشروبات الکلی در یک سال بیش از تمامی افرادی هستند که بر اثر ایدز و مالاریا و سل می‌میرند؛ و نزدیک به سه برابر کشته‌شدگان تمامی جنگ‌ها و نسل‌کشی‌ها و ترورها در یک سال است... اکنون برخی از ارقام و آمار مورد تایید این بررسی، به همراه گزارشات سازمان بهداشت جهانی بیان می‌گردد:



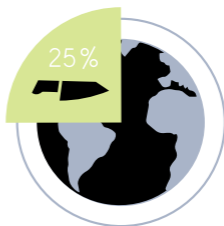
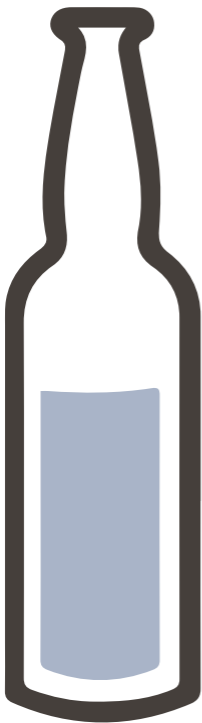
هر ساله بیش از یک و نیم میلیون انسان بر اثر مصرف مشروبات الکلی و اعتیاد جان خودشان را از دست می‌دهند که 320000 نفر از آنان جوان و از گروه سنی 15 تا 29 سال هستند که هر ساله در سرتاسر جهان به سبب عواملی مرتبط با مشروبات الکلی می‌میرند؛ و 9 درصد از مجموع مرگ و میر سالانه این گروه سنی را تشکیل می‌دهند.



بر اساس تحقیقی که در  
امریکا انجام شد، روشن گردید  
که در هر سال **700000**  
**دانشجو در معرض حمله** و  
تهاجم دانشجویان دیگری  
قرار می‌گیرند که در مصرف  
مشروبات الکلی زیاده‌روی  
می‌کنند.

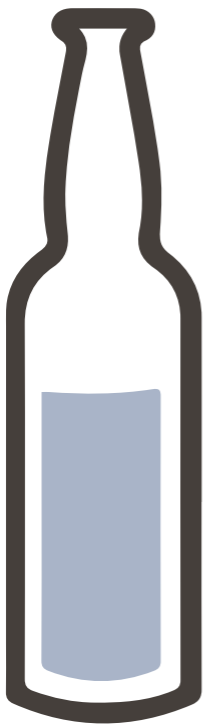


یک گزارش آزاد در سال 2001م نشان داد **80 درصد از جرایم** خشونت‌آمیز که توسط جوانان استونی صورت گرفته بود با زیاده‌روی در مصرف مشروبات الکلی مرتبط بوده است.



**مشروبات الکلی در یک چهارم**  
از قتل‌های صورت‌گرفته در  
سرتاسر جهان نقش دارد.



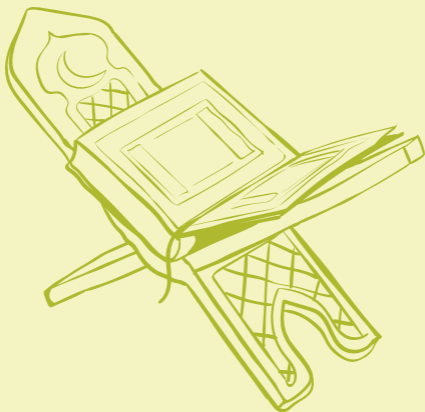


**تمامی اعلامیه‌ها و گزارشات سازمان بهداشت جهانی از همه دولت‌ها درخواست دارد که تدابیر و قوانین سفت و سختی برای کاهش یا منع این همه جرم و جنایت اتخاذ کنند که روزانه بر اثر مشروبات الکلی صورت می‌گیرد.**



## در یک سال فقط در بریتانیا:

- نزدیک به یک میلیون جرم خشونت‌آمیز مرتبط به مشروبات الکلی انجام گرفت؛ و از دیدگاه قربانیان، تقریباً نیمی از این جرایم مرتبط با مصرف مشروبات الکلی بوده است.
- نزدیک به 7 میلیون پذیرش در خدمات اورژانس و تصادفات در بیمارستان‌ها مربوط به مصرف الکل بوده است، با هزینه‌ای قریب به 650 میلیون پوند انگلیس که برای مالیات‌دهندگان در یک سال داشته است.
- به طور کلی، تمامی هزینه‌های جرم و جنایت مرتبط با مصرف مشروبات الکلی و حوادثی که بر دوش مالیات‌دهندگان است، سالانه ما بین 8 تا 13 میلیارد پوند تخمین زده می‌شود.



## شیوه تعامل و برخورد قرآن کریم با موضوع مشروبات الکلی و شراب [خمر]:

دین اسلام منتظر گزارشات سازمان بهداشت جهانی نبوده تا از تاثیر الکل بر فرد و جامعه پرده بردارد، زیرا ذاتی که انسان را آفریده، دانا به مصالح زندگی و جامعه اوست.

درحالی اولین مخاطبان اسلام قوم عرب بودند که زندگی آنها با مستی و مشروبات و انواع شراب گره خورده بود و بزرگترین بهره و لذت آنان به شمار می‌رفت... چنانکه افتخارشان نوشیدن شراب بود و تمامی اموالشان را برای آن مصرف می‌کردند.

قرآن با این مساله به شیوه‌ای کاملا منطقی و عادلانه برخورد کرد؛ چنانکه ابتدا به فواید و منافع شراب اقرار کرد، چرا که مصرف‌کننده در وهله‌ی اول و به صورت موقتی احساس لذت و آسایش می‌کند و غم و اندوهش را فراموش می‌نماید... اما تاثیر و عاقبت مصرف آن بسیار بد و ناگوار است؛ تا جایی که درمان تاثیرات و پیامدهای روانی و رفتاری و بهداشتی آن بر فرد و جامعه غیر ممکن است، چنانکه در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (البقرة: 219).

«[ای پیامبر، اصحابت] از تو درباره‌ی شراب و قمار می‌پرسند؛ بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و [نیز] سودهایی برای مردم وجود دارد؛ ولی گناه آن دو، از سودشان [بیشتر و] بزرگ‌تر است».

در مرحله‌ی بعد قرآن کریم به شدت از آن منع کرد و آن را کار شیطان دانست که باعث دشمنی و کینه و بازماندن از امور مهم می‌شود. و در قرآن کریم، از مردم پرسیده شد که: (فهل أنتم منتهون؛ آیا شما از این کار دست می‌کشید؟) و آنان گفتند: ما دست کشیدیم؛ و با پذیرش فرمان الهی در قرآن، مشروبات را در راه‌ها و کوچه‌های مدینه ریختند.

# گناه و توبه

## فلسفه

فلسفه خطا و صواب یکی از مهم‌ترین مسایل مطرح در حوزه‌ی فکر و اندیشه نزد برخی ادیان و عقاید به شمار می‌رود؛ تا جایی که حتی نگاه و برخورد این عقاید و باورها به اشتباه و گناه و توبه و پشیمانی متفاوت است.



اسلام با معیاری دقیق به سرشت بشری که الله متعال آن را آفریده و گرایش‌های خیر و شر را در آن نهادینه کرده، توجه می‌کند. بر این اساس با سرشت و طبیعت آدمی با این نگاه که فرشته‌ای سرشته شده بر خیر باشد رفتار نمی‌کند، بلکه بیان می‌دارد که تمامی انسان‌ها ممکن الخطا هستند، اما از سوی دیگر وی را مسئول تصمیمات و اختیاراتش می‌داند و به این ترتیب دیدگاه اسلام درباره گناه و توبه شکل می‌گیرد که به اختصار می‌توان آن را چنین بیان داشت:

• نخستین مطلبی که در قرآن کریم در این زمینه می‌یابیم این است که گناه و توبه عملی فردی و بسیار روشن و شفاف و بدور از هر پیچیدگی و ابهام است. با این توضیح که پیش از تولد انسان، گناهی بر وی تحمیل و فرض نشده است، بلکه هر انسانی درحالی متولد می‌شود که از همه‌ی گناهان پاک است و گناهی ندارد؛ همچنان که کسی اختیار آمرزش و بخشش گناهان را ندارد؛ مثال آن اشتباه آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ است که اشتباهی فردی بود و راه نجات آن به آسانی هر چه تمام‌تر توبه بی‌واسطه و مستقیم بود. و به همین ترتیب گناه هریک از فرزندان هم فردی است و دروازه توبه به روی آنها باز و گشوده است و هر انسانی با اراده و تلاش و عدم ناامیدی می‌تواند به آن دست یابد؛ و هر انسانی گناه خودش را به دوش می‌کشد و هیچکس در قبال گناه دیگری مؤاخذه نمی‌شود. و این همان پیامی است که پیامبران السَّلَامُ از جانب الله متعال آوردند و قرآن کریم از آن خبر می‌دهد:

﴿أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى • وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى • أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى • وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى • وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى • ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى •﴾  
(النجم: 36-41).



«آیا از مطالب کتاب آسمانی موسی و [تعلیمات] ابراهیم که حق [رسالت و بندگی ما] را به تمامی ادا کرد، باخبر نشده است؟ که هیچ گناهکاری بارِ گناه دیگری را بر دوش نخواهد کشید؛ و اینکه انسان فقط ثمرهٔ تلاش [و نیت] خود را خواهد داشت؛ و اینکه بی‌گمان، تلاش او [در محاسبهٔ اعمالش در روز قیامت]، منظور خواهد شد؛ آنگاه پاداشش را به تمامی خواهند داد».



• توبه یکی از بزرگ‌ترین عبادات به شمار می‌رود و اعمالی که باعث تقرب جستن و نزدیک شدن به الله متعال می‌گردند، به افراد مشخصی اختصاص ندارند؛ چنانکه برای توبه نیاز به مکان خاصی یا اعتراف در برابر بشری یا کسب اجازه از او نیست، بلکه عبادتی میان الله و بندگانش می‌باشد. و یکی از اسماء و صفات الهی که در قرآن کریم آمده است (التَّوَّابِ الرَّحِيمِ: بسیار توبه‌پذیر مهربان) و (غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ: بخشنده گناه و توبه‌پذیر) می‌باشد. قرآن ویژگی‌هایی پرهیزگاران را که وارد بهشت می‌شوند برشمرده و تاکید می‌کند که آنان مرتکب برخی گناهان می‌شوند، اما بعد از هر گناه برای توبه و طلب آمرزش شتاب می‌کنند:

﴿الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (آل عمران: 135).

«و [همان] کسانی که چون مرتکب [گناه کبیره و] کار زشتی شدند یا [با انجام گناه صغیره‌ای] بر خود ستم کردند، الله را به یاد می‌آورند و برای گناهان‌شان آمرزش می‌خواهند - و جز الله چه کسی گناهان را می‌آمرزد؟ - و بر آنچه کرده‌اند پافشاری نمی‌کنند درحالی‌که می‌دانند [گناهکارند و الله بخشاینده و توبه‌پذیر است]».

- در اسلام، برای توبه همین کافی است که انسان از گناه دست بکشد و از کرده‌ی خود پشیمان شود و تصمیم بگیرد دیگر آن را انجام ندهد و اگر حقی را ضایع کرده است، حقوق مردم را به آنان برگرداند ... اگر این کار را انجام دهد و دوباره گناه کند، توبه‌ی قبلی او لغو و باطل نمی‌شود و گناهانش به وی بر نمی‌گردد، بلکه گناه جدیدی انجام داده که باید دوباره توبه کند.

اینگونه انسان مسلمان در شرایط متعادلی بین میل به کمال و پیشرفت و دوری از گناهان و شناخت طبیعت و سرشت بشری‌اش زندگی می‌کند؛ سرشت بشری که اوقات بسیاری ضعیف می‌گردد و چه بسا از مسیر اصلی خود منحرف می‌شود؛ اما در هر شرایطی، در نشاط و تقوا و در زمان کوتاهی و انحراف بر او لازم است که امید خود را از دست ندهد، بلکه به الله پناه برد و به سوی او توبه کند و درخواست آمرزش نماید.

تفاوت نیکوکاران و دیگران در همین است، چنانکه قرآن کریم به این مهم می‌پردازد و از این تفاوت خبر می‌دهد؛ اینکه پرهیزگاران وقتی مرتکب گناهی می‌شوند، متذکر شده و به سوی الله توبه می‌کنند، بر خلاف افرادی که بر انجام گناهان‌شان اصرار می‌ورزند بدون اینکه متوجه عملکرد خود گشته یا پند و عبرت گیرند:


﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ • وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ﴾ (الأعراف: 201-202).

«درحقیقت، کسانی که [از الله] پروا می‌کنند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به آنان برسد، [الله را] به یاد می‌آورند و آنگاه [نسبت به حقیقت] بینا می‌شوند. و برادران شان [= برادران کافران و مشرکان که شیاطین هستند] آنان را به گمراهی می‌کشاند و [هرگز در این کار] کوتاهی نمی‌کنند.»

”  
در دین اسلام، هیچ گناه و اشتباهی، پیش از تولد انسان بر وی تحمیل نشده است، بلکه هر انسانی در حالی متولد میشود که از گناهان پاک است و از قبل، هیچ گناه و اشتباهی با خود ندارد.

A young man in profile, looking upwards and to the left. In the background, a glowing, semi-transparent brain is depicted with a network of white lines and nodes, suggesting a digital or neural network. The overall color scheme is blue and white, with a bright light source in the upper right.

# دین و عقل



برخی بر این باورند که دین با عقل و منهج علمی  
تعارض دارد زیرا از دیدگاه آنان دین منبع اوهام  
و افسانه‌ها و تفکرات خرافی است، درحالی‌که  
علم و فلسفه راه رسیدن به شناختی منظم است  
که گاهی اوقات منجر به علمی یقینی و ثابت  
می‌شود در صورتی که شروط تحقیق و تفکر و  
تجربه وجود داشته باشد ... اگر خوب دقت کنیم  
می‌بینیم که این اعتقاد حاوی موارد صحیح و  
اشتباه می‌باشد.



از این نظر صحیح به نظر می‌رسد که گاهی تعدادی از ادیان مخالف با عقل بوده و منابع و کتاب‌های شان سرشار از افسانه‌ها و اعتقادات خرافی است که کاملاً با قوانین حاکم در هستی و علم متناقض هستند.

اما از این لحاظ اشتباه است که حکمی عام بر تمامی ادیان صادر می‌کند بدون اینکه به تفاوت‌های موجود در میان آنها از نظر منابع و مفاهیم و روش‌ها و دلایل‌شان توجه نماید!

کسی که به قرآن کریم به عنوان منبع اصلی اسلام آگاه باشد، با مقایسه‌ای گذرا میان اسلام و سایر ادیان، یقیناً می‌داند که اسلام چه جایگاه والایی برای عقل در نظر گرفته است و چه بهایی به آن می‌دهد؛ بهایی که در سایر ادیان دیده نمی‌شود؛ و نیاز به تحقیق و بررسی فراوان ندارد تا بداند اسلام به کارکرد عقل تشویق نموده و آن را به تفکر و تأمل فرا می‌خواند، چنانکه سؤال (أفلا تعقلون؛ آیا پس نمی‌اندیشید؟! ) را بیش از 13 مرتبه تکرار می‌کند.

”

فرد آگاه از قرآن، نیاز به دقت زیادی ندارد که بفهمد قرآن کریم عقل را برمی‌انگیزاند و آن را برای تفکر و اندیشه فرا می‌خواند.





قرآن کریم انسان عاقل، روشن و آزاد از تمامی انواع استبداد، تکبر، ترس و جهل را مخاطب قرار می‌دهد و دلایل عقلی و منطقی متعددی جهت وجوب ایمان به الله متعال بیان می‌کند؛ به عنوان مثال می‌فرماید:

﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ  
 • أَمْ خُلِقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ﴾  
 (الطور: 35-36).

«آیا آنان از هیچ آفریده شده‌اند یا خود آفریننده خویشند؟ آیا آنان آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟ [نه،] بلکه آنان یقین ندارند [که الله آفریننده مطلق است].»



دلایل مخالفان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و سخنانی را که بر اساس دلیل و برهان نیست رد می‌کند، چنانکه می‌فرماید: ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (البقرة: 111).

«ای پیامبر، به آنان [بگو: اگر راستگوئید، دلیل خود را بیاورید].»



کسانی را که از عقل خود بهره نمی‌برند، نکوهش می‌کند و آنان را موجوداتی بدون حواس توصیف می‌کند، زیرا از آنچه می‌بینند و می‌شنوند برای تصمیمات و انتخاب‌های صحیح استفاده نمی‌کنند، چنانکه می‌فرماید:

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾  
(الحج: 46).

«آیا آنان در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که [حقیقت را] با آن دریابند یا گوش‌هایی که [اخبار گذشتگان را] با آن بشنوند؟ به راستی، تنها چشم‌ها نیست که نابینا می‌گردد؛ بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست [بی‌بصیرت گشته و برای دیدن حق،] نابینا می‌شود».

4



انسان را از موانع تفکر و اندیشیدن که در معرض آنها قرار دارد بر حذر می‌دارد. بنابراین قرآن تنها به استفاده از حواس و عقل و احترام به آنها تشویق و اکتفا نمی‌کند، بلکه لغزش‌های عقل را گوشزد می‌کند چراکه گرایش‌های خیر و شر سرشت انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و گاهی باعث می‌شود تصمیمات و نتیجه‌گیری‌های انسان بر اثر بیم و امید و یا فریب، در معرض خطا و انحراف از حقیقت قرار گیرد.

## موانع تفکر صحیح از نگاه قرآن

■ **تقلید:** گاهی اعتقاد و رفتار ارثی و روش‌های منفی تفکر در شیوه اندیشه و تدبّر تاثیر زیادی دارد، چنانکه با وجود آنها پذیرش حقیقت و ترک باطل دشوار می‌گردد؛ و بسا اوقات فکر و ذهن انسان را به کلی متوقف می‌سازد، با این بهانه که چنین عادتى ندارم یا بر این رفتار و کار آفریده نشده‌ام؛ در این راستا قرآن کریم برای ما سرگذشت افرادی را حکایت می‌کند که حقیقت برای‌شان آشکار شد، اما تقلید مانع آنها از پیروی حق شد: وقتی به آنان گفته شد از حقیقتی که الله نازل کرده است پیروی کنید، گفتند: از آنچه عادت داریم و پدران مان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم. در ادامه قرآن کریم توضیح می‌دهد که آیا از پدران‌شان پیروی می‌کنند فقط به این دلیل که آنها پدران‌شان هستند؟! هرچند رفتار و کردار و اندیشه‌های آنان متکی به عقل و شناخت و هدایت نباشد؟!

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانُوا آبَاءَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾!! (البقرة: 170).

«و هنگامی که به آنان [= کافران] گفته شود: از آنچه الله نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: [نه،] بلکه ما از چیزی که پدران خود را بر آن یافتیم

پیروی می‌کنیم. آیا اگر پدران‌شان [از حقیقت] چیزی نفهمیده و هدایت نیافته باشند [باز هم کورکورانه از آنان پیروی می‌کنند]؟».

■ **گردنکشی و تکبر:** گاهی حقیقت برای عقل آشکار می‌شود، اما به منظور مصلحت یا جایگاه خود یا از روی حسادت و یا بها ندادن و کاستن از ارزش منبعی که حقیقت را آورده است، از پذیرش حق و باور به آن سر باز می‌زند، چنانکه الله تعالی در قرآن کریم گروهی از مردم را چنین توصیف می‌کند: آنان حقیقت آشکار را درحالی انکار کردند که در دل به آن یقین و باور داشتند و فقط تکبر و ستم آنان را از پذیرش حقیقت باز داشت:

﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾ (النمل:

14).

«و آنها را از روی ستم و سرکشی انکار کردند درحالی که دل‌های‌شان به آنها یقین داشتند؛ پس بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود.».

■ **غوطه‌ورشدن در لذت‌ها:** بسا اوقات عقل حقیقت را می‌شناسد، اما جرأت انتخاب و پذیرش آن را ندارد، زیرا غوطه‌ور در لذت‌ها است. قرآن مجید حکایت مردی را بیان می‌کند که علم و شناخت به او داده شد و سزاوار بود که بدان عمل کند و آن را در زندگی‌اش اجرا نماید، اما به این علوم

پشت نموده و اعتنایی نکرد و از تمایلات نفسانی و مصلحت زودگذر دنیوی خود پیروی کرد؛ چون چنان غوطه‌ور در لذت‌ها بود که با وجود آنها نمی‌توانست تصمیم درستی بگیرد:

﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ • وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمَلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الأعراف: 175-176).

«و [ای پیامبر،] سرگذشت کسی را بر آنان حکایت کن که آیات [و نشانه‌های] خویش را به او دادیم و [او حقانیت این آیات را درک کرد؛ ولی] از آنها جدا [و عاری] گشت؛ پس شیطان به دنبالش افتاد و او از گمراهان شد. و اگر می‌خواستیم، [مقام و منزلت] او را به خاطر [پایبندی و عمل به] آن [آیات] بالا می‌بردیم؛ ولی او به دنیا [و پستی] گرایید و از هوای نفس خویش پیروی کرد. پس مثل او [در دنیادوستی] همچون مثل سگ است که اگر به او حمله کنی [و او را برانی]، زبان از دهان بیرون می‌آورد و اگر او را [به حال خود] واگذاری، [باز هم] زبان از دهان بیرون می‌آورد [چنین شخصی را نیز چه پند بدهی یا ندهی،

تفاوتی ندارد]. این، مَثَلِ گروهی است که آیات ما را دروغ انگاشتند. پس این داستان را [برای شان] حکایت کن؛ باشد که بیندیشند».

قرآن کریم همواره و در تمام زمینه‌ها انسان را به استفاده از عقل و جستجو و تحقیق و تفکر فرا می‌خواند و اینکه از خود، هستی و مخلوقات پند و عبرت گیرد بدون اینکه قبلاً پیش‌شرطی داشته باشد یا اینکه قبول و پذیرش حقیقت را مقید و محدود به مواردی خاص کند... .

کسی از سؤال و تحقیق و تفکر می‌ترسد که گمان می‌کند دین و عقل با هم تعارض دارند، این درحالی است که دین حق قطعاً از جانب الله آمده است؛ آفریدگاری که انسان را آفرید و این قدرت عقلی را در وجود او به ودیعت نهاد؛ بنابراین هرگز امکان ندارد آفرینش الله با دینی که برای مردم مشروع نموده منافات و تعارض داشته باشد؛ حال پرسش و به کار انداختن عقل چه ترسی دارد؟!

﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾  
(الأعراف: 54).

«آگاه باشید! آفرینش و فرمانروایی، از آن اوست. پربرکت [و بزرگ] است الله که پروردگار جهانیان است».





”

انسان مسلمان معتقد است که امکان ندارد خلقت و دین الله با هم تعارض و منافات داشته باشد؛ دینی که برای مردم مشروع کرده است، پس چرا ترسی از سؤال و به کارگیری عقل وجود داشته باشد؟!

# اسلام دين صلح



# پدیده

برخی از مردم - در اثر تبلیغات نادرست رسانه‌ها - وقتی می‌دانند صلح و دوستی از جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار است، شگفت‌زده می‌شوند! چنانکه هر مسلمانی روزانه واژه «سلام به معنای صلح و سلامتی» را بارها تکرار می‌کند و مفاهیمش را احساس می‌نماید.

سلام یکی از نام‌های الهی است و بهشت او در آخرت «دار السّلام» نام دارد، خوشامدگویی مسلمانان با واژه سلام شروع می‌شود، نماز آنان با دو بار تکرار شدن این کلمه به پایان می‌رسد و مهم‌تر از همه نام این دین، اسلام است که با مفاهیم صلح و آرامش و دوستی همراه است.



دین اسلام مردم را به صلح و احترام به حقوق ضعیف‌ترین و کم‌خردترین حیوانات فرا می‌خواند و رسول الله ﷺ می‌فرماید: «عُدِّبَتْ امْرَأَةٌ فِي



هَرَّةٍ، سَجَنَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ، فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارُ، لَا هِيَ أَطْعَمَتْهَا وَسَقَتْهَا، إِذْ هِيَ حَبَسَتْهَا، وَلَا هِيَ تَرَكَتْهَا تَأْكُلُ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ» (مسلم: 2242)

«زنی به خاطر گربه‌ای عذاب داده شد؛ زیرا گربه را زندانی نمود تا اینکه گربه مُرد و بدین خاطر آن زن وارد دوزخ گردید. وقتی گربه را زندانی کرد، به او آب و غذا نداد و آزادش نکرد که از جانوران زمین- شکار کند و- بخورد».

و اینکه زنی فاحشه و زناکار به سبب آبدادن به یک سگ، بهشتی شد. (بخاری: 3280).

دین اسلام عجیب‌ترین نمونه‌ها و احکام و قوانین را دربارهٔ احترام به مردم و معاشرت با آنان - هرچند از لحاظ دین و تفکر متفاوت باشند- بیان می‌دارد، تا جایی که پیامبرمان ﷺ تهدید می‌کند کسی که به فردی غیر مسلمان ستم نماید یا به او آزار رساند یا کاری بیش از توانش بر وی تحمیل کند، قطعا دشمن رسول الله ﷺ در روز قیامت خواهد بود. (سنن ابوداود: 3052)

”

پیامبر اسلام؛ محمد ﷺ تهدید میکند که هر کس به غیر مسلمان ستم کند یا وی را بیازارد و یا او را وادار به انجام کاری بیش از توانش کند، قطعا دشمن خود رسول گرامی اسلام در روز قیامت خواهد بود.

اینکه اسلام مردم را به صلح و دوستی با دیگران دعوت می‌کند به معنای عدل و دادی است که حق هر فردی را به خودش می‌دهد و ستمکار را از ستم و غصب‌کننده را از غصب باز می‌دارد؛ و به معنای فریب و نیرنگ نیست که دزد را در دزدی آزاد گذارد یا اینکه مثلا صاحب‌خانه با پول اندکی راضی به فروش خانه‌اش شود.

اصطلاحات و واژگان نامشخص و مبهم و کمپین های رسانه‌ای و تبلیغاتی، ابزاری برای ترویج و تبلیغ سخن و دیدگاه بسیاری از مردم گشته است و چندین دیدگاه و روایت برای یک صحنه و موضوع شکل می‌گیرد، اما تعداد اندکی از مردم به خود زحمت می‌دهند حقیقت را جستجو کنند و در مخالفت با تبلیغات رسانه‌ای، اطلاعات را از منابع اصلی به دست آورند و منصفانه و آگاهانه درباره موضوعی حکم و نظر دهند.

اکنون جهت تامل به برخی از این حقایق اشاره می‌گردد.

”

انسان‌های بسیار اندکی تحقیق درباره حقیقت را بر عهده می‌گیرند و با تبلیغات رسانه‌ای مبارزه می‌کنند تا اطلاعات را از منابع اصلی آنها به دست آورند و هدفمند و عادلانه درباره موضوعی حکم و قضاوت نمایند.



LAUNCHING

**CURIOSITY**

CLICK HERE

امروزه انتشار اسلام سریعتر از تمامی ادیان است:

اکنون اسلام با سرعت عجیبی در سراسر جهان در حال انتشار است؛ از آمریکا تا اروپا و آفریقا و آسیا؛ [مرکز پیو در تحقیقات ادیان. pewresearch. (PEW org)]؛ و این رشد و انتشار در وضعیت کمبود امکانات



و ضعف مسلمانان و تبلیغات گسترده‌ی رسانه‌ای برای جلوه دادن چهره‌ی بدی از اسلام از طریق اطلاعات نادرست و بیان و انتشار نمونه‌هایی بی‌ارتباط با اسلام می‌باشد. آیا با وجود این شرایط باز هم می‌توان ادعا کرد انتشار اسلام به سبب اجبار مردم است؟! یا اینکه در اثر رضایت و قانع‌شدن و انتخاب مختارانه‌ی آنان می‌باشد؟!!

برای هر فرد آگاهی این واقعیت قابل مشاهده است که رعایت حقوق دیگران از جانب مسلمانان و احترام به تصمیمات و فرهنگ‌های آنان، بیشترین تاثیر را بر این افراد و روی آوردن آنان به دین اسلام داشته و دارد؛ و این لطف و فضلی از طرف مسلمانان نیست، بلکه عمل به قاعده و قانونی است که الله متعال به روشنی آن را در قرآن کریم بیان فرموده است:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾ (البقرة: 256).

«در [پذیرش] دین، هیچ اجباری نیست؛ به راستی که راه راست [و هدایت] از راه انحراف [و گمراهی] روشن شده است.»





## آیا مردم برای پذیرش اسلام مجبور شده‌اند؟

بسا اوقات انسان برای تحمیل دیدگاه و اجرای آن و تحقیق مصلحتش از زور و قدرت استفاده می‌کند؛ تاریخ نمونه‌های بسیاری از این قبیل دارد که گروه‌های زیادی از منتسبین به ادیان و مذاهب مختلف دست به چنین کاری زده‌اند.

به عنوان مثال، تاریخ گواهی می‌دهد که در طول ورود کاشفان و مهاجران به دوره جدید، ساکنان بومی سرزمین‌ها به شکل وحشتناکی کشته و نابود شدند، چنانکه کشیش اسپانیایی «بارتولومی» پس از مشاهده آن قتل عام می‌گوید: «آنان ساکنان بومی را انسان نمی‌دیدند، بلکه آنان را بسیار پست و حقیر و حتی پایین‌تر از حیوانات می‌دانستند».

A Brief Account of the Destruction of the Indies by Bartolome de las Casas -Jan 1۰ 2009

### در مقابل، مسلمانان در زمان فتح سرزمین‌های جدید چه کردند؟





## مسلمانان 8 قرن بر اندلس حکومت کردند:

مسلمانان از سال 711 تا

سال 1492م معادل 781 سال در اندلس (اسپانیا) حکومت کردند؛ اندلس مرکز تمدن جهان بود و حتی یک مسیحی وادار به پذیرش دین اسلام نشد، بلکه حقوقشان رعایت گردید و تجارت و مراکزشان در سایه‌ی دولت رونق گرفت و مسلمانان ستمی را که پیش از فتح اندلس بر یهودیان تحمیل شده بود از بین بردند؛ تاریخ سرشار از این حقایق است. اما زمانی که ایزابلا و فرناندز بر مسلمانان اسپانیا پیروز شدند، نه تنها همه‌ی مواردی که از مظاهر و احکام اسلام محسوب می‌شد ممنوع شد بلکه محاکم تفتیش عقاید برای شکنجه‌ی کسانی دایر شد که ثابت می‌شد - هرچند به صورت مخفیانه - بر اسلام باقی مانده و دست از آن نکشیده‌اند.

و مسلمانان از دیارشان رانده و اخراج شدند، اما جالب توجه است که همزمان با اخراج مسلمانان، یهودیان هم از آنجا رانده شدند و همراه مسلمانان به سرزمین‌های اسلامی آمدند و در آنجا محلی امن و زندگی شرافتمندانه‌ای یافتند!





مسلمانان بیش از 1400 سال در مصر حکومت کردند و در این مدت جایگاه و منزلت قبطی‌ها را حفظ نمودند:

مسلمانان از زمانی که یکی از اصحاب رسول الله ﷺ به نام عمرو بن عاص رضی الله عنه مصر را فتح کرد، حکومت را در دست داشتند؛ و علاوه بر اینکه آیین و مقدّسات ساکنانش را حفظ نمودند، آنان را از ستم و شکنجه‌ای که به سبب اختلاف در مذهب با رومیان از سوی آنها می‌دیدند - هرچند دین‌شان یکی بود - نجات دادند... و قبطی‌ها از آن زمان در عمل به دین و عبادات‌شان آزاد شدند؛ امروزه تعداد آنها در مصر به بیش از 5 میلیون نفر می‌رسد.



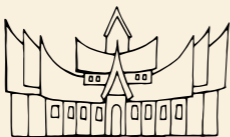
مسلمانان نزدیک به هزار سال  
بر هندوستان حکومت کردند  
درحالی که 80 درصد ساکنان  
آن غیر مسلمان بودند:

مسلمانان نزدیک به هزار سال در شبه قاره هند  
حکمرانی کردند و حقوق و عبادات ادیان دیگر  
را رعایت نمودند و ستم را از دوش پیروان مظلوم  
ادیان دیگر برداشتند. چنانکه همه ی مورخان  
تاکید دارند که اسلام به زور و قدرت منتشر نشد  
و هیچکس وادار به پذیرش اسلام نگردید.



300





بزرگ‌ترین سرزمین  
مسلمانان که اسلام  
بدون جنگ و لشکر  
وارد آنجا شد:

اندونزی دارای بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان در یک کشور است؛ با این توضیح که ساکنان آن به بیش از 250 میلیون نفر می‌رسد که از این میان سهم مسلمانان 87 درصد می‌باشد. اسلام بر اثر اخلاق تاجران مسلمان در قرن 6 هجری وارد اندونزی شد و حتی یک لشکر از مسلمانان به آنجا رفت و تا زمان رسیدن لشکرهای استعماری پرتغال و سپس هلند و پس از آن انگلیس، رنگ خون به خود ندیده بود.



301





# اسلام و واقعیت برخی از مسلمانان

این تناقض وحشتناک چیست؟ سخنی که برخی به هنگام آگاهی از حقیقت اسلام با دیدن افرادی منسوب به اسلام بر زبان می‌آورند که بسیار از تعالیم و آموزه‌های اسلام فاصله دارند؛ اسلامی که به اخلاق والا و تلاش برای آبادانی زمین و منفعت انسانی و انتشار صلح و دوستی میان مردم دعوت می‌دهد، اما با دیدن این افراد منسوب به اسلام که بویی از آن نبرده‌اند، با خود می‌گویند: آیا امکان دارد این افراد پیروان دین حق باشند؟

این موضوع باعث حیرت و تعجب است و نیازمند تأمل تدریجی در چندین محور می باشد:

- همه‌ی کسانی که منسوب به اسلام هستند یا در میان مسلمانان متولد شده‌اند، مسلمان پایبند به شعائر دین نیستند، بلکه کوتاهی‌ها و انحرافات فراوانی بر خلاف حقیقت اسلام و آموزه‌های آن در اطراف ما وجود دارد تا جایی که برخی از مسلمانان جز نامی از اسلام نمی دانند.

- هرگز نمی‌توان اشتباهات مردم را به ادیان و مذاهب آنان نسبت داد؛ مثلاً هرگز نمی‌توانیم بگوییم: تجاوز و سرکشی هیتلر به سبب دین او بود، یا اینکه دین مسیح دعوت به خشونت می‌دهد، چون هیتلر مسیحی بوده است. یا اینکه الحاد منجر به کشتار مردم می‌شود، چون ژوزف استالین که ملحد بود، ده‌ها میلیون نفر را کشت... تمامی این موارد ادّعاهایی دور از حقیقت و دقّت و درستی هستند.

”

هرگز جایز نیست که اشتباهات مردم را به ادیان و مذاهب آنان نسبت دهیم.



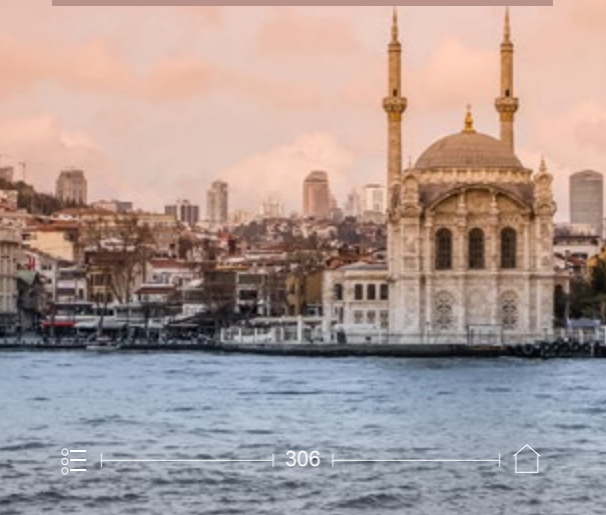
● نمونه‌هایی وجود دارد که همگی به زیبایی و بزرگی و تناسب آنها با حقیقت اسلام و روح صلح و دوستی و علم و پیشرفت گواهی می‌دهند و تاریخ در سراسر جهان از سرزمین هند در شرق تا اسپانیا در غرب جهان موارد بسیاری از این قبیل دارد که همواره آثار آنها وجود دارد که راهنما و راهی برای تمدنی بودند که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، چنانکه نمونه‌هایی امیدبخش از دولت‌هایی که امروزه به دنبال پیشرفت هستند نیز یافت می‌شود، علاوه بر نمونه‌های فردی و متمایز در تمامی زمینه‌های علمی و در کشورهای مختلف جهان.

● هیچکس حقایقی را که علم پزشکی معاصر کشف نموده انکار نمی‌کند و درمان خود را تنها به دلیل وجود پزشکانی ناشی در اطرافش ترک نمی‌کند؛ و هیچکس مخالف با آموزش نیست و فرزندان‌ش را فقط به این دلیل که مدارس و معلمان را می‌شناسد که به این شغل شریف بد کرده‌اند، از آموزش منع نمی‌کند. بنابراین آنچه مهم است و باید از آن درس گرفت، واقعیت امر و نه نمونه‌های بد و منتسب به آن است.

عجیب است که علی‌رغم هجمه‌ی همه جانبه‌ای که برای بدنام کردن اسلام از سوی برخی از منتسبان به آن یا دشمنانش صورت می‌گیرد، بسیاری از مردم می‌توانند نسخه‌ی اصلی و صحیح و پاک اسلام را مشاهده و مطالعه کنند؛ و هنوز هم مردم در تمامی کشورهای جهان وارد دین اسلام می‌شوند!

”

هیچ کس مخالف با آموزش نیست و فرزندان را فقط بدین سبب که مدارس و معلمان را می‌شناسد که به این شغل شریف بد کردند، از آموزش منع نمی‌کند.





## نگاهی نو

چقدر اتفاق افتاده که در گرفتن تصمیم و غنیمت شمردن فرصت جهت منافع خود تردید کرده‌ای و تا به امروز خودت را به سبب آن تردید سرزنش می‌کنی!

بدون تردید بزرگ‌ترین کرامت انسان همان آزادی و قدرت وی برای گرفتن تصمیمی است که به مصلحت اوست بدون اینکه ترس و تردیدی داشته باشد.

اگر پایداری در مشکلات و مبارزه با موانع و سختی‌ها شجاعت است و صاحب آن مورد تقدیر و توصیف قرار می‌گیرد، قطعاً جرأت گرفتن تصمیمی که مصلحت انسان در آن است و نیز شجاعت اعتراف به اشتباه در هنگام آشکارشدن حقیقت، بسیار باارزش‌تر و بزرگ‌تر از آن است، زیرا این نوعی شجاعت در برابر نفس و پیروزی بر تکبر و خودخواهی است که انسان تاثیر آن را بر نفس و شخصیتش احساس خواهد کرد. همان گونه که به خود فرصت می‌دهی تا درباره ویژگی‌های اسلام تحقیق کنی و آنها را بر اساس منابع اسلام بشناسی، خود را از تفکر و تدبّر در آنچه خوانده‌ای محروم نکن.

اگر رونق و زیبایی این دین برای آشکار شده و هنوز هم نیاز به تحقیق و بررسی بیشتر درباره حقیقت و ویژگی‌های اسلام داری، فضای گسترده‌ای برای خواندن و اطلاع و گفتگو و پرسش در اختیار تو قرار دارد، اما از این پس باید با دیدی نو و از زاویه‌ای دیگر دقت کرده و بیندیشی.



مفتخریم که خواندن این کتاب را به پایان رساندی و امیدواریم که باعث مطرح شدن پرسش‌هایی جدی شده باشد یا اینکه موافقت و یا مخالفت تو را در برابر برخی افکار برانگیخته باشد و خوشحال می‌شویم که دیدگاه یا سؤال و یا اعتراض تو را بشنویم و با کمال میل از تو استقبال می‌کنیم.

برای آگاهی از اطلاعاتی دیگر دربارهٔ دین اسلام:



LAUNCHING  
**CURiOSiTy**  
JUST SCAN IT!!



**THISISLAM.net**

تجربه خود را با ما  
به اشتراک بگذارید

info@modern-guide.com